



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران **دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۲۰ شوال ۱۴۴۵** سال بیست‌وششم - شماره ۷۰۱۵ - ۱۶ صفحه قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سر مقاله

غلامرضا صدیقیان، سردبیر

آقایان زیباکلام، فاضلی، ار مکی! این بود غایت لیبرال بودن شما!

خبرنگار گروه اجتماعی جوان تصمیم گرفت با برخی استناداتی که از آنها سابقه حمایت‌هایی از منش آزادپخوانانه امریکا به یاد داشته است، تماش بگیرد و نظر نشان را در باره برخورد پلیس امریکا با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های امریکا بیورد.
ظاهرا به آقایان برخورده است!آنگونه که خبرنگار برای من بازگو کرده آقای صافق زبیاکلام بلافاصله پس از شنیدن نام «جوان» گفته است: «پلیس امریکاهنوز کسی را از روی پشت‌بام پایین نینداخته است!»ایشان در ایکس هم نوشته‌است: «مرور رسانه‌های انقلابیون تندرو از جمله فارس و روزنامه جوان خواهان گفت‌و گو پیرامون برخورد خشن مقامات امریکایی با دانشجویانی که علیه اسرائیل تظاهرات کردنداند، مصاحبه کنند. لفظ نشانی از خود،ایشان است!گفتم شما اول این آمار ابراهیم بدهید چه تعدادی از معتزین کشته‌شده یا چشم‌شان مورد اصابت گلوله‌ساجم‌های قرار گرفته؟» آقای تقی آزاد رمنکی هم گفته‌است: «لان که دارم فوتبال می‌بینم ولی شما چطور می‌توانید با من درباره پلیس امریکا صحبت کنید؟!بله، ما انقلاب خود را به امریکا صادر کردیم، اما نه به دانشجوی حامی فلسطین، بلکه به پلیسی که با دانشجو برخورد می‌کند، چون کار دانشجوی امریکایی حق است ولی ما در سرکوب دانشجوی معترض با آنها مشتربیم.» و آقای محمد فاضلی هم گفته‌است حضوری با وقت قبلی حاضر به مصاحبه‌است

ولی ایشان نیز بدون اسم آوردن از «جوان» در توثیقی نوشته است: «رسانه‌های انگلوگرا از نقد برخورد پلیس امریکا با دانشجویان پر شده است. دنبال مصاحبه گرفت من هستند. اما تناقض بین نقد رفتار پلیس امریکا و سکوت محض در برابر صدور حکم اعدام توپ قد صالحی و لباس رزم پوشیدن در برابر زنان این سرزمین آزارشان نمی‌دهد؟!انتقاری می‌ماند برای این رسانه‌ها؟» من عین توثیق‌هایی آقایان و تندترین حرف‌های تماش تلفتی‌شان را در این یادداشت آوردم که فقط به ایشان اشاره کنم اگر درسی از تمدن و فرهنگ غربی می‌آموزید، کامل بیاموزید. لیبرالیسم فضیلت‌هایی هم دارد و آن اهمیت‌دادن به رسانه مخالف و رسانه بزم‌مخ تاندرو و رویه‌رو شدن با تریبون‌های است که «قرار نیست یکسره مقابل شما باایند» و گاهی پرشش می‌کند و به چالش می‌کشد، چرا این فضیلت را از لیبرالیسم نیاموخته‌اید؟! چند سال پیش در کاری که به ندرت انجام می‌دهم، در تلگرام با آقای فاضلی بحث کوتاهی درباره یکی از نقدهای‌شان به تشییع جنازه حاج‌قاسم در کرمان داشتم. بعد می‌دانستم ایشان شناختی از من نداشته باشد. بعد از دو سه چت مختصر پیام داد که «بر(ادرا من با شما اشتراک فکری ابراهامی داشتم گفت‌و گو ندارم!» نوشتم عجب!ا خدا پدر کلر پور را رحمت کند که گفت «برای گفت‌و گو نیازی به اشتراک فکری نیست!» و بلکه نظر، نه این فیلسوف علم و فیلسوف سیاسی غرب این بود که گفت‌و گو آنجا که اشتراک فکری نیست، امکان پذیر می‌شود. و اکنون پرشش هم این است: چرا استادان روشنفکر و تخبه و درس خوانده ما این تکانت نغز از آقای فیلسوف‌های غربی بر عکس می‌آموزند؟! یاد دکترا کتیر باکلام هم چند بار در محیط دانشگاه‌رو به رو شدم. تک‌تک‌ها به ایشان همیشه همین بوده است که تریبون بدم ابرایشان رسانه‌های تندرو داخلی را به تریبون گنداد و یکطرفه‌کلیشه‌های اسرائیلی خارج از ایران ترجیح دهد تا بتوان ادراکی از شمار‌های لیبرالی ایشان داشت و گرنه امر بر ما مشتبه می‌شود!با استاد سوم روبرو نبوده‌ام ولی به ایشان هم -و به دیگرانی که روزنامه‌ها و رسانه‌های همسوا برای سخن گفتن می‌پسندند- می‌گویم که در پس این شعار‌های لیبرالیستی قدری هم منشی ظاهری لیبرالیسم را در خود تقویت کنید. دانشجویان شما دارند شما را می‌بینند! خوب نیست در نوشته‌های شما مشابه‌کنند که خبرنگار روزنامه جوان یا شما تماش گرفته و شما (بهرغم نوعی ذوق زدگی که در نوشته‌ها مستتر است) جواب رد داده‌اید یا تمسخر کرده‌اید. برای این رفتار خود در کلاس‌های درس مجبور خواهید بود شخصیت‌پند‌های غیر واقعی که هیچ فیلسوف سیاسی لیبرالیستی نوشته، به مفاهیم لیبرالیسم اضافه کنید و این کار تحریف این «ایسم» عزیز کرده شماست.

چندی پیش و قبل از انتخابات مجلس، خبرنگار جوان با آقای محسن هاشمی نیز تماش گرفت که بביاید در روزنامه گفت‌و گوی مفصلی باهم داشته‌باشیم. خبرنگار ما گزارش داد که آقای هاشمی به او گفته است «هدف شمال گفت‌و گو با من عادی‌سازی (کارهای نظام از جمله در رصلاحیت‌ها) است و من به همین دلیل مصاحبه نمی‌کنم!» اما عجیب آنکه فردا و پس فردای همان روز دو شب بیابایی ایشان در تلویزیون حاضر شد و دلی از عزای سخن گفتن در آورد! آیا در تلویزیون عادی‌سازی رخ نداد؟!

اینجاست که به آقایان استادان طرفدار لیبرالیسم می‌توان گفت شما را با این رفتار تان هم مقاومت می‌کنند. نگذارید آزادی، معنی اشتماری و بسسته و گر خورده و متعصبانه‌ای که از آن به تصویر می‌کشید، پیدا کند. عاشق لیبرالیسم و گریز از رویه‌رو شدن با رسانه‌های مخالف؟! حاشا و کلا!نگرانم که دانشجویان شما شبی به‌بالین تان باییند و استین تان بردند و گردانی چند در جیب‌تان بگذارند که نه‌الین رسم عاشقی نیست، «شاه‌مات و مات شاه‌شاه» لیبرالیسم بودن در رسانه‌های دشمن خارجی و همسوی داخلی، و فتادن و خفتن هنگام محک‌خوردن در دعوی آزادی رسانه‌های غیر همسو! اکنون وقت سسرخ‌گفتن از امریکاست، بیایید آن را اثبات کنید، اگر به شما بر نمی‌خورد!

«این ندانم و انا ندانم، پهر چیست! تا بگویی آنک می‌دانیم کیست/ نفی پهر ثبت باشد در سخن گفتن و ثبت آغاز کن! نیست این و نیست آن بین واگزار، آلتک آن هفتکارت، آن را پیش از این»

«جوان» وضعیت بازار ارز و فروکش کردن التهابات این بازار را پس از گوشمالی اسرائیل بررسی می‌کند

باخت دلار به میدان و دیپلماسی

● وحید عظیمی‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

«بازر عاقل تر از برخی تحلیلگران است»، این گزاره دیگر یک شعار نیست بلکه معینی بازار ارز است چرا که برخی کارشناسان و به اصطلاح تحلیلگران در ایام عزم ایران برای تنبیه رژیم موقت صهیونیستی، مدام القا می‌کردند که اگر ایران از حیثیت خود دفاع کند و پاسخ گستاخی رژیم کودک‌کش اسرائیل را در حمله به کنسولگری کشورمان در سوریه بدهد، بازار ارز مافتضاح خواهد شد و به تبع آن سایر

بازارها نیز به هم می‌ریزد، بنابراین بهتر است چنین اهانتی را هضم و از کنار آن عبور کند. با همین توجیه‌ها و القانات، در روزهای منتهی به پاسخ ایران، قیمت دلار را افزایش دادند، به طوری که به رقم ۷۰هزار تومان نیز تنه زد، اما بعد از گوشمالی رژیم‌صهیونیستی که مورد استقبال احاد مردم قرار گرفت، بازار ارز نیز آرام گرفت و رفته‌رفته قیمت دلار ریزش کرد. دیکته بسپارای مهم این است که ایران با شرایط

موجود پس از تحمل تحریم‌های سنگینی که علیه کشورمان وضع شده، سازگار شده است، همچنین رکوردشکنی دوباره درآمدهای ارزی کشور در زمینه فروش نفت‌خام در یک ماه گذشته نشان از وضعیت مناسب منابع ارزی کشور برای دخالت در بازار ارز دارد. روز یک‌شنبه(۲۶فروردین) نیز قیمت طلا و دلار عقب‌نشینی داشت و نشان می‌دهد فراروفروند بازار بیشتر روانی است! | **صفحه ۴**

دانشجوی ایرانی حامی دانشجوی اسرائیل ستیز امریکایی

در روزهای اخیر دانشجویان دانشگاه‌های امریکا با برپایی تجمعات علیه سیاست‌های دولت امریکا شعار می‌دهند و خواستار پایان جنایت رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه هستند. دانشگاه‌های کشورمان در تهران و شهرستان‌ها نیز شاهد تجمعات گسترده در حمایت از آرمان انسانی و اخلاقی دانشجویان امریکایی است | **صفحه ۲**



سیدمحمد آل رسول | ایستا

از حاشیه تا متن

تقی دزآکام

هزارویک شگفتی بزرگ در هفت ماه

درست از نیمه سال خورشیدی گذشته، حوادث و رویدادهای بی‌دربی و متعددی در عرصه جهانی اتفاق افتاده است که گاه تشخیص اینکه کدام حادثه و رویداد شگفت‌انگیز تر است، سخت یا ناممکن می‌شود. بیاییم مروری به برخی - و فقط برخی - از آنها داشته باشیم.

صبح روز هفتم اکتبر که روزندگان فلسطینی گردان القسام با نیروهای زمینی خود به مقر شهاباک در گذرگاه ایسزر، به مقر بیگان ۸۲۰۰ اسرائیل و به پایگاه نظامی سسرین التجیل حمله کردند و چندین افسر اطلاعاتی رژیم را بازداشت و تعداد زیادی از رایانه‌ها و اسناد و اطلاعات را با خود به فلسطین بردند شروع این سلسله حوادث بود، اما آیا این مهم‌ترین حادثه این هفت‌ماه بود یا هنگامی که آنها با پاراگلایدر موتوردار خود در کمال آرامش در اراضی اشغالی فرود آمدند و تعجب ناظران را برانگیختند؟! تا جایی که صهیونیست‌ها تا سه روز در شوک بودند و نتوانستند بی‌اندیشند که چه باید کنند.

ده روز بعد بود که رژیم به بیمارستان المعمداتی حمله کرد و ۵۰۰ نفر از فلسطینی‌ها را به شهادت رساند. حالا این ناظران بودند که در شوک رفتند و از این جنایت بزرگ شگفت‌زده شدند.

رژیم تا ۲۱ روز فقط به حملات فوجایی و کشتار روزانه و ساعت به ساعت فلسطینیان ساکن غزه ادامه داد اما بعد از آن بالاخره تن به حمله زمینی به غزه و کشتار رودر روی مردم داد. اما یک هفته بعد، حمله موشکی مقاومت عراق به بندر تجاری مهم ایلات در شگفتی‌های ماجرا افزود.

چندی بعد، در چهل و چهارمین روز از آغاز عملیات طوفان الاقصی، حالا ایسن مجاهدان یمنی بودند که شگفتی‌ساز شدند و نیروی دریایی آنان با موفقیت کشتی گلنکی لیدر را که حامل محموله‌های فرارانی برای اشغالگران بود، توقیف کردند و به ساحل یمن بردند و با آن عکس یادگاری گرفتند و با نشان دادن قدرت خود، به تحقیر صهیونیست‌ها پرداختند.

در ۲۴ نوامبر بالاخره اسرائیل تن به آتش‌بس موقت داد و طی هفت روز که این آتش‌بس را رعایت کرد، ناچار شد به ازای هر اسیر اسرائیلی، سه فلسطینی زندانی را آزاد کند تا بدین ترتیب ۲۴۰ فلسطینی آزاد و ۸۱۱ اسرائیلی رها شدند.

در نهم دسامبر، دولت بایدن که با مانع‌گنرهِه برای کمک مالی و تسلیحاتی گسترده به رژیم‌مواجه شده بود، با‌دورزدن آن ۱۴ میلیارد دلار کمک مالی و تسلیحاتی از اسرائیل کرد تا دست‌صهیونیست‌ها در یکی از بزرگ‌ترین نسل‌کشی‌های تاریخ بشر باز تیراشد.

در روز هفتادوشم، تیب گوآتی ارش اسرائیل که بدجوری در گل‌غزه مانده و تلفات بالا داده بود، برنجام خروج با همان فرار رسمی خود، را اعلام کرد و به اراضی اشغالی آن‌سوی غزه بازگشت.

در دومین روز سال نوی میلادی، اسرائیل برای نخستین بار به لبنان حمله کرد و با ترور شیخ «صالح العاروری» معاون سیاسی جنبش حماس در بیروت، وی را به شهادت رساند. اما در هفته بعد این بار صهیونیست‌ها به ترور یک شخصیت غیر فلسطینی در خاک لبنان دست زدند و «وسام حسن طویل» از فرماندهان میدانی حزب‌الله را به شهادت رساندند تا حزب‌الله هم دلیل محکمه‌پسندتری برای اقدامات متقابل داشته باشد.

سه روز بعد آفریقای جنوبی با یک اقدام تحسین‌برانگیز حقوقی با ثبت شکایتی از رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی لاهه، موجبات ارزیابی نهادهای حقوقی بین‌المللی را در این ماجرا فراهم کرد، به، حدود دوهفته بعد دادگاه لاهه شگفتی دیگر این ماجراها را



می‌گفت «شهادت در جوانی» قشنگ است

● اشرف‌اصحیحی دستجردی

■ شهیدمدافع حرم محمد کامران دستجردی، سلاح بر زمین مانده دایی شهیدش محمد خدنامی را که در جبهه‌های دفاع مقدس آسمانی شده بود، برداشت و خود را به جبهه مقاومت اسلامی رساند. نامش را از نام دایی شهیدش به عاریت گرفته بود و خودش هم راه‌دایی محمد را در مسیر جهاد و شهادت پی‌بومد تا اینکه در ۱۳۹۴ ماه ۱۳۹۴ خن طومان سوریه به شهادت رسید. چند روایت از زندگی این شهید را در گفت‌وگو با مادرش فاطمه خدنامی در صفحه ۷ بخوانید.

آقای آموزش و پرورش! دختران ازدواج کرده بیماری روحی ندارند!

● محمدصادق قفقوری | دبیر گروه اجتماعی

■ آموزش و پرورش که مهم‌ترین دستگاه حاکمیتی برای پیاده‌سازی اسناد بالادستی و آموزش فرزندان ایرانی بر مبنای ارزش‌های اسلامی ایرانی است، علنا برخلاف این اسناد و ارزش‌ها اقدام می‌کند و ابایی هم از گزارش این سیاست‌های ضد اسلامی - ایرانی ندارد. یک نمونه از این تفکراتی غلط، سوخ کرده در مدیران آموزش و پرورش، موضع‌گیری اخیر این وزیر زرتخانه پیرمون ازدواج دختران است | **صفحه ۳**



■ اخیراً پیش‌سرپال حشاشیین به دلیل تحریف تاریخ و نمایش چهره‌ای نادرست از ایرانی‌ها به بهانه‌ها روایت تاریخ‌اسماعیلیه از شبکه نمایش خانگی ممنوع اعلام شده‌است. تقویت فرهنگ‌ها رویکردی است که مוסاد و صهیونیست‌ها از دیرباز به ویژه در ایران در پی آن بوده‌اند. تولید پیش‌سرپال حشاششین با موضوع فرقه حسن صباح در ایران را نیز می‌توان در همین راستا مورد تحلیل قرار داد | **صفحه ۱۶**

بقیه در صفحه ۲



جام سیزدهم

● فریبون حسن | دبیر گروه ورزشی

■ تیم ملی فوتبال ایران با برتری مقابل تایلند برای سیزدهمین بار عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا را به دست آورد. همچنین سعید احمد عباسی با ۸ گل زده عنوان آقای گلی مسابقات را از آن خود کرد و به عنوان بهترین بازیکن مسابقات برگزیده شد. علاوه بر این باقر محمدی، دروازه‌بان ایران هم عنوان بهترین دروازه‌بان مسابقات را از آن خود کرد. علی‌اصغر حسن‌زاده، کاپیتان تیم ملی ایران بعد از کسب عنوان قهرمانی آسیا با تمجید از تیم ملی تایلند و تماشاگران برشور این تیم گفت: رمز پیروزی ما اتحاد بین بازیکنان و کادر فنی بود. ما از روز اول با هم متحد شده بودیم که برای خوشحالی دل مردم ایران جام قهرمانی را به کشور بر گردانیم | **صفحه ۱۳**

از حاشیه تا متن

تقی دزآکام

هزارویک شگفتی بزرگ در هفت ماه

همین صفحه

ویژه‌های جوان

تندرو، لاجوج و متعصب‌تر از زیباکلام، خودش!

نکشی ما را آقای سخنگوی جبهه اصلاحات!

صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

سیدصورت مرتضوی | وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

تفاهم و تعامل با شرکای اجتماعی برای حل مسائل کارگران

یکی از وظایف مهم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور تنظیم روابط کار، بررسی و رفع مسائل و مشکلات جامعه کارگری، بهبود روابط کارگری و کارفرمایی با بهره‌گیری از سازوکار و مکانیسم‌های سه‌جانبه‌گرایی با هدف حفظ و صیانت از نیروی کار است. قطعاً اصل بنیادین در تمامی این حوزه‌ها، تصمیم‌سازی بر پایه گفت‌وگوی اجتماعی میان شرکای اجتماعی دولت است. بر همین اساس در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و باذفاع از مواضع صنفی کارگران شریف و کارفرمایان عزیز و بر منافع مشترک کارگران و کارفرمایان و نیز منافع بلندمدت ملی همواره تأکید شده است | **صفحه ۴**

یادداشت سیاسی

عبدالله متولیان

نقطه هدف دشمن در طرح کشف حجاب

آنچه درباره حجاب و پوشش در فرهنگ‌ها و ملل در طول تاریخ مورد اختلاف بوده نه اصل حجاب بلکه بحث بر سر میزان حداقلی آن بوده است. همه کشورها بدون استثنا میزان حداقلی را برای حجاب و پوشش قانونی تعیین و کمتر آن را راجع انکاری کرده و بر اساس قانون پوشش و حجاب با مجرمان برخورد کرده و می‌کنند. میزان حداقلی حجاب در هر کشور بر اساس فرهنگ همان کشور تعیین می‌شود و به هیچ وجه قابل کبی برضاری از دیگر کشورها و تحمیل آن به سایر ملل نیست | **صفحه ۲**

یادداشت حوادث

حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

درباره پابند الکترونیک

شمار زیادی از سارقان سابقه‌دار با پابندهای الکترونیکی در جامعه رها شده‌اند و شمار بیشتری هم با طی کردن مراحل قانونی از زندان‌ها آزاد می‌شوند. پلیس اعلام کرده این مجرمان بعد از نصب شدن پابند می‌توانند در سطح کشور تردد کنند و محدودیتی برای تردد آنها وجود ندارد. برداشتن محدودیت تردد برای این دسته از مجرمان فرصت ارتکاب دوباره عمل مجرمانه را بالاتر هم می‌برد | **صفحه ۱۴**

یادداشت ورزشی

شیوا نوروزی

کشتی آزاد، لنگ یزدانی!

کشتی ایران روزهای حساسی را پشت سر می‌گذارد و تمام این حساسیت‌ها به حسن یزدانی خلاصه می‌شود. فدراسیون یک فرصت ویژه به او داده و همه منتظر ببینیم که یزدانی آمادگی حضور در المپیک را دارد یا نه. تا یک سال پیش بار کشتی آزاد روی دوش این ستاره بود و در همه تورنمنت‌های مهم رنگ‌مтал یزدانی از سایر نفرات اهمیت بیشتری داشت، ولی درست از روزی که خبر جراحی کتف این کشتی‌گیر منتشر شد شرایط بر عکس شد. فشار مصدومیت یزدانی روی تیم کشت آزاد حتی کل کشتی کشور افتاد. از همان ابتدا اخبار ضدوقتی در خصوص کتف این ملی‌پوش به تشک مطرح بود. رئیس فدراسیون جراحی کتف را نوعی دخااطخلی اجباری دانست، اما پزشک یزدانی و خود او نظر دیگری داشتند | **صفحه ۱۳**

آموزش و پرورش دخترانی را که ازدواج می‌کنند از تحصیل عادی منع کرد

آقای آموزش و پرورش و پرورش! بیماری روحی ندارند!

آموزش و پرورش که مهم‌ترین دستگاه حاکمیتی برای پیاده‌سازی اسناد بالادستی و آموزش فرزندان ایرانی بر مبنای ارزش‌های اسلامی – ایرانی است، علناً برخلاف این اسناد و ارزش‌ها اقدام می‌کند و ابایی هم از گزارش کردن این سیاست‌های ضد اسلامی – ایرانی ندارد. یک نمونه از این تفکرهای غلط رسوخ کرده در مدیران آموزش و پرورش، موضع‌گیری اخیر این وزارتخانه پیرامون ازدواج دختران است؛ مقام مسئول آموزش و پرورش روز گذشته به‌طور ضمنی از ممنوعیت حق تحصیل مطلوب برای دخترانی که ازدواج می‌کنند، خبر داده‌است. در یک موضع‌گیری عجیب، که البته مسبق به سابقه هم هست، مدیر آموزش الکترونیکی و از راه دور وزارت آموزش و پرورش گفته‌است دختران ازدواج کرده می‌توانند در شیفت عصر مدارس دولتی و از راه دور ثبت‌نام کنند!

این اظهار نظر غیر منطقی، حتماً توجهاتی هم دارد، اما این توجهیات نه منطبق بر سبک زندگی اسلامی، که برگرفته از نسخه‌های تجویزی و وارثانی است که نه تنها با زیست بوم اسلامی – ایرانی همخوانی ندارد، بلکه پیام آشکار تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده را در جامعه رو به پیری ایرانی مخایره می‌کند.

نانوشته پیداست که ارائه الگوی واحد از دواج برای همه اشخاص، نه منطقی است و نه هیچ کارشناسی آن را تأیید می‌کند. فرآیندهای اجتماع پذیری و بلوغ، از فردی به فردی متفاوت است. تنها توجه به همین نکته بدیهی کافی است تا مدیران اجرایی از ارائه الگوهای واحد و بی‌منطق برای سوق دادن نوجوانان و جوانان به ازدواج در سنینی خاص جلوگیری کنند.

ایرج شاه ملکی، مدیر آموزش الکترونیکی و از راه دور وزارت آموزش و پرورش تنها توجه به این بهیبات در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه هدف مدارس از راه دور پوشش تحصیلی «دانش آموزان بازمانده از تحصیل» است، گفت: دانش آموز زیر ۱۸ سالی می‌تواند در مدارس از راه دور ثبت‌نام کند که مجوزی تحت عنوان «کمسیون خاص» با توجه به شرایط جسمی، روحی، مالی، بیماری، دوری راه و صعب‌العبور بودن مسیر، داشته‌باشد.

این مقام مسئول، علناً دختران ازدواج کرده را با دانش آموزان بی‌بیماری روحی در یک طبقه قرار داده است، چراکه در صدر گفت و گو تصریح یاشدودر مسیر تحصیلات عالی رشدو پیشرفت کند و در عین حال هم توانسته شغل معلمی را کسب کند. در واقع اینطور بر داشت می‌شود که این فرد هم‌زمان با گذراندن دوران دانشگاه، تجربه و در آمدی نیز کسب خواهد کرد، اما کاش همین‌طور نبود و همه دانشجو معلمان در تحصیل و شغلشان رو به پیشرفت بودند.

از دواج کرده می‌توانند در شیفت عصر مدارس دولتی، از راه دور و زیر گسلان تحصیل کنند. همچنین این‌نامه اجرایی هم به آنها اجازه داده با رعایت ملاحظات در مدارس روزانه ادامه تحصیل دهند. شاه ملکی «ملاحظات» آموزش خود را بیان نکرده‌است، اما این نحوه منت‌گذاری بر سرر دختران واجبالتعلیم برای تحصیل در مدارس عالی، دون شأن این فرزندانی است که برخلاف این دست از مدیران کارنایلد، اسبر جوگی‌ری‌های ددستی و کلیشه‌ای نیستند. این کارنامه محقرانه در دخترانی که انتخاب کرده‌اند به جای دوستی‌های مجازی و ناپایدار و غیرعریغی، راه صحیح ازدواج را برگزینند. آن هم از سوی آموزش و پرورش که نهاد متولی تربیت دانش آموزان ایرانی است، نه فقط عجیب، که مستلزم عزل و برخورد با چنین افرادی است که سیاست‌های غلط و منسوخ گذشته را طوطی‌وار ادامه می‌دهند.

قضایای صلح

دادگاه‌های صلح

در تهران تشکیل می‌شود

قائم‌مقام رئیس کل دادگستری استان تهران از پیگیری تشکیل دادگاه‌های صلح در تهران خبر داد. حاجی رضا شاکرمی، قائم مقام رئیس کل دادگستری استان تهران از پیگیری تشکیل دادگاه‌های صلح در تهران خبر داد و از روزهای دادگستری‌ها و حوزه‌های قضایی بخش خواست تا هماهنگی و مهیادات لازم را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که تا پایان نیمه نخست امسال، مقدمات و زمینه‌های تشکیل این دادگاه‌ها فراهم شود.

قائم‌مقام رئیس کل دادگستری استان تهران یادآور شد: صلاحیت‌های دادگاه صلح مشخص است و فقط پرونده‌های در صلاحیت این دادگاه‌ها به شعب تعیین شده برای دادگاه صلح ارجاع می‌شود و پرونده‌های شعب تبدیلی که خارج از صلاحیت داد گاه صلح هستند، طبق روند قانونی و همچون گذشته مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. شاکرمی، صلاحیت شوراهای حل اختلاف را در پرونده جدید به طور اختصاصی در زمینه سازش اعلام کرد و اظهار داشت: پرونده‌های خارج از این توصیف در قالب ابلاغ صلح مطرح خواهد شد و البته شوراهای حل اختلاف همچنان در کنار دادگاه‌های صلح فعال هستند و رأی مربوطه و تصمیم قضایی توسط قاضی داد گاه صلح صادر خواهد شد. وی افزود: دادیاران و بازپرسی‌انی که پیش از این به عنوان قضای شورا فعالیت داشته‌اند یا بررسی و طی مراحل قانونی بعد از تشکیل دادگاه صلح و در صورت صدور ابلاغ مراجع مربوطه می‌توانند حسب مورد به عنوان دادرس یا رئیس شعبه داد گاه صلح انجام وظیفه کنند. غلام‌شامه‌پودی، معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان تهران در امور شوراهای حل اختلاف در این نشست با تأکید بر آثار مثبت شکل گیری دادگاه‌های صلح گفت: با تشکیل دادگاه‌های صلح تعداد زیادی از پرونده‌های در صلاحیت این دادگاه مانند تصادفات به شعب این دادگاه‌ها ارجاع داده می‌شوند و کاهش ورودی پرونده‌های قضایی به دادرس‌ها را در پی خواهد داشت. ربیع‌الله قربانی، رئیس کل محاکم تهران نیز ایجاد دادگاه صلح در کنار محاکم و دادرسا را موجب کاهش ورودی پرونده‌های قضایی در این دو مرجع دانست و اتخاذ تصمیمات مدیریتی برای تأمین نیروی انسانی و تعیین قضات برای رسیدگی به پرونده‌های در صلاحیت دادگاه‌های صلح را ضروری دانست.

گفتنی است دادگاه صلح نهاد جدیدی است که به موجب قانون شورای حل اختلاف سال ۱۴۰۲ پیش‌بینی شده و ماهیت و وجودی این نهاد متفاوت از دادگاه‌های عمومی است. طبق قانون جدید، دادگاه صلح تمامی صلاحیت‌های شورای حل اختلاف را بر اساس قانون سابق، مضاف بر صلاحیت‌های جدیدی که قانونگذار برای آن پیش‌بینی کرده داراست. این دادگاه، ابتدا باید پرونده را به شورای حل اختلاف حل اختلاف ارجاع دهد و در صورت عدم امکان سازش یا عدم امکان اخذ تصمیم مقتضی یا در صورت مخالفت یکی از طرفین دعوا در خصوص ارجاع به شورای حل اختلاف، دادگاه صلح به ماهیت دعوا رسیدگی می‌کند.

علی‌القاسمی، رئیس کل دادگستری استان تهران نیز در راستای اجرای قانون جدید شورای حل اختلاف در هشتمین مأموریت خود به مدیران قضایی استان تهران ایجاد دادگاه‌های صلح در سال ۱۴۰۳ از مورد تأکید قرار داد و تاکنون پنج نشست هماهنگی و پیگیری اجرای این قانون در دستگاه قضایی استان تهران تشکیل شده‌است.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۲۰ شوال ۱۴۴۵



مشکلات ادامه‌دار دانشجو معلمی در گفت‌وگوی «جوان» با دانشجو معلمان

رنج دانشجو معلمی

وقتی نام «دانشجو معلمی» به گوش می‌رسد، تصور بر این است که یک نفر، توانسته دانشجو باشدودر مسیر تحصیلات عالی رشدو پیشرفت کند و در عین حال هم توانسته شغل معلمی را کسب کند. در واقع اینطور بر داشت می‌شود که این فرد هم‌زمان با گذراندن دوران دانشگاه، تجربه و در آمدی نیز کسب خواهد کرد، اما کاش همین‌طور نبود و همه دانشجو معلمان در تحصیل و شغلشان رو به پیشرفت بودند. متأسفانه واقعیت چیز دیگری است، به خصوص برای آنهایی که ورودی سال ۱۳۹۹ هستند و یک سال زودتر به مدرسه رفتند، رفته‌اند و رفته‌اند تا به بحران کمبود معلم کمک کنند، اما حالا خودشان درگیر بحران شده‌اند. این یک واقعیت تلخ است و متأسفانه در چنین شرایطی، مسئولان نظام آموزشی چندان تلاشی برای بهبود وضعیت این افراد انجام نداده‌اند، البته به جز در نظر گرفتن چند امتیاز ویژه که شاید در تبه‌بندی آنها تأثیر بگذارد، شاید

شرایط به گونه‌ای رقم خورده که عمده دانشجو معلمان، خودشان را از اینجا رانده و از آنجا مانده می‌دانند، چراکه نه وقت کافی برای درس خواندن دارند و نه درآمد مناسبی برای شغلی که تمام و کمال برایش وقت می‌گذارند، دریافت می‌کنند. در چنین وضعیتی، آنها آینده مبهمی را پیش روی خود می‌بینند و دلشان می‌خواهد هر چه زودتر از این برخی که در آن گیر کرده‌اند، نجات پیدا کنند، اما آیا مسئولان آموزش و پرورش تدبیری برای این مشکل اندیشیده‌اند؟

مدرسه

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه سستادهای ثبت‌نام برای محدوده‌بندی جغرافیایی مدارس با خانواده‌ها همراهی خواهند کرد، گفت:مهر امسال چالش کمبود معلم نداریم، علی‌ق‌رهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ۹۸۰ نفر از کارکنان آموزش و پرورش رتبه‌بندی شدند، اظهار کرد: ۹۲ درصد کارکنان در بخش آموزش فعال هستند. وی افزود: معلمان نمونه هر هفته معلم انتخاب می‌شوند و اسامی تلاش شد نحوه شناسایی اینگونه نباشد که معلم خود را برای نمونه بودن کاندیدا کند بلکه آموزش و پرورش از طریق نظرخواهی از سایر معلمان، دانش آموزان و والدین، معلمان نمونه را شناسایی کرد.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش گفت: ۹۳ هزار معلم در سطح مدارس به عنوان نمونه شناسایی شدند، ۲۱۷ هزار و ۲۱۷ معلم نمونه در سطح مناطق شیر مدارس شاهد توزیع شیر رایگان بودیم و ۲۰۰ نوبت شیر رایگان برای ۸ میلیون دانش آموز دوره ابتدایی توزیع شد. وی با اشاره به اینکه در سال تحصیلی فعلی و سال گذشته، ۱۸۵ هزار نفر اس استخدامی در قالب دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان و رجایی و از مومن استخدامی ماده ۲۸ صادر شد، افزود: مهر امسال ۲۲ هزار دانشجو معلم در دانشگاه فرهنگیان و رجایی تحصیل خواهند کرد.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش ادامه داد: ۶ هزار سند مالکیت برای مدارس و املاک آموزش و پرورش دریافت کردیم که بیشترین سند مربوط به استان‌های خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و کردستان است.

ق‌رهادی افزود: مهر امسال چالش کمبود معلم را که به واسطه جذب نامناسب از سال ۹۲ تا ۹۷ رخ داده‌بود، نخواهیم داشت و به جای کمبود معلم باید به فکر تأمین کیفیت در مدارس باشیم. وی درباره تراکم دانش آموزان در کلاس‌های درس

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | روزنامه جوان | شماره ۷۰۱۵

درج ۱۰ امتیاز برای دانشجو معلمان می‌گوید: «این کار بدون شک ایجاد انگیزه می‌کند و می‌تواند مفید باشد، اما وقتی وعده‌های قبلی روی زمین مانده و به آنها عمل نشده‌است، قطور می‌توانیم به عمل مسئولان به وعده‌های جدیدشان امیدوار باشیم؟» این‌س دانشجو معلم به پرداختی‌های نامنظم حقوق‌های اشاره می‌کند و می‌گوید: «در برخی از استان‌ها شنیدم که چون کمبود نیرو نداشتند، دانشجو معلمان را به نگر گرفتند، اما در برخی دیگر از استان‌ها گلابه‌هایی مبنی بر نامنظم بودن پرداختی‌ها و بدعهدی‌ها شنیده می‌شود.»

خلم نعمتی هم یکی دیگر از دانشجو معلمانی است که در رابطه با مشکلات کسری از حقوقشان به «جوان» می‌گوید: «انשجو معلم پیش از هر شتر دیگری در جامعه فرهنگیان مظلوم واقع شده‌است، وقتی پای درددل این قشر بنشینید، بدون شک اولین مسئله همه‌شان همین کسری حقوق چند دهرصدی است! و بعد از آن درباره مشکلات دیگرشان می‌گویند. متأسفانه در حال حاضر دانشجو معلمان تر ددی، ۲۵ درصد دانشجویان

خوابگاهی نیز ۴۵ در صد از حقوقشان کسر می‌شود. صرفاً به آنها وعده غذایی داده می‌شود و چه کسی ناهار بخورد یا نخورد باید این پول از حسابش برداشته شود؛ حال اینکه کیفیت ناهار چگونه است،

بماند» در کجای دنیا یک نفر همانند همکار خود کار می‌کند، اما تقریباً نیمی از حقوقش را به دلیل اینکه دانشجو است، برمی‌دارند؟! متأسفانه در ماه گذشته (فروردین) مبلغ ناچیزی به حساب برخی از دانشجو معلمان واریز شده و معلوم نیست در اردیبهشت ماه چه اعداد و ارقامی را برایشان تعیین کرده‌اند!

خانم نعمتی به شرایط بسیار بد برخی از دانشجو معلمان نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «شاید باور نکنید، اما دانشجو معلمی را می‌شناسم که در ماه گذشته حقوق زیر ۱۰۰ هزار تومن دریافت کرده‌است و حتی عکس فیش حقوقی او را دارم، این کسری‌ها بدون هیچ اطلاع قبلی و برنامه‌ای پیش تعیین شده انجام شده‌است.»

سسیاری از دانشجو معلمان متأهل هستند و باید با حقوق دریافتی‌شان خرج یک زندگی را بچراغند. دانشجو معلمانی که به تعبیر خودشان در روز معلم آنها را دانشجو خطاب می‌کنند و در روز دانشجو می‌گویند شما معلم هستید، تا شاید با این تر فنده را فراری برای ندادن هدیه‌ای مناسبتی (هر چند اندک) به آنها داشته‌باشند. بدون شک این نوع برخورد با این قشر بدون شک تأثیرات سوئی در روند آموزش و پرورش کشورمان می‌گذارد.

کلاه به دانشجو معلمان

آقای اسماواتی، یکی از دانشجو معلمان که ورودی ۹۹ دانشگاه فرهنگیان است در رابطه با مشکلات دانشجو معلمی به «جوان» می‌گوید: «کسورات دانشگاه است همیشه و همیشه محل بحث بوده‌است، اما تا امروز راه‌حلی برای آن پیدا نکرده‌اند، چرا باید درص‌زیدی از حقوق من دانشجو که همراه با سایر معلمان مشغول تدریس در هشتم کسر شود؟ مگر نه اینکه برای جبران کمبود معلم از ما کمک گرفته‌اند، پس چرا از حقوق ما کم می‌کنند؟» وی به نداشتن رفاهیات نیز اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: «در تمام این مدت که دانشجو و همچنین معلم بودم، اصلاً چیزی به عنوان رفاهیات شامل حال من امثال من نشد، متأسفانه عمده بخشنامه و تصمیمات در جهت تصفیع دانشجو معلمان است و نه انگیز بخشی به آنها.»

او درباره پیام اخیر وزیر آموزش و پرورش مبنی بر

مهر امسال کمبود معلم نداریم

شده‌است تا حداکثر همکاری با خانواده‌ها انجام شود و قرار شد در برخی نقاط که محدوده به حدی است که خانواده‌ها در شعاع مدرسه قرار می‌گیرند، همراهی لازم انجام شود.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه به دنبال تقویت مدارس دولتی هستیم تا ثبت‌نام در مدارس غیردولتی به دلیل ترس از نبود کیفیت در مدارس دولتی نباشد، افزود: در تلاش هستیم تا مدارس دولتی را تقویت و در مدارس غیردولتی، نظارت را افزایش دهیم.

ق‌رهادی درباره اینکه آیا انتخاب معلمان نمونه از مدارس غیردولتی هم انجام می‌شود، گفت:انتخاب معلمان نمونه فقط از مدارس دولتی است، چون

ما نماینده دولت هستیم همچنان انتظار داریم مدارس دولتی در راقبت با مدارس غیردولتی با کیفیت بتوانند اولیا را اقناع کنند که در این مدارس ثبت‌نام کنند. وی با اشاره به اینکه رتبه‌بندی برای تمام معلمانی که مدارک خود را با گذناری کردند، انجام شد، بیان کرد: رتبه‌بندی برای دولت بار مالی جدی دارد و دو نشانی می‌دهد دولت به معیشت معلمان توجه دارد و معتقدیم با تقویت معیشت به طور مستقیم کیفیت آموزش و پرورش را خواهیم داشت. سخنگوی وزارت آموزش و پرورش درباره استخدام مسکن فرهنگیان عنوان کرد: چند مسیر جود داشت از جمله ثبت‌نام در نهضت ملی مسکن که با نهادهای مربوطه صحبت کردیم تا معلمان در اولویت باشند همچنین در تمام استان‌ها معلمان نیازمند مسکن را شناسایی کردیم که بیش از ۱۰۰ هزار نفر هستند همچنین در تفاهنامه با وزارت راه و شهرسازی در ۱۸ استان برای ساخت ۵۰۰ هزار واحد مسکونی اقدامات لازم انجام شد و تا ماهیایی که برایشان مشخص است مانند سسمیاد یا نمونه دولتی، اجازه بر گزاری از مومن ندار ند، سال گذشته ثبت‌نام الکترونیکی داشتیم که بسیاری از خانواده‌ها می‌توانسته اقدام کردند در کرد که معلمان را برای تأمین مسکن در اولویت قرار می‌دهد.

خیزش دانشگاه‌های جهان دنیای جدید و رسالت ما

دانشگاه یکی از گرانیگاه‌های پیشبرد حرکت مدرنیته است. دانشگاه با جذب سطوح مختلف نخبران، تربیت، جهت‌دهی و راهبری آنها اساساً راهبری جوامع را در اختیار دارد. اهتمام غرب به مسئله دانشگاه از حیث پیشران اجتماعی و جریان سازی آن است. دانشگاه و نخبران در جوامع الهام‌بخش و طبقه مرجع به‌شمار می‌آیند و این طبقه مرجع در کلیت خود باید در خدمت غرب بماند.

در بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ دنیا، مقوله تولید علم در واقع سفارش علم و مدیریت علم از سوی نهادهای اطلاعاتی، وزارت جنگ، نهادهای وابسته به قدرت است. ماهیت اقتصاد علم وابستگی و سفارشی بودن است. هر چند انسان‌های آزاداندیش نیز پیدا می‌شوند، حتی در دانشگاه‌های مدرن، اما رویه غالب در خدمت اهداف کلان غرب بوده و جریان منتقد هیچ‌گاه جریان پیشرو و جریان ساز نبوده‌است. امروز همین نهاد ذاتاً مدرن، بعد از طوفان‌الاقصی وارد دوران جدیدی از حیات خود شده‌است. تظاهرات علیه

اسرائیل، حمایت از غزه، نقد عملکرد غرب، پدیده بزرگ و مهمی است. این سنگر انجمنان برای غرب مهم است که برای جلوگیری از فتح شدن آن حاضر شده نقاب حقوق بشر و آزادی‌بیان را کنار بزند و باسلحه حریم دانشگاه را تقض و از اسناد دانشگاه تا دانشجو را دستگیر و تحقیر کند.

خون مردم غزه دارد به سرعت نقاب را از چهره غرب کنار می‌زند و روک زندگان پروراز کرده به آسمان دور فطرت‌های پاک حلقه زده و یک به یک رابیدار می‌کند. غرب در خواب هم نمی‌دید که وسط خیابان‌های لندن و پاریس و نیویورک مردمش علیه اسرائیل و امریکا و غرب شمار دهند. غرب در خواب هم نمی‌دید دانشگاه‌هایش کلون مبارزه با صهیونیسم و حمایت از آرمان فلسطین شود. صدای شاکستن دیوارهای تمدن غرب دارد بلندتر از همیشه به گوش می‌رسد. صدای خرد شدن استخوان‌های پوسیده مدرنیته همه‌جا را گرفتاراست. صدای اقول امریکا چقدر گوشنواز است. دنیای بعد از طوفان‌الاقصی دنیای جدیدی است. طوفان‌الاقصی حمله به اسرائیل نبود، حمله به ذات و نقطه کانونی غرب و مدرنیته بود. و طوفان‌الاقصی مبدأ یک انقلاب جهانی شد.

در چنین شرایطی رسالت جوان مؤمن انقلابی بی تردید متفاوت خواهد بود. ما دنیای جدیدی مواجهیم و باید برای این نظم جدید آماده باشیم و اعلام باید درباره این رسالت جدید سخن گفت. اندیشید و به ابعاد آن فکر کرد. به ویژه درباره کشش‌های لازم جنبش دانشجویی ایران و نقد این کم‌فروغ بودن در این دوران حساس.

اتفاقی را که امروز در دانشگاه‌های جهان می‌افتد، نباید ساده گرفت. موج طوفان‌الاقصی از لایه اجتماعی به لایه نخبگانی جوامع غربی رسیده‌است. چند روز پیش با دوستی در منچستر انگلیس صحبت می‌کردم، می‌گفت هفته‌ای نیست که اینجا راهپیمایی علیه اسرائیل نباشد و این اتفاق در انگلیس یعنی ورود به دورانی جدید. این یک فرصت و موقعیت است نه یک موفقیت پنهانی.

کل آن لایه اجتماعی و هم این لایه نخبگانی در صورتی بزنگاه یک تحول مهم این‌المللی خواهدبود که برای آن تدبیر کرد. این تدبیر باید یکی از

دارد که اشاره می‌کنم.

حرکت مردمی باید ریشه‌دار شود تا ماندگار گردد. ایجاد پیوند بین لایه اجتماعی و جامعه نخبگانی از مسیر تولید ابیات و فلسفه حرکت است. باید این هیجان تبدیل به باور و اعتقاد نشدت گرفته از مینا شود تا پایایی یابد.

ما با مخاطبان متنوع مواجهیم؛ پس باید تکثر در ادبیات را رقم بزنیم. به زبان همان مخاطب به صداها روش از قبیل:

تبدیل گویی گسترده با دانشمندان و اساتید دانشگاه‌های مختلف دنیا – تبدیل گفت‌وگوها به محتوا و متن و ژورنال علمی

– جهت‌دهی تشریحات معتبر به انتشار صاحب‌ها و مقالات

– تولید گفت‌وگوهای و بیباری مفصل و استخراج دهها و صدها کلیپ

– توزیع محتوا در یوتیوب و اینستاگرام و توییتر و…

که زمینه همه اینها تبیین مبانی حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با صهیونیسم است.

تصور کنید فردا آتش پس در غزه افقاند، آیا فرای آتش بس ماجرای اعتراضات جهانی تمام می‌شود و صهیونیست‌ها به دنبال تغییر ذهنیت جهانی حرکت خواهند کرد؟

دو گام قبلی برای این نکته راهبردی است: ما باید این هیجان را تبدیل

به گفتمان عمومی کنیم. تجرب، وجه تبلی جنایت عربستان در یمن و کشتار هزاران کودک و بازسازی و جهه جهانی با طرح نئون و لیگ فوتبال و سوپر استارها را فراموش نکردیم. عربستان امروز یکی از مقصدهای مهاجرت حتی از اروپاست. پس نباید اجازه داد چنین فضای رقم‌بخورد هر چند فقه غزه بسیار متفاوت است، اما غفلت جایز نیست. تولید متن و محتوا زمینه‌ساز تنبلیت مدمنمت مسئله است.

حرف واحد، اعتراض واحد، در واحد یعنی هدف مشترک بزنگاه خیزش جهانی است. باید بین دانشگاه‌ها، دانشجویان و دانشمندان اتصال برقرار کرد. کمپین‌های مشترک، وینارهای مشترک، بیانیه‌های مشترک، اعتراضات در روزهای مشترک، همه بستر یک اتفاق بزرگ است.

سخن معترضان چیست؟ جهت این سخن است که مهم است. باید به اعتراضات جهت بخشید. به آن پیام داد. در این میان هر چه پیام فطری و انسانی‌تر باشد، ماندگارتر است. در اینجا آریزینزه کردن ماجرا و ورودهای مستقیم حاکمیت یک اشتباه راهبردی است، اما تأکید بر خطوط زیر مهم است: صهیونیسم و ایدئولوژی ضدانسانیت، مدرنیته و تناقضات فکری، دولت‌های غربی، تناقض در نظر و عمل و رؤیای آمریکایی، رؤیای انسانیت نیست.

خبر کوتاه

■ معاون علمی رئیس‌جمهور گفت: ۹۰ درصد داریی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان داریی‌های نامشود است که امیدوارم ارزش‌گذاری شود.

■ معاون امور دهباری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهباری‌های کشور از تخصیص بالغ بر ۳۸ هزار میلیارد ریال اعتبار به منظور حمایت از دهباری‌ها و شرکت‌های تعاونی دهباری‌ها برای اجرای طرح‌های در آرمز و خرید ماشین‌آلات خبر داد.

■ معاون برنامه‌ریزی اداره کل داروی سازمان غذا و دارو با اشاره به راه‌اندازی سامانه بر خط اعلام کمبودهای کشوری گفت: با راه‌اندازی این سامانه اطلاعات دقیق کمبودهای دارویی معاونت‌های غذا و داروی سراسر کشور در دسترس قرار می‌گیرد.

■ رئیس سازمان دارالفقران الکریم با اشاره به استقبال مردم از پوشش «زندگی با آه‌ها» در ماه مبارک رمضان گفت: حدود یک میلیون نفر از مسایقات این پوشش شرکت کردند و ۸۰ هزار نفر موفق به دریافت گواهینامه قبولی شدند.

■ رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی گفت: بر اساس آمار شرکت ملی گاز، بیش از ۵۰ درصد گاز کشور در ۷۰۰ شرکت صنعتی و تجاری عمده به صورت غیربهبه مصرف می‌شود، طبق شاخص «سرنانه مصرف گاز»، صنعت پتروشیمی، نیروگاه‌ها، صنایع سیمان، صنایع فولاد و پالایشگاه‌ها جز پنج گروهی هستند که بیشترین مصرف را به ازای هر واحد دارند.

■ رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از افتتاح اولین مرکز رشد فناوری یابیانی در پژوهشکده گوارش و کبد خبر داد و گفت: غربالگری سرطان روده بزرگ و بیماری‌های منتقله از آب و غذا توسط این پژوهشکده در حال انجام است.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران دانشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه‌نفس



کار نابجای برخی منبری‌ها در مراسم ترحیم اموات

استاد شهید مرتضی مطهری (ره):

منبری‌های فاتحه‌هم غالباً این جنبه‌اش می‌چربد که خطیب باید تأیید کند و ثنای بعد از موت نماید و بعد هم یک یک از بازماندگان و خاندان میت به عنوان خانواده‌های محترمی که در این مصیبت عزادارند به نیکی یاد کنند. اگر میت صاحب شخصیت و فامیل باشد به هر حال باید او را فرشته بی نظیر و فقید سعید ابرخواند[که عمری را به نیکنامی و پاکدامنی به سر برد و از خود نام نیک و آثار خیر به یادگار گذاشت. این جمله‌ها مثل ای «قیای‌الاه» ریکما تکذبان» در همه مجالس فاتحه تکرار می‌شود و گاهی هم قصه آن منبری بیچاره که نمی‌دانست مرده زن صاحب عزاست، به خیال اینکه مردی بوده گفت: «بلی بنده سال‌ها با این مرحوم معاشرت داشتم، روزها و شب‌ها با یکدیگر به سر برده‌ایم» پیدا می‌شود و حال آنکه گاهی اقتضا می‌کند که از میت اگر باید نامی برد باید از او انتقاد کرد. ما در زمان خودمان دیدیم که کسانی تا زنده بودند هدفشان مبارزه علمی با دین بود، بعد مردند و به احترام فامیل متشخص‌شان مجلس فاتحه گذاشته شد.

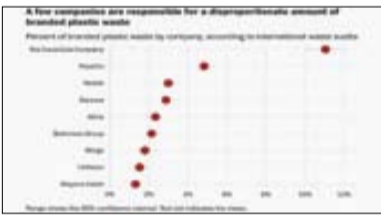
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۳، ص ۲۳۰



توصیه مهم رهبر انقلاب

برای مطالعه هر روز قرآن کریم

کانال «انقلابی‌گری و کار تشکیلاتی» در اپنا بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۲/۱/۱۴۰۲ را به اشتراک گذاشت. معظم‌له فرموده‌اند: هر روز حتماً قرآن بخوانید حتی روزی نیم صفحه، روزی یک صفحه بخوانید، اما ترک نشود... در دنیای اسلام هیچ کس نباید پیدا بشود که یک روز بر او بگذرد و آیاتی از قرآن تلاوت نکند.



۵۶ شرکتی که بیشترین زباله پلاستیکی در جهان را تولید می‌کنند

کانال تلگرامی «چندتایه» نوشت: یک تیم تحقیقاتی داوطلبانه با دسته‌بندی بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نوع زباله و با مشارکت بیش از هزار محقق داوطلب از سراسر جهان به این نتیجه رسیدند مقرر نخست بیش از ۵۰ درصد آلودگی پلاستیکی جهان، ۵۰ شرکت صنعتی هستند. براساس رده‌بندی این تیم، کواکولا، پپسی و نستله در رتبه‌های نخست آلوده‌کنندگی محیط زیست هستند.



دنیای فردا دنیای بدون اسرائیل است

فاطمه سادات فردوس در توپیتی نوشت: تو آن زمان که با دست خالی میان دود و آتش مقابل رژیم تاندان مسلح ایستاده بودی هرگز فکرتش را هم نمی‌کردی روزی برسد که زنانی چفیه بر سر از قلب امریکا صدای مظلومیت و حقانیت شما بشنوند. دنیای فردا دنیای بدون اسرائیل است.



۵ پویانمایی برای فیک

احسان خسروچردی در کانال شخصی خود در پیام‌سان اپنا نوشت: معرفی پنج تاز بهترین پویانمایی‌های مناسب فلسفه برای کودکان: (۱) رنگو (۲۰۱۱)، کارگردان: گورورینسکی؛ (۲) ازدهای آرزوها (۲۰۲۱)، کارگردان: کریس آپلانس؛ (۳) هرچ ومرج فضایی، ۲. میراث جدید (۲۰۲۱)، کارگردان: مالکوم دی‌لی؛ (۴) فرمز شدن (۲۰۲۲)، کارگردان: دومینی شی و (۵) پینوکیو (۲۰۲۲)، کارگردان: گیرمو دل تورو و مارک گوستافسون.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۲۰ شوال ۱۴۴۵

کاربران

روزنامه جوان | شماره ۲۰۱۵



کاربران شبکه‌های اجتماعی یاد خلبان شهید علی اکبر شیرودی را گرامی داشتند

کلمات برای تفسیر عظمت شهید شیرودی کم می‌آورد



کاربران شبکه‌های اجتماعی به مناسبت ۸ اردیبهشت سالروز شهادت شهید شیرودی در سال ۱۳۶۰ از عظمت این شهید بزرگوار و ایثار و فداکاری او در دفاع از اسلام و ایران نوشتند. کاربران خاطراتی را از شهید به اشتراک گذاشتند و روحیات و منشش او را الگویی برای ساخت ایران اسلامی دانستند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌ها و نوشته‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی را مرور کرده‌ایم.

محسن راجعی:

شیرودی در کنار بالگرد جنگی‌اش ایستاده بود و خبرنگار از او سؤال کرد: «شما تا چه هنگام حاضرید بچنگید؟» شیرودی خندید، سرش را بالا گرفت و گفت: «ما برای خاک نمی‌جنگیم، ما برای اسلام می‌جنگیم. تا هر زمان که اسلام در خطر باشد.» ۸ اردیبهشت سالروز شهادت خلبان شهید علی اکبر شیرودی.

مهلا السلمانی:

شهادی جنگ ایران و عراق آنقدر پای هدفشون محکم خمینی. و به این فکر می‌کنم که امام خمینی در مقام همه این شهدا در مقابل تفسیرشون کم میاره. #علی_اکبر_شیرودی #دفاع_مقدس

فاطمه محمد:

شهید شیرودی به درجه و مقام هیچ اهمیتی نمی‌داد، هدف اصلی او خدمت به اسلام، کشور و اجرای فرامین امام خمینی (ره) بود به طوری که چندین بار درجه‌های تشویقی را رد کرد و نپذیرفت. وی با عشق به انقلاب و ولایت همواره سعی می‌کرد تا بیوند مستحکم میان ارتش و روحانیت برقرار کند. #همسفر_من

محمدجواد محمدزاده:

داره در مورد شهید شیرودی مستند نشون میده. میگه: من برای اسلام می‌جنگم. به این فکر می‌کنم ایمن جمعیت عظیم

شهدا رو چه کسی به این فهم رسوند؟ مشخصاً امام خمینی. و به این فکر می‌کنم که امام خمینی در مقام همه این شهدا شریکند. میریم بهشت و جایگاه عظیم امام رو خواهیم دید. آن‌شالله.

سبحان برکتی:

امروز روز آرام گرفتن صدای کسبه که می‌گفت من برای مردم هر کاری می‌کنم. و هر کاری نونتست کرد تا شد یکی از ۳۰۰ خلبان شهید کبشور و خون پاکش پاشیده شد روی خاک این سرزمین. قرن‌ها هم بگذره یاد تاریخ می‌مونه که چه علی اکبر شیرودی‌هایی در آسمان غرب پرپر شدند تا دست اجنبی به خاک این سرزمین نرسه.

فاطمه نورا:

از رهبری نقل شده: اولین شخص نظامی که من در نماز به ایشان کلامم شهادت می‌کردم خلبان‌ها

شهید مصطفی چمران هم او استاره درخشان جنگ‌های کردستان نامید کسی که وقتی خبر شهادتش را به امام خمینی دادند، امام در مورد وی فرمود: او آمرزیده‌است.

کاربری با نام «ساحل بیکران»:

علی اکبر شیرودی: «هنگامی که پرواز می‌کنم احساس می‌کنم همچون عاشق به سوی معشوق خود نزدیک می‌شوم و در بازگشت هر چند پروازم موفقیت آمیز بوده باشد، مقداری غمگین هستم چون احساس می‌کنم هنوز خالص نشده‌ام تا به سوی خداوند برگردم.» #همسفر_من

زهرا زینلی:

با هم کمی با شخصیت شهید بزرگوار علی اکبر شیرودی آشنا بشیم. حد و حدود رفتار و برخوردش رو هم می‌دونست. به کسی بی ادبی یا توهین نمی‌کرد. خلبان‌ها



سیر و سلوک به ذکر و ورد نیست به ایستادن در نقطه مسئولیت است

وحید یامین‌پور در کانال تلگرامی خود حکایتی از آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله تعالی علیه) را به اشتراک گذاشت. در این بست می‌خوانیم: یکی از شاگردان آیت‌الله بهجت (ره) می‌گوید: رسیده بودم سر دوراهی انتخاب: یکسو رفتن به آذربایجان و تدریس در مدرسه دینی باکو و سوی دیگر مسئولیتی وزین در همین قم. نگران دوری از فضای معنوی قم بودم. برای مشورت نزد آقای بهجت رفتم و فکر می‌کردم توصیه ایشان به ماندن در قم است. حرف‌هایم را که شنیده، گفت: «طیب باید آنجا برود که مرض زیاد است: بروید باکو!» دوباره تأکید کردم و گفتم: «اگر از امور معنوی دور شوم چه؟»، محکم گفت: «خیر آقا! ویرانی‌های آنجا را در نظر بگیرید. خیال می‌کنید سیر و سلوک به این است که تسبیح هزارانه بگیرید و ذکر بگویید؟! این نیست آقا، بروید!» (بشارت از حضرت حجت، ص ۸۳)



جذب نخبگان یا دزدی نخبگان؟

حسین عباسی‌سر فر در کانال شخصی خود در پیام‌سان اپنا خاطره‌ای را از یک استاد دانشگاه پورس شده در امریکه به اشتراک گذاشت. خلاصه‌ای از این یادداشت در ادامه از نظر می‌گذرد: یکی از اساتید دانشگاه و صاحب مسدال المپیاد جهانی ... می‌گفت من رفته بودم به یکی از



دانشگاه‌های امریکا اونجا فول فاند شده بودم و هزینه کامل تحصیل و زندگی‌ام را می‌دادند. فقط از من خواسته بودند پروژه‌ای را انجام بدهم! کنجکاو شدم و بررسی کردم که پروژه چیست که متوجه شدم این پروژه جزئی از پروژه تسلیحاتی اتمی امریکاست. ابر پروژه‌ای که بین دانشگاه‌های مختلف تقسیم شده بود و در دانشگاه‌ها بین دانشکده‌ها و اساتید و آنها هم بین دانشجویان تقسیم کرده بودند. خیلی‌ها نمی‌دانستند ذیل چه پروژه‌ای کار می‌کنند و در ظاهر مثلاً یک مدلسازی ریاضی انجام می‌دادند. بهانه‌ای جور کردم و بی‌خیال فاند شدم و از انجام پروژه کنار کشیدم. دم این دانشجو گرم واقعاً! اما واقعاً برای من سؤال است، چند درصد از نخبگان ما که به امریکا می‌روند، تحقیق می‌کنند که ببینند پروژه‌ای که انجام می‌دهند چه خدمتی به نظام سلطه و جنایات امریکا می‌کند؟ امریکا با چاپ دلار کاری که می‌کند دزدی نخبگان است نه جذب نخبگان. دزدی توان و استعداد از سراسر دنیاست.

سؤال همه جهان این شده که چرا امریکا اینطور پشت اسرائیل است؟!

علیرضا کمپلی در کانال تلگرامی خود نوشت: واقعاً دلم به حال ایزو-سیون موجب بگیر و نیز غرزدگان بی‌چیره موجب می‌سوزاند دارند محنه‌هایی را از مشوقه خود می‌بینند که اصلاً انتظارش رانداشتند و تا حالا به هر نحوی آن را توجیه می‌کردند و دستور هم این بود که از اسرائیل دست برندارید!



مسئله این است که امریکا از کشتار ۴۰ هزار انسان بی‌گناه که ۱۵ هزار نفر آن کودک بوده‌اند حمایت کرده و همه جا گفته که تمام بمبها را از اسرائیل داده و حالا که یک عده دانشجوی استاد به این حمایت تام و توتی همه مصوبه‌های سازمان ملل اعتراض گسترده کردند باخارج شدند یا دستگیر یا آن مدل سر کوب!

حالا همه زن، زندگی و آزادی‌های جهان از جیره خورها تا نوکران بی‌چیره سکوت کرده‌اند ولی جوانان آزاده امریکایی سؤال می‌کنند که واقعاً چرا امریکا اینطور از رژیم صهیونیستی دفاع می‌کند و حاضر نیست از آن کوتاه بیاید و اخیراً هم یک‌بوجه ۲۴ میلیارد دلاری برای آنها تخصیص داد!

جالب اینکه همزمان هم مبلغی درشت برای اوکراین که جای مظلوم نمایی بوده تصویب کردند! حالا شما بگویید پاسخ درست و قانع‌کننده به این سؤال مجوری چیست؟! آیا نظریه‌ای که آپیک و لابی‌های پهلودر محور مدیریت سیاسی امریکا می‌دانست تقویت شده است؟ یا مسئله به جایگاه استراتژیک رژیم برای حفظ همین امریکا در منطقه وابسته است و آنها می‌ترسند با دست دادن رژیم کل منطقه را از دست بدهند؟! #طوفان_الاقصی

خانه فقط سر پناهی برای خواب نیست

دکتر محمد منان ربیسی در پاسخ به توپیت حسین درودیان که با نگاه اقتصادی نوشته است: «یکی از بی‌خودترین کارها پخت هر روزه غذا در منزل است»، نوشت: برادر خوبم! بفرمایید که تهیه غذا از بیرون چقدر برای خانواده‌های ایرانی که این روزها بخش زیادی از آنها مشکل اقتصادی دارند هزینه دارد و چنین پیشنهادی برای دهک‌های مختلف جامعه چقدر توجیه اقتصادی دارد؟! فارغ از اقتصادی نبودن این پیشنهاد، آیا به هزینه‌های پنهان آن که مهم‌ترین نابودی سبک زندگی اسلامی-ایرانی است اندیشیده‌اید؟!

مولانا می‌گوید گرچه صورت و کوزه جهان بیرون از ماست، اما حقیقت و شراب عشق انگیز جهان در چشم ماست و ما به جای محکوم کردن جهان که چرا چنین است و چنان است و داوری دربار خدا که چرا ناپدید است، باید چشم با کیفیت طلب کنیم. همان که سهراب سپهری «بهترین چشم خود بریندازن خوش‌چشم‌تو عاریت کن چشم از عشاق و بلک از او کن عاریت چشم و نظر پس ز چشم او به روی او نگر (مثنوی، ۷۷-۷۶)» درباره خوشی و ناخوشی نیز همین نگاه را دارد. در شرایط عینی و بیرونی یکسان، یکی

شاد است و دیگری غمگین. هر دو در باغ و کنار جوی آب‌اند و هر دو از حال متفاوت دیگری متعجب:

راه لذت از درون دان نزن برون
لبهی دان جُستنِ قصر و حصون
آن یکی در کنج مسجد مست و شاد
و آن دگر در باغ، تُرش و بی‌میراد
(مثنوی، ۳۲۵۲-۳۲۵۳)

آن یکی در مرغزار و جوی آب
و آن یکی پهلولی او اندر عذاب
او عجب مانده که ذوق این ز چیست؟
و آن عجب مانده که این در حبس کیست؟
(مثنوی، ۳۰۵۴-۳۰۵۳)

مولانا می‌گوید گرچه صورت و کوزه جهان بیرون از ماست، اما حقیقت و شراب عشق انگیز جهان در چشم ماست و ما به جای محکوم کردن جهان که چرا چنین است و چنان است و داوری دربار خدا که چرا ناپدید است، باید چشم با کیفیت طلب کنیم. همان که سهراب سپهری «بهترین چشم خود بریندازن خوش‌چشم‌تو عاریت کن چشم از عشاق و بلک از او کن عاریت چشم و نظر پس ز چشم او به روی او نگر (مثنوی، ۷۷-۷۶)» درباره خوشی و ناخوشی نیز همین نگاه را دارد. در شرایط عینی و بیرونی یکسان، یکی



داری، خدا را نمی‌بینی، بود و نبود او، حضور و غیبت او بسته به کیفیت هر چشم فرق می‌کند: گر تو خواهی کاو تو را باشد شکر پس ورا از چشم عُشاقش نگر منگر از چشم خودت آن خوب را بین به چشم طالبان مطلوب را چشم خود بریندازن خوش‌چشم‌تو عاریت کن چشم از عشاق و بلک از او کن عاریت چشم و نظر پس ز چشم او به روی او نگر (مثنوی، ۷۷-۷۶)» درباره خوشی و ناخوشی نیز همین نگاه را دارد. در شرایط عینی و بیرونی یکسان، یکی



مسئله جمعیت فقط با وام حل نمی‌شود

فاطمه محمدی در توپیتی نوشت: در بحران جمعیت مسئله با رفلاقت سن از دواج، ازدواج دهه شصتی‌ها، فرزندآوری دیر هنگام در نتیجه بروز مشکلات نابوری یا باروری پر هزینه نیز در سیاستگذاری باید در نظر گرفته شود. متأسفانه در حال حاضر تمرکز بر ارائه تسهیلات فرزند دوم به بعد است در حالی که امر ازدواج دچار بحران جدی است!



ایران منزوی شدنی نیست

فاطمه موحدی در کانال تلگرامی خود نوشت: نه تحریم‌های ظالمانه علیه ایران، نه عدم سازش با امریکا و نه حتی عملیات وعده صادق نتوانست ما رو در دنیا منزوی کنه؛ دومین اجلاس بین‌المللی ایران و آفریقا با حضور مقامات اقتصادی بیش از ۳۰ کشور آفریقایی تنها بخشی از دیپلماسی فعال به پشتوانه میدان قوی است.

تصویر منتخب



تصویرسازی دیجیتال حسن روح‌الامین اشعری که رهبر معظم انقلاب در عملیات وعده صادق خواندند.



گذری به «تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی»

نظامیانی که در کنار شاه نماندند

■ علی احمدی فراهانی



در دوران اوج گیری انقلاب اسلامی، ارتش شاهنشاهی نه تنها در کنار رژیم پهلوی نایستاد، بلکه خود به عاملی در جهت پیشبرد اراده ملت ایران مبدل شد. این امر بیش و پیش از هر چیز، معلول اراده امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی بود که بدنه ارتش را از مردم می دانستند و تنها سران آن را فاسد و تابع اراده شاه قلمداد می کردند. این موضوع از مدخل های پژوهش در باب رستاخیز بزرگ سال ۱۳۵۷ قلمداد می شود و همچنان در خور بازخوانی و مطالعه می نماید. «تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی»، ابعاد این همراهی گسترده را نمایان کرده است. این اثر از سوی حشمت الله عزیزی تدوین شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب به نکات ذیل توجه کرده است:

«سلطنت پهلوی که ظهور و تداوم خود را مدیون دو کودتای نظامی اسفند ماه ۱۲۹۹. ش و ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲. ش می دانست، ارتش و سایر نیروهای مسلح را مهم ترین تکیه گاه خود تلقی می کرد و تقویت و تحکیم کمی و کیفی و تجهیز آنها با پیشرفته ترین و پیچیده ترین سلاح ها و از همه مهم تر ریشه کن کردن هر نوع اندیشه و اعتقاد سیاسی به جز اطاعت کورکورانه از شاه و پرستش وی، اساسا سیاست داخلی و خارجی دو شاه پهلوی بود. محمدرضا شاه بیشتر وقت خود را صرف امور مربوط به ارتش و نیروهای مسلح و سازمان های مخفی پلیس و سرکوبگری های این نهاد می کرد و امور جزئی و کلی آنها را ترفیع و عزل



۱۳۵۷. انقلابیون افسران ارتش را در آغوش می کشند

افسران گرفته تا بوده و خرید اسلحه و مهمات را زیر نظر داشت. اغلب مشاوران نزدیک شاه، سران ارتش بودند. شش فکر می کرد با داشتن ارتشی مجهز و مطیع می تواند سلطنت پهلوی را در روزهای بحرانی از خطر سقوط نجات دهد، اما این ارتش به علت فقدان آرسن و ایدئولوژی صحیح و نداشتن پایگاه مردمی و بهره بردن از تربیت و فرهنگ سیاسی در بحبوحه انقلاب مردمی، آرام فرگوشه ای خرد و جسارت هر گونه واکنشی در برابر قیام مردم را به کلی از دست داد! در این اثر چگونگی خنثی سازی کارکرد حیاپیگانه ارتش و نیروهای مسلح از رژیم شاه توسط انقلاب اسلامی، از زبان نظامیانی که خود در آن موقع بخشی از بدنه ارتش بودند، در چارچوب مطالعه ای مبتنی بر شیوه تاریخ شفاهی بیان می شود. در این کتاب اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه حضوری، مآخذ اصلی به حساب می آید و اگر چه در روند کار سعی شده تا از کلیه اسناد و منابع مکتوب موجود در حد توان استفاده شود. پس از شناسایی افراد و گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه حضوری و با اطلاع از سایر داده های مبتنی بر اسناد و خاطرات و پژوهش های موجود، تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب در هشت بخش تدوین شده است. در بخش اول در بحثی نظری، تاریخچه ارتش و اهمیت آن در دوره پهلوی بیان شده است. در بخش دوم به موقعیت ارتش پیش از ۱۳۵۷ پرداخته شده و بخش سوم نیز به موضع ارتش در قبال وقایع مهم سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ اختصاص یافته است. استراتژی انقلابیون در برابر ارتش، موضوع بخش چهارم و ارتش و مذهب، عنوان بخش پنجم است. در بخش ششم و هفتم نیز به ترتیب به موضوع ارتش در سرانجام سقوط و ناکارآمدی ارتش توجه شده است. بخش پایانی (هشتم) نیز به مسئله بازسازی ارتش اختصاص یافته است...»



تاریخچه، جایگاه و نقش مدارس آمریکایی در ایران با نگاهی به اسناد لانه جاسوسی

سطح نازل تحصیل و فساد اخلاقی آموزگاران سوغات آموزش عموسام!

■ نوشه میرمرعشی

یکی از کارویژه ها و سیاست های ایالات متحده آمریکا برای تسلط فرهنگی بر کشورهای اقماری خود و از جمله ایران دوره پهلوی، گسترش مدارس آمریکایی بوده است؛ مداری که در آن سبک خاصی از زندگی به دانش آموزان ایرانی تدریس می شد و در یک کلام، آنها را برای پذیرش سلطه بلوک غرب بر کشورشان تربیت و بلکه مأمور می کرد. به همین دلایل و اهداف استعماری هم بود که آمریکایی ها در زمان پهلوی و حتی تا قبل از فتح لانه جاسوسی خویش اهتمام ویژه ای برای توسعه و تقویت این مدارس در ایران داشتند. در مقال پی آمده نگاهی داشته ایم به رویکرد سیاسی و فرهنگی آمریکا در حفظ و توسعه این مدارس بر اساس اسناد لانه جاسوسی. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر را آگاهی بخش باشد.

■ اولین مدارس آمریکایی در ایران

ورود ابتدایی آمریکایی ها به ایران تحت عنوان مبلغان مسیحی و در زمان محمدشاه قاجار اتفاق افتاد. به این شکل که در سال ۱۲۱۱. شمسی (۱۸۳۲. م.) دو کشیش آمریکایی به نام های «اسمیت» و «جوایت» از سوی یک هیئت مسیونری آمریکا برای مطالعه در ایران مسیحیان آذربایجان به ایران آمدند. این در حالی است که هیئت اعزامی قبل از این دو نفر عملا نتوانسته بودند موفقیت خاصی برای تبلیغ مسیحیت در ایران انجام دهند و رسماً اعلام کرده بودند «کار در میان مسلمانان ایران به صلاح نیست». اما اسمیت پس از بازگشت به آمریکا در گزارشی به رؤسای هیئت های مسیونری درباره آسوری های رومیه نوشته بود: «بناجانب در تمام مسافرت خود مردمی ندیده است که به اندازه آسوری های ایران حاضر به قبول انجیل مسیح باشند». گزارشی اسمیت، جمعیت مبشران پروتستانی مذهب آمریکا را بر آن داشت تا کشیشی به نام «جوستن پرکینز» را برای تبلیغ روانه آذربایجان کنند. وی با پزشکی به نام «اسهل کوانت» و همراه با همسرانش وارد رومیه شدند. عملکرد این دو نفر در میان مسیحیان منطقه آذربایجان آن هم براساس آموزه های مذهب پروتستان، موجب خشم مبلغان کاتولیک در آن منطقه به فرامهم آورد. تاجایی که کشیشان کاتولیک، عرصه را برای فعالیت پرکینز و کوانت تنگ کردند، اما کمی بعد پرکینز راهحلی به ذهنش رسید! او با کمک گرفتن از قاسم میرزا عمومی محمد شاه - که به او انگلیسی یاد می داد- فرمانی از شاه گرفت تا با تأسیس مدرسه آمریکایی در رومیه به آسودگی به کار خود پردازد.



در دوره اوج گیری انقلاب اسلامی، دولت آمریکا تصمیم گرفت از تعداد بالای مستشاران آمریکایی در ایران کم کند تا از اعتراضات به حضور آمریکایی ها در کشور مان کاسته شود. در چنین شرایطی از آنجا که تداوم فعالیت مدارس آمریکایی در ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، اولاً، قرار شد دستورالعمل خاصی برای حفاظت از این مدارس به مدیران آن ابلاغ شود و ثانیاً، قرار شد، این مدارس به ارائه خدمات نهادهای آمریکایی

مدارس آمریکایی، آموزشگاه های نظامی آنها از اصلی ترین ستون های نیروسازی ایالات متحده آمریکا در ایران بوده است.

این نیروسازی از آنجا اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا داشته که هیچ کشور در استعمارگری نمی تواند بدون داشتن نفوذی و دست نشاندگانش در ارکان مختلف کشور تحت سلطه، سیاست ها پیش را پیش ببرد. در واقع آمریکایی ها در طول چندین دهه توانسته بودند افرادی را تربیت کنند که تمام و کمال شیفته و در خدمت اهداف و مجری سیاست های ایشان باشند

■ نگارنده مدارس ما تعطیل شوند!

با پیروزی انقلاب اسلامی این نگرانی جدی برای آمریکایی ها ایجاد شد که به دلیل جو شدیداً ضدآمریکایی، ادامه فعالیت مدارس آمریکایی در ایران با مشکل مواجه شود. به ویژه پس از آنکه دولت موقت اعلام کرد به دنبال ملی کردن تمام مدارس کشور است، آمریکایی ها بیشتر نگران شدند. به طور مثال در سندی به شماره ۷ که در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۹. م (۲۸ اسفند ۱۳۵۷. ش) که از سوی «گست» یا مأموران نظامی سفارت تنظیم شده، درباره این نگرانی آمده است: «گست گفت مطمئن نیست، ولی فکر می کند بهای تأسیسات (تسهیلات) و بیشتر تجهیزات آن پرداخت شده و متعلق به دولت ایران است. همین موضوع، در مورد مدرسه اصفهان صدق می کند. کنسول اداری سفارت نگران بوده که برخی مقامات دولت ایران را برای مذاکره در مورد بازگرداندن این مدارس به دولت ایران پیدا کند. همین جریان در مورد بیمارستان نظامی ایالات متحده صادق است که به خاطر عمل محافظت در آن تأسیسات مأمور شده بود، بسته شد. آن نیز به دولت ایران تعلق دارد و با روشی منظم باید منتقل شود...»^(۱)

در واقع در این سند، مأموران سفارت نگران موضوع بودند که با ملی اعلام شدن مدارس، مدرسه نظامی آمریکایی ها در اصفهان تعطیل یا مدیریتش به دست ایرانی ها بیفتد. همچنین براساس سندی که از نامه ویلیام اف کیو رئیس مدرسه آمریکایی لوزان خطاب به رئیس کمیته های انقلاب اسلامی منطقه لوزان در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸. ش به جا مانده است، همین نگرانی به علاوه اظهار امیدواری برای تداوم فعالیت مدارس آمریکایی در ایران دیده می شود. در بخشی از این نامه می خوانیم: «مختصراً به عنوان رئیس مدرسه آمریکایی لوزان می خواهم تشکرات و امتنان خود را از توجهی که برای نگهداری مدرسه لوزان فرموده اید، بنمایم. مدرسه قشنگی می باشد من و خبلی بدهان هستم که برای شاگردان ایرانی در سال های آینده شمر ثمر باشد. در انبار مدرسه انشایی هست که متعلق به معلمان مدرسه می باشد که آنها را باید برای صاحبانشان بفرستیم. همکاری و مساعدت شما در این زمینه قابل تقدیر می باشد...»^(۲)

کلام آخر

مدارس آمریکایی، آموزشگاه های زبان انگلیسی و حتی مدارس نظامی آنها از اصلی ترین ستون های نیروسازی ایالات متحده آمریکا در ایران بوده است. این نیروسازی از آنجا اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا داشته که هیچ کشور استعمارگری نمی تواند بدون داشتن نفوذی و دست نشاندگانش در ارکان مختلف کشور تحت سلطه، سیاست هایش را پیش ببرد. در واقع آمریکایی ها در طول چندین دهه توانسته بودند افرادی را تربیت کنند که تمام و کمال شیفته و در خدمت اهداف و مجری سیاست های ایشان باشند. افرادی که بسیاری از آنها در ارکان گوناگون اقتصادی، سیاسی، آموزشی و دانشگاهی و عرصه های فرهنگی دوران پهلوی مسئولیت داشتند و در جهت منافع آمریکا عمل می کردند.

منابع:

- ۱- ا.لدر، جان، «تاریخ مسیونر آمریکایی در ایران»، ترجمه سهیل آذری، انتشارات نورهان، چاپ ۱۳۳۳. ش، صفحه ۴ تا ۱۲
- ۲- قبادی، محمد، مقاله «مدرسه عالی دمانده» - بنیاد فرهنگی ایران بت نیل -، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۴، مورخ: بهستان ۱۳۷۸. ش، صفحه ۱۲۷ تا ۱۵۳
- ۳- سلیمانیه دبیرستان البرز، سال تحصیلی ۱۳۲۹-۱۳۲۸. ش، صفحه ۵ تا ۵۳
- ۴- مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «اسناد لانه جاسوسی»، مجموعه ۱۱ جلدی، جلد اول، چاپ ۱۳۸۶. ش، ص ۶۸۶
- ۵- همان، جلد ۶، صص ۸۸۳ و ۸۸۴
- ۶- همان، جلد ۶، صص ۷۵۶
- ۷- همان، جلد ۹، صص ۴۴۳ و ۴۴۴
- ۸- همان، جلد ۶، صص ۸۵۶
- ۹- همان، جلد ۳، صص ۴۳۴ و ۴۳۵
- ۱۰- سند شماره ۱۷۴، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی، به نشانی: https://historydocuments.org/sanad/?page_show_

البنه سه دهه بعد دو مدرسه دیگر آمریکایی دخترانه و پسرانه در شهر تهران از سوی مبلغان مسیحی آمریکایی تأسیس شد. ابتدا در این مدارس تنها دانش آموزان مسیحی را ثبت نام می کردند، اما با گذشت چند دهه، پذیرش فرزندان خانواده های زرتشتی و یهودی هم آغاز شد. تا اینکه اواخر دوره ناصرالدین شاه، بنام آن مدارس آموزش مسلمان هم در این مدرسه آزاد شد.^(۳) این شکل تربیت فرزندان خانواده های مسلمان که عمده آنها از طبقات درباری یا پاسپار ثروتمند جامعه بودند، در مدارس آمریکایی شروع شد. این وضعیت ادامه داشت تا زمان روی کار آوردن رضاشاه.

در این دوره به علت تسلط کامل کشور استعمارگر انگلیس بر ایران، همه سیاست های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی کشور با توجه به منافع انگلیس تعیین می شد. از آنجا که انگلیس در آن مقطع رقابت شدیدی با آمریکا داشت، حکومت پهلوی فعالیت مدارس آمریکایی را در ایران ممنوع اعلام کرد! به این صورت، مدارس آمریکایی از دوره رضاشاه تا چند سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم تعطیل شدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ و با اوج گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت و گسترش جو ضدانگلیسی در ایران، دوباره زمینه برای فعالیت های آموزشی آمریکایی ها فراهم شد. به این ترتیب در سال ۱۳۲۹. ش، دو مدرسه با نام های «مدرسه آمریکایی تهران» در منطقه لوزان و «کالج البرز» در شهر تهران تأسیس شد. البته چهار سال بعد هم با تشکیل بنیاد فرهنگی «بیت نیل» ا به معنای خانه خدا توسط آمریکایی ها در ایران، مدارس دیگری چون «مدرسه عالی دمانده» و مدرسه دخترانه بیت نیل راه اندازی شدند.^(۴)

اهمیت مدارس آمریکایی برای ایالات متحده

از سال ۱۳۲۷. ش، فعالیت مدارس آمریکایی در ایران گسترش پیدا کرد و شعبه های اصفهان و شیراز (مدرسه نظامی) هم به آن اضافه شد. جالب است در این مدارس علاوه بر فرزندان اتباع آمریکایی مقیم ایران، تعداد زیادی دانش آموز یهودی و بهایی نیز تحصیل می کردند یا همچنان سعی می کردند با سخنرانی فراوان دانش آموزان مسلمان را در این مدارس بپذیرند. اندک دانش آموزان مسلمان این مدارس نیز عموماً از میان فرزندان درباریان یا اسرائیلی بند پایه ارتش شاهنشاهی بودند. البته در این بین کالج البرز یک استثنا بود که از پذیرش دانش آموزان مسلمان باغفه استقبال می کرد.^(۵) در واقع باید گفت که مدارس آمریکایی عمدتاً تا تربیت افرادی همت می گماشت که به جهت اندیشگی و مبنایی زاویه ای گسترده با اسلام



تلفظی از یکی از معلمات آمریکایی ها در ایران

دی ماه ۱۳۵۷. ش تنظیم شده است. آن نرسون چارلز تی. کراس بازرس ارشد سفارت، درباره مأموریت سپاری وظایف نهادهای دیگر آمریکایی به مسئولان مدارس شان در ایران می نویسد: «سفیر قبلی در مورد طرح استقرار یک مقام پزشکی منطقه ای در تهران اعتراض نمود، چون امیدوار بود که بنا به مصالح امنیتی، حضور رسمی آمریکا در ایران را کاهش دهد. با وجود اینکه مرکز بهبود اجتماعی تحت حمایت انجمن کارمندان آمریکایی عمل می کند، ولی تمام آمریکایی های مقیم ایران را برای درمان می پذیرد و هزینه مالی آن نیز توسط شرکت های تجاری آمریکایی تأمین می گردد... از آنجا که انجمن کارمندان مجاز به ارائه خدمات به آمریکاییان غیر رسمی نیست، مسئولیت نظارت بر امور مالی این مرکز، باید از دوش انجمن کارمندان برداشته و به مدرسه آمریکایی تهران یا کلیسای جامعه محول گردد. وزارت بهداشتی نیز از طریق مدرسه یا کلیسا به جای انجمن کارمندان آمریکایی، منابع لازم را در اختیار مرکز بهبود اجتماعی قرار خواهد داد. مدرسه یا کلیسا به عنوان بانک و پرداخت کننده مخارج مرکز عمل خواهد نمود، ولی خود مرکز نیز به صورت واحدی جداگانه به عملیات خویش ادامه خواهد داد...»^(۶)

با پیروزی انقلاب اسلامی این نگرانی جدی برای آمریکایی ها ایجاد شد که به دلیل جو شدیداً ضدآمریکایی، ادامه فعالیت مدارس آمریکایی در ایران با مشکل مواجه شود. به ویژه پس از آنکه دولت موقت اعلام کرد به دنبال ملی کردن تمام مدارس کشور است، آمریکایی ها بیشتر نگران شدند. به طور مثال در سندی به شماره ۷ که در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۹. م (۲۸ اسفند ۱۳۵۷. ش) که از سوی «گست» یا مأموران نظامی سفارت تنظیم شده، درباره این نگرانی آمده است: «گست گفت مطمئن نیست، ولی فکر می کند بهای تأسیسات (تسهیلات) و بیشتر تجهیزات آن پرداخت شده و متعلق به دولت ایران است. همین موضوع، در مورد مدرسه اصفهان صدق می کند. کنسول اداری سفارت نگران بوده که برخی مقامات دولت ایران را برای مذاکره در مورد بازگرداندن این مدارس به دولت ایران پیدا کند. همین جریان در مورد بیمارستان نظامی ایالات متحده صادق است که به خاطر عمل محافظت در آن تأسیسات مأمور شده بود، بسته شد. آن نیز به دولت ایران تعلق دارد و با روشی منظم باید منتقل شود...»^(۱)

در واقع در این سند، مأموران سفارت نگران موضوع بودند که با ملی اعلام شدن مدارس، مدرسه نظامی آمریکایی ها در اصفهان تعطیل یا مدیریتش به دست ایرانی ها بیفتد. همچنین براساس سندی که از نامه ویلیام اف کیو رئیس مدرسه آمریکایی لوزان خطاب به رئیس کمیته های انقلاب اسلامی منطقه لوزان در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸. ش به جا مانده است، همین نگرانی به علاوه اظهار امیدواری برای تداوم فعالیت مدارس آمریکایی در ایران دیده می شود. در بخشی از این نامه می خوانیم: «مختصراً به عنوان رئیس مدرسه آمریکایی لوزان می خواهم تشکرات و امتنان خود را از توجهی که برای نگهداری مدرسه لوزان فرموده اید، بنمایم. مدرسه قشنگی می باشد من و خبلی بدهان هستم که برای شاگردان ایرانی در سال های آینده شمر ثمر باشد. در انبار مدرسه انشایی هست که متعلق به معلمان مدرسه می باشد که آنها را باید برای صاحبانشان بفرستیم. همکاری و مساعدت شما در این زمینه قابل تقدیر می باشد...»^(۲)

مدارس آمریکایی، آموزشگاه های زبان انگلیسی و حتی مدارس نظامی آنها از اصلی ترین ستون های نیروسازی ایالات متحده آمریکا در ایران بوده است. این نیروسازی از آنجا اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا داشته که هیچ کشور استعمارگری نمی تواند بدون داشتن نفوذی و دست نشاندگانش در ارکان مختلف کشور تحت سلطه، سیاست هایش را پیش ببرد. در واقع آمریکایی ها در طول چندین دهه توانسته بودند افرادی را تربیت کنند که تمام و کمال شیفته و در خدمت اهداف و مجری سیاست های ایشان باشند. افرادی که بسیاری از آنها در ارکان گوناگون اقتصادی، سیاسی، آموزشی و دانشگاهی و عرصه های فرهنگی دوران پهلوی مسئولیت داشتند و در جهت منافع آمریکا عمل می کردند.

- ۱- ا.لدر، جان، «تاریخ مسیونر آمریکایی در ایران»، ترجمه سهیل آذری، انتشارات نورهان، چاپ ۱۳۳۳. ش، صفحه ۴ تا ۱۲
- ۲- قبادی، محمد، مقاله «مدرسه عالی دمانده» - بنیاد فرهنگی ایران بت نیل -، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۴، مورخ: بهستان ۱۳۷۸. ش، صفحه ۱۲۷ تا ۱۵۳
- ۳- سلیمانیه دبیرستان البرز، سال تحصیلی ۱۳۲۹-۱۳۲۸. ش، صفحه ۵ تا ۵۳
- ۴- مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «اسناد لانه جاسوسی»، مجموعه ۱۱ جلدی، جلد اول، چاپ ۱۳۸۶. ش، ص ۶۸۶
- ۵- همان، جلد ۶، صص ۸۸۳ و ۸۸۴
- ۶- همان، جلد ۶، صص ۷۵۶
- ۷- همان، جلد ۹، صص ۴۴۳ و ۴۴۴
- ۸- همان، جلد ۶، صص ۸۵۶
- ۹- همان، جلد ۳، صص ۴۳۴ و ۴۳۵
- ۱۰- سند شماره ۱۷۴، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی، به نشانی: https://historydocuments.org/sanad/?page_show_

رئیس اداره عفاف، حجاب و خانواده ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران در گفت‌وگو با «جوان»:

تناقض رفتار و گفتار برخی مسئولان به سر درگمی مسئله حجاب دامن زده است



این گروه‌ها باید چگونه باشد؟
در برخورد، همانگونه که اشاره شد، باید پاسخ متناسب با مخاطب و سطح عمل او طراحی و اعمال شود. گفتیم برخی از افراد، مابه‌ازای دریافت حقوق ناهنجاری‌های اجتماعی و ترویج می‌کنند، اما برخی تحت تأثیر فضای غلط در جریان جامعه‌پذیری به این شکل و باین پوشش باید برخورد سخت‌قهری و قانونی صورت پذیرد و علاوه بر باز پروری، اقدامات تأمینی بعدی برای عدم امکان بازگشت این افراد به عرصه قبح‌شکنی مدنظر قرار گیرد که متأسفانه شاهدیم در اغلب موارد باین افراد کمترین نرم‌ترین برخورد صورت می‌پذیرد در خصوص نوع که سامان یافته عمل می‌کنند و تعدادشان اندک است، باید برخوردی شده است و در برخورد با سطح بالاتر از آنکه در گسست‌های اجتماعی به نوعی بیشتر بر این معنا دامن می‌زنیم. مثال کوچک آن مصاحبه‌های تلویزیونی می‌تواند از زنان غیرمحبوبه است، غافل از آنکه در حال ارسال پیام قوی‌تر عدم تأیید اجتماعی حجاب شرعی برای جامعه هستیم و این مقوله چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد و واقعیت مشاهده‌ای همه ماست. وقتی ما این فضای خودساخته را نمی‌بینیم و سعی می‌کنیم صورت مسئله را پاک کنیم، نوجوان و جوان‌مان را در موقعیتی قرار می‌دهیم که در تناقضات آشکار بین عقیده و عرف جاری، تشخیص درست از غلط را کم می‌کنند و دچار تشویش مداوم ذهنی، سرخوردگی و عصبانیت ناشی از آن استانداردهای دوگانه عمل و عقیده در نظام حکامیتی می‌شوند. از سویی دیگر نمی‌شود انکار کرد اهرم فشار مرتبط با جریان ضدفرهنگی در قضیه اجتماعی حجاب دارای قوت بیشتری از اهرم تشویق مرتبط با جریان عفاف و حجاب است. حال اگر این دریافت را به فضای مجازی افسارگسیخته که مداوم بمباران فکری صورت می‌دهد و مخاطبش را به سمت خودارایی، مادی‌گرایی و لذت‌جویی سوق می‌دهد، اضافه کنیم، متوجه نظام تربیتی عمیق و مغفولی می‌شویم که سلامت جامعه ما را به سمت فنا می‌کشاند. کافی است یک بار وارد فضای اینستاگرام شویم تا ادعای کنیم این‌فضا تبدیل به سکوی تروج شده است و اساساً این گزاره پذیرفته شده اینستاگرام است که «در این فضا باید رفتارهای ناهنجار داشته باشی تا بیشتر دیده شوی» و این فرهنگ پذیرفته‌شده به قدری نفوذ عمیق داشته است که شما نمی‌توانید به جامعه مخاطب‌پذیر بگویید که در معرض دید گذاشتن فلان غذا یا فلان سبک زندگی تجملاتی، عملی غلط و ضدفرهنگ است. اما ما چگونه و عین حال شما نمی‌توانید به فرزندان بگویید رفتارهای سالم داشته باش و این رفتار سالم و نخبه‌پناه است که بسیار خوب و لذتبخش است، بنابراین برای حل مسئله باید از خودمان بپرسیم که ما در نظام فرهنگی‌مان چه الگوسازی جذابی داریم تا افراد را از این فرهنگ‌سازی غلط جدا کنیم و به سمت عدم تروج بیاوریم؟ جوان و نوجوان ما علاقه‌مند به دیده‌شدن است. اما ما چگونه و کجا فضای سالم را برای دیده‌شدن نوجوانان، جوانان و حتی میانسالان یا حتی کودکانمان تعریف کرده‌ایم؟ نه در نظام تربیت خانوادگی نه در آموزش و پرورش و نه در آموزش عالی چنین روندی را در برنامه‌ریزی‌های مان به معنای عملی آن پیش‌بینی نکرده‌ایم و صرفاً در برخی از سیاستگذاری‌ها از آن سخن به میان آمده است. آسیب‌هایی که اکنون با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، دقیقاً از عدم‌فهم صحیح این مسئله ناشی می‌شود.

در بحث تحمیل چالش مسئله‌سازی حجاب از سوی دشمن‌طور، اینکه برخی از افرادی حجاب یا بدحجاب تعمداً به دنبال خط‌شکنی و ترویج بدحجابی هستند و برخی دیگر هم در جریانات اجتماعی دچار این انحراف می‌شوند. بر خورد ما با هر یک از

رسانه‌ای ما و همچنین فضای مجازی در دسترس افراد جامعه با شدت بیشتر جاری و ساری است. ندارند، بیشتر مورد توجه و تأیید قرار می‌گیرند و جالب آنکه امروزه به بهانه وحدت کلمه و رد کردن گسست‌های اجتماعی به نوعی بیشتر بر این معنا دامن می‌زنیم. مثال کوچک آن مصاحبه‌های تلویزیونی می‌تواند از زنان غیرمحبوبه است، غافل از آنکه در حال ارسال پیام قوی‌تر عدم تأیید اجتماعی حجاب شرعی برای جامعه هستیم و این مقوله چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد و واقعیت مشاهده‌ای همه ماست. وقتی ما این فضای خودساخته را نمی‌بینیم و سعی می‌کنیم صورت مسئله را پاک کنیم، نوجوان و جوان‌مان را در موقعیتی قرار می‌دهیم که در تناقضات آشکار بین عقیده و عرف جاری، تشخیص درست از غلط را کم می‌کنند و دچار تشویش مداوم ذهنی، سرخوردگی و عصبانیت ناشی از آن استانداردهای دوگانه عمل و عقیده در نظام حکامیتی می‌شوند. از سویی دیگر نمی‌شود انکار کرد اهرم فشار مرتبط با جریان ضدفرهنگی در قضیه اجتماعی حجاب دارای قوت بیشتری از اهرم تشویق مرتبط با جریان عفاف و حجاب است. حال اگر این دریافت را به فضای مجازی افسارگسیخته که مداوم بمباران فکری صورت می‌دهد و مخاطبش را به سمت خودارایی، مادی‌گرایی و لذت‌جویی سوق می‌دهد، اضافه کنیم، متوجه نظام تربیتی عمیق و مغفولی می‌شویم که سلامت جامعه ما را به سمت فنا می‌کشاند. کافی است یک بار وارد فضای اینستاگرام شویم تا ادعای کنیم این‌فضا تبدیل به سکوی تروج شده است و اساساً این گزاره پذیرفته شده اینستاگرام است که «در این فضا باید رفتارهای ناهنجار داشته باشی تا بیشتر دیده شوی» و این فرهنگ پذیرفته‌شده به قدری نفوذ عمیق داشته است که شما نمی‌توانید به جامعه مخاطب‌پذیر بگویید که در معرض دید گذاشتن فلان غذا یا فلان سبک زندگی تجملاتی، عملی غلط و ضدفرهنگ است. اما ما چگونه و عین حال شما نمی‌توانید به فرزندان بگویید رفتارهای سالم داشته باش و این رفتار سالم و نخبه‌پناه است که بسیار خوب و لذتبخش است، بنابراین برای حل مسئله باید از خودمان بپرسیم که ما در نظام فرهنگی‌مان چه الگوسازی جذابی داریم تا افراد را از این فرهنگ‌سازی غلط جدا کنیم و به سمت عدم تروج بیاوریم؟ جوان و نوجوان ما علاقه‌مند به دیده‌شدن است. اما ما چگونه و کجا فضای سالم را برای دیده‌شدن نوجوانان، جوانان و حتی میانسالان یا حتی کودکانمان تعریف کرده‌ایم؟ نه در نظام تربیت خانوادگی نه در آموزش و پرورش و نه در آموزش عالی چنین روندی را در برنامه‌ریزی‌های مان به معنای عملی آن پیش‌بینی نکرده‌ایم و صرفاً در برخی از سیاستگذاری‌ها از آن سخن به میان آمده است. آسیب‌هایی که اکنون با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، دقیقاً از عدم‌فهم صحیح این مسئله ناشی می‌شود.

در بحث تحمیل چالش مسئله‌سازی حجاب از سوی دشمن‌طور، اینکه برخی از افرادی حجاب یا بدحجاب تعمداً به دنبال خط‌شکنی و ترویج بدحجابی هستند و برخی دیگر هم در جریانات اجتماعی دچار این انحراف می‌شوند. بر خورد ما با هر یک از

رسانه‌ای ما و همچنین فضای مجازی در دسترس افراد جامعه با شدت بیشتر جاری و ساری است. ندارند، بیشتر مورد توجه و تأیید قرار می‌گیرند و جالب آنکه امروزه به بهانه وحدت کلمه و رد کردن گسست‌های اجتماعی به نوعی بیشتر بر این معنا دامن می‌زنیم. مثال کوچک آن مصاحبه‌های تلویزیونی می‌تواند از زنان غیرمحبوبه است، غافل از آنکه در حال ارسال پیام قوی‌تر عدم تأیید اجتماعی حجاب شرعی برای جامعه هستیم و این مقوله چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد و واقعیت مشاهده‌ای همه ماست. وقتی ما این فضای خودساخته را نمی‌بینیم و سعی می‌کنیم صورت مسئله را پاک کنیم، نوجوان و جوان‌مان را در موقعیتی قرار می‌دهیم که در تناقضات آشکار بین عقیده و عرف جاری، تشخیص درست از غلط را کم می‌کنند و دچار تشویش مداوم ذهنی، سرخوردگی و عصبانیت ناشی از آن استانداردهای دوگانه عمل و عقیده در نظام حکامیتی می‌شوند. از سویی دیگر نمی‌شود انکار کرد اهرم فشار مرتبط با جریان ضدفرهنگی در قضیه اجتماعی حجاب دارای قوت بیشتری از اهرم تشویق مرتبط با جریان عفاف و حجاب است. حال اگر این دریافت را به فضای مجازی افسارگسیخته که مداوم بمباران فکری صورت می‌دهد و مخاطبش را به سمت خودارایی، مادی‌گرایی و لذت‌جویی سوق می‌دهد، اضافه کنیم، متوجه نظام تربیتی عمیق و مغفولی می‌شویم که سلامت جامعه ما را به سمت فنا می‌کشاند. کافی است یک بار وارد فضای اینستاگرام شویم تا ادعای کنیم این‌فضا تبدیل به سکوی تروج شده است و اساساً این گزاره پذیرفته شده اینستاگرام است که «در این فضا باید رفتارهای ناهنجار داشته باشی تا بیشتر دیده شوی» و این فرهنگ پذیرفته‌شده به قدری نفوذ عمیق داشته است که شما نمی‌توانید به جامعه مخاطب‌پذیر بگویید که در معرض دید گذاشتن فلان غذا یا فلان سبک زندگی تجملاتی، عملی غلط و ضدفرهنگ است. اما ما چگونه و عین حال شما نمی‌توانید به فرزندان بگویید رفتارهای سالم داشته باش و این رفتار سالم و نخبه‌پناه است که بسیار خوب و لذتبخش است، بنابراین برای حل مسئله باید از خودمان بپرسیم که ما در نظام فرهنگی‌مان چه الگوسازی جذابی داریم تا افراد را از این فرهنگ‌سازی غلط جدا کنیم و به سمت عدم تروج بیاوریم؟ جوان و نوجوان ما علاقه‌مند به دیده‌شدن است. اما ما چگونه و کجا فضای سالم را برای دیده‌شدن نوجوانان، جوانان و حتی میانسالان یا حتی کودکانمان تعریف کرده‌ایم؟ نه در نظام تربیت خانوادگی نه در آموزش و پرورش و نه در آموزش عالی چنین روندی را در برنامه‌ریزی‌های مان به معنای عملی آن پیش‌بینی نکرده‌ایم و صرفاً در برخی از سیاستگذاری‌ها از آن سخن به میان آمده است. آسیب‌هایی که اکنون با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، دقیقاً از عدم‌فهم صحیح این مسئله ناشی می‌شود.

در بحث تحمیل چالش مسئله‌سازی حجاب از سوی دشمن‌طور، اینکه برخی از افرادی حجاب یا بدحجاب تعمداً به دنبال خط‌شکنی و ترویج بدحجابی هستند و برخی دیگر هم در جریانات اجتماعی دچار این انحراف می‌شوند. بر خورد ما با هر یک از



ما تشخیصی را که اسلام برای زنان قائل است، نتوانسته‌ایم به آنها منتقل کنیم و این ناآگاهی موجب شده است گاهی اوقات پذیرش احکام دینی برای آنها جذابیت لازم را نداشته باشد؛ شاید کمتر کسی باور کند که وقتی باین افراد درباره زندگی حضرت زهرا(س) صحبت می‌کنیم، ابتدائاً با نگاه کاملاً ناپاوارانه و تقابلی به سخنان گوش می‌دهند، اما وقتی حقایق ناگفته و کمتر بیان شده از ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی حضور در عرصه نظامی زندگی ایشان را می‌شنوند، مشتاقانه جذب می‌شوند و به بیشتر دانستن علاقه نشان می‌دهند

جاری در زندگی‌شان گوش شنوایی داشت و پذیرش کم‌کاری در برخی حوزه‌ها راه پذیرش مسیر صحیح را به لحاظ روانی برای آنها باز کنیم.

چه باید کرد؟ آیا هنوز هم می‌توان اوضاع حجاب و عفاف در جامعه را مدیریت کرد؟

ماجرای قابل حل شدن است، اگر ما بتوانیم با رویکرد پیش‌گفته به قضیه ورود کنیم و این نکته بسیار مهم را که امام خاتمه‌ای سال ۱۳۹۸ به آن اشاره داشتند، مدنظر داشته باشیم که مرتب است با «انسان علی دین ملوکیم» قطعاً این معضل حل شدنی است. ایشان فرمودند: «در این زمینه باید در درجه اول دستگاه‌های دولتی، حکومتی و مدیران آنها مراقبت کنند تا بر اساس قانون عمل شود.» از نظر بنده حضرت آقا ناظر در مهم‌ترین دلیل گسترش بی‌حجابی این امر را صادر کشور استانداردهای دوگانه گفتاری و رفتاری مسئولان است که علاوه بر اینکه مردم را دچار سردرگمی می‌کند، این نظام را نیز زیر سؤال می‌برد و سهم قابل توجه مسئله کشف حجاب، برنوداد رفتار برخی از مسئولان عمل می‌کنند، در حالی که سخنرانی و شعارهای شان منطبق با مبانی است. این رفتار و گفتار متناقض باید اصلاح شود که مردم بداندند وحدت رویه‌ای از صدر تا ذیل نظام برای اجرای حدود و قوانین الهی وجود دارد و هر کس بر مبنا سلیقه خود نمی‌تواند رفتاری مخالف عقاید حجاب و عفاف داشته‌ام؛ دختران ۱۵-۱۴ساله تا بانوان ۵۰-۴۰ساله. وقتی دری از گذشته‌شان به روی تان باز می‌کنند، متوجه شرایطی می‌شوید که آنان فریاد می‌زنند اما مسئولان محیط زندگی ایشان به لحاظ فردی و اجتماعی سبک تربیتی و شیوه جامعه‌پذیری این افراد به گونه‌ای بوده که چنین افرادی را با چنین اصلاح‌های طراحی و به جامعه عرضه کرده‌اند، اما سوال این است که ما به عنوان یک مسئول طی چهل‌و‌اندی سال چه کرده‌ایم که بسیاری از بانوان ما چنین و جناب زندگی یک زن در اسلام نرسیده‌اند؟

در واقع به نظر می‌رسد ما تشخیصی را که اسلام برای زنان قائل است، نتوانسته‌ایم به آنها منتقل کنیم و این ناآگاهی موجب شده است گاهی اوقات پذیرش احکام دینی برای آنها جذابیت لازم را نداشته باشد!

شاید کمتر کسی باور کند که وقتی باین افراد درباره زندگی حضرت زهرا(س) صحبت می‌کنیم، ابتدائاً با نگاه کاملاً ناپاوارانه و تقابلی به سخنان گوش می‌دهند، اما وقتی حقایق ناگفته و کمتر بیان شده از ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی حضور در عرصه نظامی زندگی ایشان را می‌شنوند، مشتاقانه جذب می‌شوند و به بیشتر دانستن علاقه نشان می‌دهند. وقتی با قشر دوم با خلق نیکو و به لحاظ عاطفی ارتباط می‌گیریم و مسائل‌شان را به صورت مشاوره‌ای با شما مطرح می‌کنند، متوجه می‌شویم برخی از اینها اگر در محیط زندگی و تربیت امثال بنده تعریف می‌شدند با توجه به فطرت پاک‌ی که دارند، چه بسا به مراتب بهتر از ما بودند و واقع‌بینانه اگر ما در محیط رشد آنها تربیت می‌شدیم، چه بسا وضعیتی به مراتب بدتر را بروز می‌دادیم؛ بر اساس تجربه مشاهداتی عرض می‌کنم، برخی از این فطرت‌ها به قدری پاک سالم و سلیم هستند که با یک ارتباط عاطفی و سالم بدون نگاه متکبران می‌توانند به سرعت قدم در رشد معنوی بگذارند. متأسفانه برخی از افراد با پوشش محببه‌گامی احساس می‌کنند فرستاده خدا هستند و این بانوان با پوشش نامناسب ایادی ایشان! این برخورد متکبرانه و به اصطلاح از بالا به پایین که گاهی رخ می‌دهد، شاید در منظر اول چندان مهم به نظر نرسد، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که علی‌گفتمان انقلاب اسلامی تبلیغ منفی‌ای است که باعث می‌شود ارتباط‌گیری بین اقشار مذهبی و افراد آسیب‌دیده به کمترین حد ائر خود برسد. برای رفع معضل بی‌حجابی باید نسبت به این معضل نیز چاره اندیشید. در این زمینه می‌توان با روش‌های جدید امر به معروف و نهی از منکر، با کلام نرم و مدارانه ارتباط صورت پذیرد و باید از شنیدن نفحسا و دردهای



بنا به فرموده قرآن، زن و مرد از یک جنس و تبار هستند، ملاک برتری نزد خداوند تقوا، ایمان و عمل صالح است نه زن یا مرد بودن. اما زنان در طول تاریخ و در میان اقوام و ملل مختلف، بسیار مورد ظلم و تمایز قرار گرفته‌اند. مسئله فمینیسم، شورش و تقابل افراطی و خارج از قاعده زنان در برابر ظلم و ستم مردان است و این حرکت افراطی به نفع زنان نیست بلکه هر یک از زن و مرد لازم است تفاوت‌های طبیعی خود را شناخته و وظایف مخصوص خود را به عهده بگیرند و از یکدیگر درک متقابل داشته باشند تا به زندگی موفق و آرامش بخش نائل شوند.

غرب در مواد احیای حقوق و آزادی زن قدم‌های مثبتی برداشته اما در کنار آن زن را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار داده است؛ بهره‌کشی‌های کاری در کارخانه‌ها و معاملاتی در تجارت‌خانه‌ها و بهره‌برداری جنسی در مجلس‌آرایی‌های کباب‌ها و این خلاف شخصیت حقیقی زن است.

اگرچه در جامعه اسلامی، بساز هم کم‌وبیش زن در محدودیت و ستم بوده، اما در فرصت‌های پیش آمده چه در صدر اسلام و چه در انقلاب، زن شخصیت و لیاقت خود را نشان داده است. زن سامان‌دهنده زندگی و مایه آرامش و سکون خانواده است.

در بخشی از کتاب زن در گذر زمان می‌خوانیم: «این زن علاوه بر فرزندآوری و تربیت فرزند و خانه‌داری، مجاز است در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز وارد شود و مسئولیت‌پذیرد؛ البته برای زن در اولویت هم‌ان فرزندآوری و تربیت فرزند و خانه‌داری است، این برای زن هم طبیعی‌تر، راحت‌تر و هم برای جامعه مؤثرتر و مفیدتر است. زن وقتی دسته‌گلی به نام فرزند در آغوش خانواده می‌گذارد و فرزند سالم و صالح تربیت و تقدیم جامعه می‌کند، در حقیقت به باوروی، نوشدن و سلامت جامعه کمک کرده است و هیچ چیز در این زمینه جایگزین وظیفه‌ی زن نمی‌شود. ریشه اصل همه خوبی‌ها از خانواده آغاز می‌شود. این سخن معروف است که هر کس هرچه دارد، از بند قنداقش دارد و این بند قنداق زن کربند دارد که در خانه دیده و قدر قدرنداری‌اش شناخته شود.

نام پدر و مادر در بار کد کارت ملی

ثبت اسم مادر در کارت ملی موضوعی قدیمی است که حالا یک بار دیگر مطرح شده است. در سال‌های اخیر که کارت ملی به شماره اصلی‌ترین سند شناسایی همه افراد بالای ۱۵ سال به شمار می‌رود، هویت مادر در این سند مشخص نیست و نامی از مادر در کارت ملی افراد درج نمی‌شود. معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دو بار قبلی برای نخستین بار این مسئله را مطرح کرد که نام مادر هم با تدوین آیین‌نامه‌ای در کارت ملی درج شود. بعد از دولت دوازدهم این ماجرا می‌رفت فراموش شود تا اینکه دوباره به سوز زبان‌ها افتاد. حالا نسبه خزلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده درباره اینکه چرا اسم پدر و مادر از کارت ملی حذف و چه چیزی جایگزین آن می‌شود، می‌گوید: «اسم پدر و مادر در ظاهر حذف شده است ولی در واقع هم اسم پدر و مادر هم سایر مشخصات وجود دارد.»

وی درباره طرح دوباره موضوع درج نام مادر در کارت ملی اینگونه توضیح می‌دهد: «در جلسه‌ای که دو سال پیش با رئیس‌جمهور داشتیم، برخی از بانوان درخواست کردند نام مادر روی کارت ملی و در کنار نام پدر را مطرح کردند و رئیس‌جمهور هم از این مطلب استقبال کردند و ما هم پیگیر معضله‌های کمسیون‌های مختلف دولت شدیم.» به گفته وی، در نهایت در کمیسیون اصلی، نماینده ثبت احوال اعلام کرد قرار است کارت‌ها تغییر کند و در کارت‌های جدید نام پدر و مادر نخواهد بود، بنابراین به گفته وی، این پرسش که چرا اسم پدر و مادر حذف می‌شود و چه چیزی جایگزین آن می‌شود، تأکید می‌کند: «در ظاهر حذف شده است، ولی در واقع هم اسم پدر و مادر و هم سایر مشخصات وجود دارد.»

به گفته معاون رئیس‌جمهور ظاهر سیاست این است که اطلاعات حفاظتی روی کارت آورده شود و به جای آن بار کدی روی کارت آورده شود که مشخصات شناسنامه‌ای در صاحب کارت از جمله مشخصات پدر و مادر او از طریق بار کد قابل رؤیت است.

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگران

بهبود حال جامعه کارگری تأثیر بزرگی در بهبود حال کل جامعه دارد. آنطور که حالا به من گزارش کرده‌اند، ما حدود ۱۴ میلیون کارگر داریم که اگر با خانواده‌هایشان حساب کنیم، بیش از چهل و چند میلیون انسان می‌شوند؛ خوب چهل و چند میلیون، یعنی نصف جمعیت کشور. اگر تلاشی انجام بگیرد، کاری انجام بگیرد که حال جامعه کارگری خوب بشود، معنایش این است که حال نصف جامعه کشور خوب شده، این چیز خیلی مهمی است.

مسئله اول که یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه کارگری است و وزیر محترم هم اینجا هستند، مسئولان کشور هم می‌شنوند، مسئله امنیت شغلی است. «امنیت شغلی»، یعنی اینکه کارگر به آینده کاری خودش اطمینان داشته باشد. ما در یک دوره‌ای مبتلا شدیم به تعطیلی کارخانجات بزرگ و احیاناً سابقه‌دار، خوب یک کارخانه بزرگ که تعطیل می‌شود، گاهی اوقات چند هزار کارگر بیکار می‌شوند، این چیز خیلی مهمی است. خوب حالا بحمدالله در این دو ساله، به همت مسئولان خیلی از کارگاه‌های تعطیل شده راه افتاد. آنطور که به من گزارش کرده‌اند، نزدیک به ۱۰ هزار کارخانه که تعطیل یا نیمه‌تعطیل بود، احیا شد، زنده شد، این کار باید ادامه پیدا کند. انواع و اقسام روش‌ها برای امنیت شغلی برای کارگران باید فراهم بشود. بنابراین، مسئله امنیت شغلی یکی از وظایفی است که بر عهده مسئولان است. کارگری که حالا با قناعت و با نجات مشغول کارش است، لاقلاً بداند که آینده شغلی‌اش تضمین شده است و مشکلی برایش پیش نمی‌آید.

یک نکته دیگر مسئله بیمه‌هاست که وزیر محترم اشاره کردند؛ مسئله بیمه‌ها خیلی مهم است. سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی که شامل کارگر و غیر کارگر می‌شود، مدت‌ها پیش ابلاغ شده. رئیس‌جمهور محترم هم دستور داده که آیین‌نامه‌هایش تهیه بشود؛ منتها آنطور که به بنده گزارش کرده‌اند تا حالا کارهایی که باید انجام بگیرد، درست و کامل انجام نشده است.

یک مسئله مهم، ایمنی نیروی کار است؛ نیروی کار باید در محیط کار دچار آسیب نشود. ایمنی نیروی کار خیلی مهم است. یکی از نیازهای مهم کارگر که وظیفه‌های را در مقابل مسئولان دولتی و صاحبان کارگاه‌ها و بیشتر دولت و امثال اینها قرار می‌دهد، نیاز به مهارت است. کارگر آماده است کار کند، امتهای یک جاهایی به مهارت بیشتر احتیاج دارد. این مهارت‌افزایی و دانش‌افزایی در مورد کار، خیلی به پیشرفت کار کمک می‌کند. هم به نفع کارگر است و هم به نفع کشور. این مهارت‌افزایی هم که توانمندسازی نیروی کار است - نیروی انسانی از لحاظ مهارت کاری توانمند بشود - یکی از اولویات اینهاست.

از همین باب، مسئله جست‌وجوی استعدادها در خشان است. در بین جامعه کارگری، گاهی استعدادها بر جسته‌ای وجود دارد که ابتکارهایی به ذهنشان می‌رسد؛ اگر چنانچه دستگاه‌های ذی‌ربط اینها را شناسایی کنند، استعدادها را پیدا کنند، به اینها میدان بدهند، مجال بدهند که بتوانند نوآوری و خلاقیت بکنند، به نظر من وضع جامعه کارگری و وضع کار در کشور بسیار پیشرفت خواهد کرد.

البته بعضی از این وظایفی که عرض کردیم، بر عهده دستگاه‌های دولتی است، مثل وزارت کار یا حتی دستگاه‌های آموزشی و مراکز آموزشی. بنده مکرر به وزارت آموزش و پرورش در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای توصیه کرده‌ام و این به نیروی کار و مهارت‌افزایی آنها خیلی کمک می‌کند. حالا نظر بعضی‌ها این است که شاید لازم و ممکن باشد که در دانشگاه‌ها، در مدارس، در آموزش و پرورش، در کنار درس‌های نظری، آموزش‌های عملی هم داده بشود و حتی شناسه بدهند، مدرک تحصیلی بدهند تا شایستگی و صلاحیت کار در یک کارگر در یک جوان که اینجا مثلاً تحصیل فنی کرده، معلوم بشود و بتواند کار کند. این هم یک مسئله دیگر است که عرض کردیم، بعضی از اینها بر عهده دولت است، بعضی هم بر عهده خود مدیران بنگاه‌های تولیدی است. اگر چنانچه این وظایف انجام بگیرد، به نظر ما جامعه کارگری ارتقا پیدا می‌کند؛ اینها وظایفی است در قبال جامعه کارگری.

خود جامعه کارگری هم وظایفی دارند. در اسلام این جور است دیگر؛ هر کسی که حقی بر شما دارد، شما هم حقی بر او دارید؛ حقوق متقابلند. حق بر شما مستلزم این است که شما هم حقی داشته باشید؛ اگر شما بر کسی حق دارید، او هم بر شما حقی دارد. این حقوق متقابل است. یک وظیفه کارگر این است که کار را ارزش بداند. توصیه جدی من به جامعه کارگری این است، شما که کارگر هستید، مشغول کار هستید، بدانید که دارید ارزش آفرینی می‌کنید. مسئله فقط این نیست که «کار می‌کنیم، نان جلال سر سفره می‌بریم»؛ البته این است، اما فقط این نیست. شما کار می‌کنید، دارید کشور را آباد می‌کنید. کار شما موجب آبادی کشور است. کشور که آباد شد، آبرو و سرفرازی به وجود می‌آید، کشور قدرتمند می‌شود. خواندم روایت را که اگر کار انجام گرفت، کار برای کشور قوت می‌افزاید. بنابراین، کار شما دو جنبه دارد: یک جنبه شخصی، یک جنبه عمومی؛ خوب این خیلی ارزش دارد. خود شما به ارزش کار توجه کنید.

دوم اینکه کار را امانت بدانید؛ این وظیفه‌ای که به شما سپرده شده، امانتی است دست شما. نسوم اینکه کار را محکم انجام بدهید، متقن انجام بدهید، کار سرهم‌بندی نشود که البته بنده روی این مسئله بارها در گذشته تکیه کرده‌ام، مثال‌های متعددی زده‌ام، لذا نمی‌خواهم تکرار کنم. انضباط در محیط کار، احساس مسئولیت نسبت به کار، اینها همه وظایف کارگری است.

اینکه می‌گوییم «کار را ارزش بدانیم»، مخصوص خود جامعه کارگری نیست؛ همه مردم باید کار را ارزش بدانند. این کار را دو فایده دارد: یک فایده این است که جامعه را به کارگر به چشم یک موجود ارزشمند نگاه می‌کند. وقتی که جامعه کار را ارزش دانست، کارگر را - هر کارگری که کارگری که روی ماشین کار می‌کند، کارگری که روی زمین کار می‌کند، کارگری که در ساختمان کار می‌کند؛ آن که اصطلاح «کارگر» بر او صادق است - یک موجود ارزشمند به حساب می‌آورد. دوم اینکه خود آن آدم هم میل به کار پیدا می‌کند. ما یک تعداد جوان داریم در کشور، متأسفانه جوانند، اما هیچ میلی به کار ندارند، دنبال کار هم نمی‌روند؛ نه آموزش کار می‌بینند، نه جست‌وجوی کار می‌کنند. بعضی‌ها را هم داریم که دنبال کار هستند، منتها کار را فقط پشت‌میزنشینی می‌دانند، دنبال آن هستند؛ در حالی که پشت‌میزنشینی اولاً همیشه کار نیست، بعضی اوقات بیکاری است، وانگهی حالا آنجا هم که کار محسوب بشود، منحصر به پشت‌میزنشینی نیست. بنابراین، جوان‌ها باید در فرآیند تولید در کشور نقش بیافرینند، نقش آفرینی کنند؛ این، آن وقتی انجام می‌گیرد که احساس بشود که کار ارزشمند است.

مروری بر نکات رهبر انقلاب درباره وظایف مسئولان و کارگران

حال کارگر خوب شود حال کشور خوب می‌شود



در بین جامعه کارگری، گاهی استعدادها بر جسته‌ای وجود دارد که ابتکارهایی به ذهنشان می‌رسد؛ اگر چنانچه دستگاه‌های ذی‌ربط اینها را شناسایی کنند، استعدادها را پیدا کنند، به اینها میدان بدهند، مجال بدهند که بتوانند نوآوری و خلاقیت بکنند، به نظر من وضع جامعه کارگری و وضع کار در کشور بسیار پیشرفت خواهد کرد.

البته بعضی از این وظایفی که عرض کردیم، بر عهده دستگاه‌های دولتی است، مثل وزارت کار یا حتی دستگاه‌های آموزشی و مراکز آموزشی.

بنده مکرر به وزارت آموزش و پرورش در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای توصیه کرده‌ام و این به نیروی کار و مهارت‌افزایی آنها خیلی کمک می‌کند.

حالا نظر بعضی‌ها این است که شاید لازم و ممکن باشد که در دانشگاه‌ها، در مدارس، در آموزش و پرورش، در کنار درس‌های نظری، آموزش‌های عملی هم داده بشود و حتی شناسه بدهند، مدرک تحصیلی بدهند تا شایستگی و صلاحیت کار در یک کارگر در یک جوان که اینجا مثلاً تحصیل فنی کرده، معلوم بشود و بتواند کار کند.

این هم یک مسئله دیگر است که عرض کردیم، بعضی از اینها بر عهده دولت است، بعضی هم بر عهده خود مدیران بنگاه‌های تولیدی است.

اگر چنانچه این وظایف انجام بگیرد، به نظر ما جامعه کارگری ارتقا پیدا می‌کند؛ اینها وظایفی است در قبال جامعه کارگری.

خود جامعه کارگری هم وظایفی دارند. در اسلام این جور است دیگر؛ هر کسی که حقی بر شما دارد، شما هم حقی بر او دارید؛ حقوق متقابلند.

حق بر شما مستلزم این است که شما هم حقی داشته باشید؛ اگر شما بر کسی حق دارید، او هم بر شما حقی دارد.

این حقوق متقابل است. یک وظیفه کارگر این است که کار را ارزش بداند.

توصیه جدی من به جامعه کارگری این است، شما که کارگر هستید، مشغول کار هستید، بدانید که دارید ارزش آفرینی می‌کنید.

مسئله فقط این نیست که «کار می‌کنیم، نان جلال سر سفره می‌بریم»؛ البته این است، اما فقط این نیست.

شما کار می‌کنید، دارید کشور را آباد می‌کنید. کار شما موجب آبادی کشور است.

کشور که آباد شد، آبرو و سرفرازی به وجود می‌آید، کشور قدرتمند می‌شود.

خواندم روایت را که اگر کار انجام گرفت، کار برای کشور قوت می‌افزاید.

بنابراین، کار شما دو جنبه دارد: یک جنبه شخصی، یک جنبه عمومی؛ خوب این خیلی ارزش دارد.

خود شما به ارزش کار توجه کنید.

دوم اینکه کار را امانت بدانید؛ این وظیفه‌ای که به شما سپرده شده، امانتی است دست شما.

نسوم اینکه کار را محکم انجام بدهید، متقن انجام بدهید، کار سرهم‌بندی نشود که البته بنده روی این مسئله بارها در گذشته تکیه کرده‌ام، مثال‌های متعددی زده‌ام، لذا نمی‌خواهم تکرار کنم.

انضباط در محیط کار، احساس مسئولیت نسبت به کار، اینها همه وظایف کارگری است.

اینکه می‌گوییم «کار را ارزش بدانیم»، مخصوص خود جامعه کارگری نیست؛ همه مردم باید کار را ارزش بدانند.

این کار را دو فایده دارد: یک فایده این است که جامعه را به کارگر به چشم یک موجود ارزشمند نگاه می‌کند.

وقتی که جامعه کار را ارزش دانست، کارگر را - هر کارگری که کارگری که روی ماشین کار می‌کند، کارگری که روی زمین کار می‌کند، کارگری که در ساختمان کار می‌کند؛ آن که اصطلاح «کارگر» بر او صادق است - یک موجود ارزشمند به حساب می‌آورد.

دوم اینکه خود آن آدم هم میل به کار پیدا می‌کند.

ما یک تعداد جوان داریم در کشور، متأسفانه جوانند، اما هیچ میلی به کار ندارند، دنبال کار هم نمی‌روند؛ نه آموزش کار می‌بینند، نه جست‌وجوی کار می‌کنند.

بعضی‌ها را هم داریم که دنبال کار هستند، منتها کار را فقط پشت‌میزنشینی می‌دانند، دنبال آن هستند؛ در حالی که پشت‌میزنشینی اولاً همیشه کار نیست، بعضی اوقات بیکاری است، وانگهی حالا آنجا هم که کار محسوب بشود، منحصر به پشت‌میزنشینی نیست.

بنابراین، جوان‌ها باید در فرآیند تولید در کشور نقش بیافرینند، نقش آفرینی کنند؛ این، آن وقتی انجام می‌گیرد که احساس بشود که کار ارزشمند است.

وظایف مسئولان نسبت به کارگران

ایجاد امنیت شغلی

برای کارگران

مسأله

بیمه‌ها

ایمنی نیروی کار

در محیط کار

مهارت‌افزایی و

توانمندسازی کارگران

شناسایی استعدادها و

استفاده از نوآوری کارگران

ما یک تعداد جوان داریم، متأسفانه جوانند، اما هیچ میلی به کار ندارند، دنبال کار هم نمی‌روند؛ نه آموزش کار می‌بینند، نه جست‌وجوی کار می‌کنند.

بعضی‌ها را هم داریم که دنبال کار هستند، منتها کار را فقط پشت‌میزنشینی می‌دانند، دنبال آن هستند؛ در حالی که پشت‌میزنشینی اولاً همیشه کار نیست، بعضی اوقات بیکاری است، وانگهی حالا آنجا هم که کار محسوب بشود، منحصر به پشت‌میزنشینی نیست.

بنابراین، جوان‌ها باید در فرآیند تولید در کشور نقش بیافرینند، نقش آفرینی کنند؛ این، آن وقتی انجام می‌گیرد که احساس بشود که کار ارزشمند است.

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار کارگران (۱۴۰۳/۲/۵) فرمودند: «بهبود حال جامعه کارگری تأثیر بزرگی در بهبود حال کل جامعه دارد.» ایشان در ادامه برخی وظایف مسئولان در قبال کارگران و برخی وظایف جامعه کارگری را برشمردند که در این اطلاع‌نگاشت مرور میشود.



وظایف جامعه کارگری

دانستن ارزش کار خود

در سرفرازی کشور

امانت

دانستن کار

انضباط

در محیط کار

احساس مسئولیت

نسبت به کار

اتقان کاری و پرهیز از

سرهم‌بندی کار

ساخت ایران

ساخت ایران

ناامیدی کلوپ و حمایت منتقدان از صلاح



اسکات نارائر

میر

لیورپول یک فرصت دیگر برای نزدیک شدن به صدر جدول را با تساوی برابر وستهم از دست داد. قرمزها بعد از گلزنی جردن بوون در نیمه اول انگیزه اندک خود را از دست دادند. هرچند تیم یورگن کلوپ در نیمه دوم با گلزنی رابرتسون و آرنولا تا استانه پیروزی پیش رفت، اما مثل بازی‌های قبلی لیورپول نتوانست برتری خود را حفظ کند. از دست دادن نتیجه به کناره،

درگیری لفظی محمد صلاح و یورگن کلوپ، تیم را بیش از پیش تحت فشار قرار داده است. توقف مقابل وستهم در حسان‌ترین روزهای لیگ جزیره، قرمزها را در ره دو سه‌گم تنگ داشت و اختلاف امتیاز با آرسنال و من‌سیتی را افزایش داد.

سرمری بعد از این ناکامی، امتیازهای از دست رفته را ناامیدکننده خواند: «خیلی به قهرمانی فکر نمی‌کنم. قیلا هم گفته بودم به همه امتیازات نیاز داریم، متأسفانه نتوانستیم وستهم را ببریم. البته جایگاهمان تغییر نی کرد. از پیشرفت سیتی و آرسنال ناراحت نیستم

و ترجیح می‌دهم روی بازی تیمم متمرکز باشم.»

جدال لفظی ستاره با سرمری جنجال دیگری است که دامن لیورپول را گرفته است. همه دیدند محمد صلاح در کنار زمین با کلوپ جروبحث می‌کند. در واقع صلاح به صحبت‌های سرمری واکنش نشان می‌دهد.

در این بحث داروین نونیز به موقع پادرمیانی کرد و اجازه جدی شدن ماجرا را نداد. مهاجم تیم بعد از بازی نیز جیجیح داد به جای روبه‌رو

شدن با سرمری راهی رختکن شود. در این ماجرا آلن شیرر معروف حق را به محمد صلاح داده است.

شیرر که حالا کارشناس برنام‌های تلویزیونی هم هست با جانبداری از مهاجم لیورپول گفت: «ما نمی‌دانیم یورگن کلوپ دقیقاً چه بازیکن چه گفته و مشخص است جمله‌ای گفته که خشم صلاح را برانگیخته است. از طرفی صلاح از نیمکت‌نشینی ناراحت بود و تحمل آن را نداشت که به عنوان بازیکن ذخیره به میدان برود. البته مهاجم مصری عملکردش نسبت به گذشته افت کرده است. خوشبختانه صلاح بعد از بازی تصمیم درستی گرفت و بعد از تشکر کردن از هواداران، یکراست راهی رختکن شد. با توجه به سابقه این بازیکن در لیورپول و تعداد دفعاتی که تیم با گل‌های او سربلند از زمین بیرون آمده، می‌توان ناراحتی صلاح را درک کرد. هر کس دیگری هم جای او بود عصبانی می‌شد.»

پیتر کروچ، مهاجم سابق لیورپول هم حق را به صلاح داده و از او حمایت کرده است: «احساس خوبی ندارم و نمی‌توانم دقیق بگویم چه حرف‌هایی بین صلاح و کلوپ رد و بدل شد. چنین اتفاقی اصلاً برای باشگاه خوب نیست. طرف مسلمان بازیکنی است که در اغلب بازی‌های لیورپول ترکیب اصلی را تشکیل داده و نیمکت‌نشین بودن او ا عصبانی کرده است. هیچ بازیکنی در سطح او از چنین شرایطی خوشحال نمی‌شود. هیچ کس دوست نداشت شاهد جدال لفظی سرمری و بازیکن کلیدی لیورپول باشد.»

حاشیه

شمیم رضوان



افتخاری دیگر برای بانوان ایران زمین

فرزانه فصیحی در لیگ الماس

فرزانه فصیحی به لیگ الماس دعوت شد. دختری که هیچ علاقه‌ای به دو نداشت و عاشق ژیمناستیک بود، اما اخبار معلم ورزش برای شرکت در مسابقات و مدارس، سرنوشت او را تغییر داد. نخستین حضوری که اگر چه از سر اجبار بود، اما دو مدال طلا را برای فرزانه فصیحی به دنبال داشت. هر چند که به دلیل علاقه شدید به ژیمناستیک یک سال زمان برد تا فصیحی، رسماً به رو روی آورد، اما حالا او نخستین بانو دوومیدانی ایران است که فرصت حضور در لیگ الماس را به دست آورده است.

یکی از بزرگ‌ترین مسابقات رشته دوومیدانی که ورزشکاران مطرح دنیا از سوی مسئولان برگزار می‌شوند و در این دوره که میزبانی آن قطر به عهده دارد، مسئولان برگزار لیگ الماس از فرزانه فصیحی، بانوی دونه‌سری بزرگ دنیا برای شرکت در دو مرحله سوم این رویداد بزرگ دعوت به عمل آوردند.

هشت سال پیش که فرزانه فصیحی موفق به شکستن رکورد مریم طوسی و عبور از سد او در مسابقات داخل سالن ایران شد و جواز حضور در مسابقات داخل سالن قهرمانی آسیا را کسب کرد، بسیاری از ظهور یک استعداد ناب در دوومیدانی ایران خبر دادند، اما شاید خوشبین‌ترین افراد هم تصور نمی‌کردند چند سال بعد این رکورد شکن اصفهانی بتواند نخستین بانوی دوومیدانی ایران باشد که به لیگ الماس، یکی از مسابقات معتبر و حائز اهمیت دوومیدانی دعوت می‌شود.

موفقیتی که فصیحی آن را بسیار ارزشمند می‌خواند: «دعوت به لیگ الماس اتفاق و افتخار بزرگی برای من محسوب می‌شود و خوشحالم که به عنوان نخستین دختر ایرانی می‌توانم در این مسابقات حضور داشته باشم. هشت نفر از دونه‌های بزرگ دنیا برای شرکت در دو ۱۰۰ متر بانوان به این مسابقه دعوت شده‌اند که یکی از آنها من هستم و این خیلی برام ارزش و هیجان انگیز است. البته از آنجا که باید در فاصله مد ما تا شروع المپیک مسابقات تدارکاتی‌ام را شروع کنم، قرار نیست در لیگ الماس به اوج آمادگی بدنی برسم و شرکت در این مسابقه صرفاً جهت حضور و افتخاری است که تصمیم شده است. مهم‌ترین هدفم این است که عملکرد خوبی در المپیک ۲۰۲۴ پاریس داشته باشم.»

فرزانه فصیحی یک هفته‌ای می‌شود که تمریناتش را در بلگراد دنبال می‌کند. او همچنین بعد از رقابت‌های لیگ الماس در قطر، تمریناتش را در ایالتیاد دنبال می‌کند و سپس برای حضور در چند مسابقه تدارکاتی بار دیگر به سرستان بازی می‌گردد تا به لحاظ بدنی خود را همپای حضور در المپیک کند، به همین دلیل و اهمیت حضوری موفق در پاریس است که تأکید دارد در زمان حضور در لیگ الماس به شکلی است که به آمادگی کامل و در واقع همان «پیک بدنی» نمی‌رسد.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت۱۴۰۳ | ۲۰ شوال ۱۴۴۵

سرویس ورزشی ۶۰۸۵۲۳۰



گزارش یک فریدون حسن



احمد عباسی بهترین گلزن و محمدی بهترین دروازه بان

تیم ملی فوتسال ایران با برتری مقابل تایلند عنوان قهرمانی خود در جام ملت‌های آسیا را پس گرفت. عصر دیروز شاگردان شمسایی برخلاف دیدار مقابل شمسایی دیدار پایانی این رقابت‌ها را در حالی مقابل تایلند میزبان برگزار کردند که

تصور می‌شد تیمی قدرتر از تایلند حریف ایران باشد، تیمی مثل ژاپن، اما اتفاقات و شگفتی‌های این مسابقات کار را به چایی رساند که ایران برای پس گرفتن عنوان قهرمانی خود باید از سد میزبان می‌گذشت.

چند دقیقه فوتسال ناب ایرانی و دریل‌ها و یک دوهای جادویی مختص فوتسال ایران کافی بود تا نسخه تایلند مقابل چشم هوادارانیش در سالن بانکوک آرن‌نا پیچیده شود. نمایشی که مدت‌ها بود همه منتظر اجرای

ادامه این نوع بازی در ابتدای نیمه دوم کار خودش را کرد و تایلند را به گل رساند، اما تیم کشورمان خوش شانس بود که حسن‌زاده توپی را که درست روی پایش جفت‌وچور نشده بود به گل سوم ایران تبدیل کرد تا اختلاف همچنان دو گل باقی بماند. با این حال تایلند جلو کشیده بود و این فرصت را به ایران می‌داد تا در ضدحملات به گل برسد. اتفاقی که افتاد و باقر محمدی، دروازه‌بان ایران موفق شد دروازه خالی

کادنیاجدیدی

هیچ غیرممکنی وجود ندارد

پائز: ستاره یعنی در خدمت تیم بودن



من این خیلی خوب است که وقتی بازیکنی حس می‌کند به هر دلیلی آمادگی حضور در تیم‌لی را ندارد صادقانه آن را بیان کند. ما زمان کمی داریم، به همین دلیل خیلی مهم است که بتوانیم کنار هم و برای کسب نتایج خوب کار کنیم. فاکتور عامل ذهنی خیلی مهم است. البته کشورهای دیگر هم تلاش می‌کنند و فشاری که روی ماست، روی دیگران هم هست، اما باور دارم که اگر بازیکنان به جنگندگی لازم برسند، به هدفی که داریم می‌رسیم. من می‌دانم که بازیکنان ایران روحیه جنگندهای دارند و این روحیه از زمان لاسکو به یادگار مانده است، به همین دلیل هم هست که می‌گویم تلاش و جنگندگی از حضور ستاره‌ها اهمیت بیشتری دارد.»

تعریف متفاوت از ستاره

سرمری تیم ملی در پاسخ به سؤال «جوان» به خصوص کشیده شدن کار کسب سهمیه به دقیقه ۹۰ و سخت شدن کار، به‌ویژه بعد از کناره‌گیری برخی بازیکنان مطرح و قدیمی تیم گفت: «وقتی بحث ستاره‌ها مطرح شد،

میزبان را از راه دور باز کند تا ایران ۴ بر یک بگد و بیفتد و در نهایت هم با پیروزی در این دیدار قهرمانی خود در آسیا را که دو سال قبل مقابل ژاپن از دست داده بود پس بگیرد.

علی‌اصغر حسن‌زاده، کاپیتان تیم ملی ایران بعد از کسب عنوان قهرمانی آسیا با تمجید از تیم ملی تایلند و تماشاگران پرشور این تیم گفت: «مز پیروزی ما اتحاد بین بازیکنان و کادر فنی بود. ما از روز اول با هم متحد شده بودیم که برای خوشحالی دل مردم ایران جام قهرمانی را به کشور برگردانیم. برای مردم ایران هر کاری لازم باشد انجام می‌دهیم و امروز هم خدا را شکر می‌کنیم که شرمنده مردم نشدیم.»

وحید شمسایی، سرمری تیم ملی فوتسال کشورمان نیز بعد از کسب عنوان قهرمانی با بیان اینکه در سومین حضورش در تایلند سومین قهرمانی را کسب کرده است، گفت: «پیش از این دو بار به تایلند آمده بودم و به عنوان بازیکن قهرمان جام ملتها شده بودم، امروز اما به عنوان سرمری در این کشور حاضر هستم و خوشحالم که در این کسوت هم به قهرمانی دست پیدا کردم.» شمسایی ادامه داد: «خدا را شاکرم که شرمنده نشدیم. این قهرمانی را به مردم شریف و نجیب ایران و تقدیم می‌کنیم. البته این قهرمانی را از طرف خودم به

پدرم تقدیم می‌کنم.»

در پایان این رقابت‌ها سعید احمد عباسی با هشت گل زده عنوان آقای گلی مسابقات را از آن خود کرد. احمد عباسی همچنین به عنوان بهترین بازیکن مسابقات هم برگزیده شد. علاوه بر این باقر محمدی، دروازه‌بان ایران هم عنوان بهترین دروازه‌بان مسابقات را از آن خود کرد. ضمن اینکه در دیدار رده‌بندی ازبکستان موفق شد با برتری مقابل تاجیکستان در رده سوم قرار گیرد، اما از اتفاقات جالب این مسابقات صعود تاریخی تیم افغانستان به جام جهانی بود.افغانستان با برتری مقابل قرقیزستان

به عنوان تیم پنجم آسیا راهی جام جهانی شد.

قاب

متعصب مثل یامگا



استقلال بازی‌های حساس و مهمی را پیش‌رو دارد. آبی‌ها سا به سنگین پرسپولیس را پشت سر خود احساس می‌کنند و باید شش‌دانگ حواس خود را برای کسب حداکثر امتیازها در بازی‌های باقیمانده به کار گیرند، اما این روزها حضور یک چهره در تمرینات استقلال باعث افزایش روحیه بقیه شده است؛ کوین یامگا بعد از مصدومیت که از ناحیه چشم از ترکیب استقلال بیرون ماند، حالا با حضور در تمرینات خود را آماده نشان می‌دهد تا حداقل به افزایش روحیه تیم کمک کند.

ادراکشت

شیوا نوروزی

کشتی آزاد، لنک یزدانی!

کشتی ایران روزهای حساسی را پشت سر می‌گذارد و تمام این حساسیت‌ها به حسن یزدانی خلاصه می‌شود. فدراسیون یک فرصت ویژه به او داده و همه منتظریم ببینیم که یزدانی آمادگی حضور در المپیک را دارد یا نه.

تا یک سال پیش بار کشتی آزاد روی دوش این ستاره بود و در همه تورنمنت‌های مهم رنگ مدال یزدانی از سایر نقرات اهمیت بیشتری منتشر شد شرایط برگرس شد. فشار مصدومیت یزدانی روی دوش تیم آزاد و حتی کل کشتی کشور افتاد. از همان ابتدا اخبار ضدونقیضی در خصوص بازگشت این ملی‌پوش به تشک مطرح بود. رئیس فدراسیون جراحی کتف را نوعی محافظتی اجباری دانست، اما پزشک یزدانی و خود او نظر دیگری داشتند.

حسن یزدانی آخرین بار در بازی‌های آسیایی هاگنوگو کشتی گرفته و دیگر در هیچ رویدادی شرکت نکرده، حتی بعد از دعوت شدن به اردو به تمرینات نیامد و تمریناتش را در شهر خودش آغاز کرد. در شرایطی که تمرینات آغاز شده و این کشتی‌گیر خودش را آماده حضور در میادین می‌داند، نگرانی از زبات رف کامل مصدومیت یزدانی همچنان وجود دارد.

دیروز فدراسیون کشتی رسماً اعلام کرد حسن یزدانی برای نشان دادن آمادگی خود خردادماه به تنهایی در رقابت‌های رتینگ مجارستان اعزام خواهد شد تا سلامت بدنی و آمادگی جسمانی او برای اعزام به بازی‌های پاریس ۲۰۲۴ با تأیید کادرفنی برسد. در غیر این صورت تصمیم دیگری در مورد نماینده وزن ۸۶ کیلوگرم ایران در المپیک گرفته خواهد شد. در واقع تصمیم فدراسیون نه تنها حواسی و فشار زیاد روی کشتی آزاد را کاهش نداد، بلکه نشان داد شک و شهبه درخصوص بازگشت یزدانی بسیار جدی است. از طرفی کامران قاسمی‌پور دیگر مدعی این وزن کماکان در تمرینات حضور دارد و با جدیت خودش را برای اعزام احتمالی به جای یزدانی آماده می‌کند.

حضور یزدانی در تورنمنت بوداپست میزان آمادگی او را تا حدی روشن خواهد کرد. بالاخره باید در یک مسابقه رسمی مشخص شود ادعای جنجالی علیرضا دبیر درست بوده یا اینکه جراحی کتف یزدانی با جراحی دیگر ستاره‌های کشتی ایران و جهان متفاوت است. با عملکرد درخشان کاپیتان در گذشته و افتخار آفرینی‌های او برای تیم‌لی قطعاً همه دل‌شان می‌خواهد باز هم شاهد درخشش یزدانی در المپیک باشند، ولی یک نکته را فراموش نکنیم؛ آیا شرایط و فشار تورنمنت بوداپست مجارستان قابل مقایسه با بازی‌های المپیک است؟ در صورتی که یزدانی ماه آینده کشتی‌های خوبی بگیرد و عازم پاریس شود، باز هم تصمیمی برای عملکرد خوب او در المپیک نیست. حساسیت‌ها و رقابت شدید بین مدعیان در المپیک به اوج خواهد رسید و این مسئله برای کشتی‌گیری که به تازگی دوران نفاقت را پشت سر گذاشته، شدت‌پذیر هم خواهد بود.

انتظار می‌رود فدراسیون و کادرفنی برای انتخاب نفر نهایی این وزن همه جوانب را در نظر بگیرند. انتظارات از ورزش اول کشور بسیار بالاست و اخیراً هم رئیس فدراسیون در اظهار نظری گرفت یک مدال طلا از المپیک را شاهکار خوانده است! از این اوضاع باید حرفه‌ای و منطقی تصمیم گرفت و سرنوشت مدال یک وزن را به حضور یا عدم حضور حسن یزدانی گره نزد. این کشتی‌گیر سال‌هاست که هم در میدان مبارزه موفق بوده و دل مردم را شاد کرده و هم خراج از گود رفتار حرفه‌ای و مردمی داشته است. اهمیت حضور در المپیک کسبی پوشیده نیست و این مهم آرزوی همه ورزشکاران جهان است. امیدواریم اعزام یزدانی به پاریس آبروی حرفه‌ای و سلامت این ورزشکار را به خطر نیندازد. ضمن اینکه موفقیت تیم‌لی باید اولویت اصلی باشد و این مهم با اعزام بهترین و آماده‌ترین نقرات و بدون در نظر گرفتن نام و سوابق‌شان محقق خواهد شد.

بانان کار جوانان دونه‌با ۲ مدال در آسیا

تیم ملی دوومیدانی جوانان ایران با کسب تنها دو مدال به کار خود در رقابت‌های قهرمانی جوانان آسیا پایان داد. مسابقات دوومیدانی قهرمانی جوانان آسیا از پنجم اردیبهشت به میزبانی امارات برگزار و تیم ایران با ۹ ورزشکار راهی این مسابقات شد. در پایان رقابت ۹ نماینده ایران تنها دو مدال طلا و نقره به دست آمد. نازنین فاطمه عبدیان در دو ۴۰۰ متر مانع ضمن شکستن رکورد ملی جوانان و بزرگسالان ایران برای اولین بار یک مدال تاریخی به رنگ طلا کسب کرد.

عبدیان موفق شد با ثبت حد نصاب ۵۸/۸۶ تانیه زودتر از سایر رقبای خود از خط پایان عبور کند و مدال طلای این رقابت‌ها را به دست آورد. این برای اولین بار است که دختران دوومیدانی ایران نتوانسته‌اند در قهرمانی جوانان آسیا مدال طلا کسب کنند. مهدی هفت چشمه هم در رقابت ماده پرتاب چکش با ثبت حد نصاب ۶۶/۶۴ متر در جایگاه دوم ایستاد و به مدال نقره دست پیدا کرد.

ادبیات

تولید خشونت در لوای و لنکاری فرهنگی



سردار جلیل موقوفه‌ای فرمانده‌تنظامی استان سمنان

خشونت روانی در عرصه‌بدجراحی و برهنگی، آثاری عمیق در جامعه‌به‌جای می‌گذارد که تبعات آن در جامعه و روی افراد برجای خواهد ماند. خشونت آفری ضدهنجار و عملی مخرب در فرآیند توسعه‌زندگی فردی و جمعی است و می‌تواند به‌بسیاری از روابط در حوزه‌های خرد و کلان آسیب وارد کند، ولی آنچه از خشونت در افکار عمومی و ادبیات اجتماعی مطرح می‌شود، غالباً خشونت فیزیکی و کلامی است که در عناوینی مثل ضرب و جرح، فحاشی و مزاحمت تعریف و پیگیری می‌شود و بیشتر معطوف و محدود به دو گروه زنان و کودکان در بسنتر خانواده و جامعه شده‌است. وجوه‌دیگراین پدیده‌مانند خشونت جنسی، خشونت مجازی و عاطفی اخیراً به آن پرداخته شده و کارشناسان و عموم جامعه این ابعاد را زیر دربین خود برده‌اند، ولی ابعاد و وجوه دیگری از خشونت نیز وجود دارد که باهرغم گستره عظیم و قدرت اثربخشی عمیق آنها بر فرد و جامعه، کمتر بدان‌ها پرداخته می‌شود، در جمله خشونت روانی و جنسی گسترده که با رواج بی‌حجابی و در پوشش آزادی فرهنگی قرار گرفته و به تبعات مخرب آن بر فرد، خانواده و روابط عاطفی و خانوادگی هیچ‌گونه اهمیتی داده‌نمی‌شود.

این بعد از خشونت به مراتب مخرب‌تر از خشونت‌های آشکاری است که روزانه و مستمر توسط قوای قانونی و قضایی کشور کنترل می‌گردد، چراکه خشونت آشکار غالباً به‌درگیری مستقیم و فیزیکی دو یا چند تن محدود و محدود می‌شود، ولی خشونت روانی جاری در عرصه بدجراحی و برهنگی، آثاری عمیق، گسترده و گاهی نسلی در جامعه می‌گذارد که تبعات آن بر فرد، روان، روابط، خانواده و اجتماع متعلق به وی به‌جای خواهد ماند. از همین منظر ساختار مدیریتی جامعه همانگونه که با خشونت آشکار با جدیت مقابله می‌کند از منظر حراست از امنیت روانی، عاطفی و جنسی در جامعه موظف‌است با خشونت ناشی از رواج برهنگی و بی‌حجابی در جامعه نیز مقابله کند.

بدیهی‌است، پایه‌های چنین رفتار خشونت‌باری در فرهنگ عمومی جامعه نهادینه است و نهادهای مسئول در این زمینه مسئولیت‌سنگینی برعهده دارند.

کشف جسد بی‌سر در بزرگراه همت

مأموران پلیس تهران جسد بی‌سر مرد جوانی را در بزرگراه همت کشف کردند که به طرز دلخراشی به قتل رسیده‌بود. به گزارش «جوان»، ساعت ۷ صبح روز جمعه مقتدم اردیبهشت مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد جسد بی‌سر مردی را در بزرگراه همت شرق به غرب ورودی خیابان کن پیدا کرده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری کن به محل حادثه رفتند. مأموران در فضای سبز کنار بزرگراه زیر درختی با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که سر در بدن نداشت. مقتول شلوار یک تن داشت و بالای تنه آن لخت بود و روی هر یک شانه‌هایش به یک عدد ستاره خالکوبی شده‌بود. روی سینه‌اش هم دو تیر به شکل ضربید خالکوبی شده‌بود. در تن‌پیمایی از جسد متوجه شدند وی با ضربه چاقویی به شکمش در محل دیگری به قتل رسیده و عامل یا عاملان قتل پس از قتل و بریدن سرش جسد را بسته و به این مکان منتقل کرده‌اند. بررسی‌های حکایت از آن داشت مقتول کارگر است و به احتمال زیاد در یکی از کارگاه‌های اطراف محل کشف جسد به قتل رسیده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، برای شناسایی مقتول، تحقیقات درباره این حادثه از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.



پیدا شدن جسد مادر و دختر پولدار در برج مسکونی

مأموران پلیس تهران جسد مادر و دختری را در محل زندگی‌شان در برج مسکونی در شمال تهران کشف کردند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بودند. به گزارش «جوان»، صبح دیروز یک‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه، بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران با تماس مأموران پلیس از مرگ مشکوک یک مادر و دختر در خانه‌شان حوالی خیابان جردن باخیر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در یکی از واحدهای برج مسکونی با جسد زن ۷۵ساله و دختر جوانش روبه‌رو شد که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بودند. بررسی‌ها نشان داد این مادر و دختر با هم زندگی می‌کردند و اسفندماه سال گذشته هم از نسوی یکی از بستگانشان اعلام مفقودی می‌شوند.

برادرزاده زن فوت شده گفت: «عمه‌ام همراه دخترش زندگی می‌کرد و من گاهی به آنها سر می‌زدم.از اسفندماه سال قبل از رفتن خبر بودم و احتمال دادم برای مسافرت به خارج از ایران رفته باشند. مدتی از آنها بی‌خبر بودیم و وقتی از آنها ردی پیدا نکردیم، نگران شدیم و به خانه‌اش آمدم و با پلیس در خانه آنها راباز کردیم و با جسد عمه‌ام و دخترش روبه‌رو شدیم.»

مأموران پلیس همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ، دریافتند مادر و دختر پولدار تعدادی خانه داشتند که آنها را اجاره می‌دادند و با کسی هم اختلافی نداشتند. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان حادثه از سوی کارآگاهان جنایی ادامه دارد.

■ **غلامرضا مسکنی**

مردی که داخل اتوبوس شهری یکی از مسافران را با زنجیر کتک زده‌بود، دستگیر شد و با حضور در محل حادثه صحنه جرم را بازسازی کرد.
اواخر اسفندماه سال گذشته فیلم کوتاهی از مرد جوانی در فضای مجازی پخش شد که داخل اتوبوس شهری با زنجیر مرد میانسالی را به شدت کتک می‌زد. مرد خشمگین زنجیر به دست مقابل چشمان مسافران با بی‌رحمی تمام، زنجیر به سر و صورت مرد میانسال می‌کوبید. مسافران وحشتزده فقط نظاره‌گر حادثه دلخراش بودند و از ترس جرئت نداشتند مانع ضرب و جرح مرد میانسال شوند و فقط افراد خودشان را خم و راست می‌کردند تا زنجیرهای آهنین مرد خشن به بدن آنها برخورد نکند. دقایقی کتک کاری با زنجیر ادامه داشت و به نظر می‌رسید عامل ضرب و جرح خسته شده و مرد مصدوم را رها کرده‌است. در میان مسافران مرد سالخورده‌ای که موهایش سفید شده‌بود، تنها فردی بود که به مرد زنجیر به دست اعتراض کرد و او هم از زنجیرهای وی بی‌نصیب نماند و در نهایت هم ضارب پس از توقف اتوبوس همراه همدستانش به سرعت از اتوبس پیاده شد و از محل گریخت.

■ **شناسایی**

پخش فیلم خشن در فضای مجازی نگرانی‌های زیادی را در بین شهروندان به‌وجود آورده‌بود و این سؤال مطرح می‌شد چطور مردی در روز روشن و مقابل چشمان مردم در م‌اعلام اینگونه وحشیانه و وقیحانه با زنجیر به جان فردی افتاده و او را کتک می‌زند. در حالی که به سرعت کلیپ کتک کاری در بین مردم دست‌به‌دست می‌یشد، کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت برای شناسایی عامل ضرب و جرح وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه روز ۲۵ اسفندماه داخل اتوبوس تندروی خط تهرانپارس به میدان آزادی در نزدیکی ایستگاه بیمارستان بوعلی رخ داده و مرد مصدوم هم در بیمارستان بوعلی تحت درمان است.

کارآگاهان پلیس آگاهی در بررسی‌های فنی خیلی زود موفق شدند عمل اصلی را به نام بنهم شناسایی کنند. وقتی مأموران به محل زندگی او رفتند، دریافتند متهم پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته‌است. بدین ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت چند روز قبل مخفیگاهش در یکی از شهرهای غربی شناسایی شد و به دام افتاد.

■ **بازسازی صحنه**

در حالی که تحقیقات برای دستگیری همدستان وی ادامه دارد، مأموران پلیس تهران متهم را ساعت

■ **غلط کردم**

متهم مرد ۳۰ساله‌ای است که پس از حادثه به یکی از شهرهای غربی فرار کرد و در یکی از روستاها مخفی شد، به امید اینکه دست پلیس به او نمی‌رسد و خودش می‌گوید فکر نمی‌کردم مأموران پلیس مرا به این زودی دستگیر کنند و به محل حادثه بازگردانند. وقتی در بین خبرنگاران و عکاسان قرار گرفت، گریه می‌کرد و با صدای بلند می‌گفت غلط کردم.

■ **بهنم سابقه داری؟**

نه، من سابقه ندارم و اولین‌بار است که به اتهام ضرب و جرح دستگیر شدام.

■ **اعتیاد داری؟**

نه معتاد هم نیستم.

■ **چرا آن روز مرد میانسال را داخل اتوبوس با زنجیر کتک زدی؟**

او به من فحاشی کرد و ته‌مت زد، من هم عصبانی شدم و او را کتک زدم.

■ **چه تهمت‌ی زد؟**

اول اینکه فحاشی کرد و مردی که کنارم بود، فکر کنم افتاب بود، به من گفت آن مرد به تو فحاشی می‌کند و تهمت دزدی می‌زند، او به

حوادث

سرس حوادث ۶۰۴۸۵۲۴

مادر دینا با قتل فرزند بیمارش اعتراف کرد

پرونده دینا، دختر بچه ۱۱ساله اصفهانی که از بیماری اوتیسم هم رنج می‌برد با اعتراف مادرش به قتل کودک وارد مر حله تازه‌ای شد.

سرهنگ حسین ترکیان، رئیس پلیس آگاهی اصفهان گفت: چهارم ادیبهشت‌ماه بود که اعضای خانواده‌ای گم‌شدن دختر بچه ۱۱ساله‌شان را به پلیس اصفهان گزارش دادند. آنها گفتند دختر بچه که دینا نام داشت به طرز مشکوکی ناپدید شده‌است. بنا به حساسیت پرونده، تیمی از کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی در این باره تحقیق کردند. اعضای خانواده دختر بچه به پلیس گفتند که دینا به بیماری اوتیسم مبتلا بود. روز حادثه مادر دینا بچه را با خودروی شخصی‌اش به خانه می‌آورد. دینا مقابل خانه پیاده می‌شود و مادر خودرو را به داخل پارکینگ می‌برد، اما وقتی

برمی‌گردد متوجه می‌شود خبری از بچه نیست. برای همین پلیس را ماجرا باخبر می‌کند. اعضای خانواده دینا به پلیس گفتند به کسی مظنون نیستند و احتمال می‌دهند در همان زمان سرنشینان



یک خودرو کودک را رپوده باشند.

وقتی تحقیقات پلیس با تحقیقات میدانی نشان داد که سناریوی آذمریابی منفی است، مادر دینا را به عنوان مظنون بازداشت کردند. او در جریان تحقیقات گفت از ماجرای گم‌شدن کودک خبری ندارد، اما سرانجام روز گذشته به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. متهم گفت: «من به جز دینا صاحب فرزندی دیگر هم هستم. روز حادثه بود که تصمیم به قتل دینا گرفتم. بچه‌ام را به باغی متروکه در بیرون شهر بردم و او را با ضربات چاقو به قتل رساندم. بعد هم جسدش را آتش زدم و به اداره پلیس رفتم و گم‌شدن او را گزارش دادم.»

با اعتراف متهم و با نشانی‌هایی که او در اختیار پلیس گذاشت، کارآگاهان راهی محل شدند و بقایای جسد سوخته را کشف کردند. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای بررسی انگیزه جرم در جریان است.

زنجیر کش اتوبوس تندر و به محل جرم بازگشت



۱۱ صبح دیروز یک‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه برای کسستن هیمنه پوشالی‌اش و نشان دادن اقتدار پلیس در برخورد با ارادل و اوباش برای بازسازی صحنه حادثه به خیابان دماوند حوالی بیمارستان بوعلی منتقل کردند. وقتی خودروی حامل متهم به محل حادثه رسید تعداد زیادی خبرنگار و عکاس و تعدادی مأمور پلیس در محل حاضر بودند. دقایقی بعد هم سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده‌تنظامی تهران بزرگ و سردار ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند.

■ **گریه‌ها و التماس‌ها جواب نداد**

شاک‌ی هم که ۴۴ روز قبل در همین محل زنجیرهای مرد خشن سرش را شکافته و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌بود، به محل حادثه آمد و از نزدیک شاهد به غلط کردن مرد شرور بود. وی در توضیح ماجرا گفت: «من کارمند اداره‌ای هستم و خانم‌ام در یکی از خیابان‌های غربی تهران است. هر روز از محل کارم سوار اتوبوس‌های تندرو می‌شوم و به خانم‌ام می‌روم. روز حادثه ۲۵ اسفندماه بود و ساعت ۷بعد از ظهر سوار اتوبوس شدم. چند باری روزهای قبل مرد شرور را همراه تعدادی از همدستانش دیده‌بودم که در ازحام جمعیت وقتی مسافران سوار می‌شوند، اقدام به کیف‌چاقویی و موبایل‌چایی می‌کردند. آن روز هم وقتی سوار اتوبوس شدم، دوباره متهم را دیدم و پس از یکی دو ایستگاه از اتوبوس پیاده و دوباره سوار شد و خودش را به مسافران می‌چسباند تا اقدام به سرعت

مسافران اتوبوس می‌گفت من سارق هستم و همین موضوع مرا عصبانی کرد.

■ **اما آن مرد قبلاً هم دیده‌بود که شما داخل اتوبوس با همدستانت سرعت**

می‌کنی؟

من اصلاً سارق نیستم و همدستی هم ندارم. اگر پرونده مرا بررسی کنند، می‌بینند من هیچ سابقه‌ای ندارم.

■ **اما مسافران همدست تو را دیده‌اند؟**

نه‌اون همان مرد افغان بود که کنارم ایستاده‌بود و به من گفت شاک‌ی به تو فحاشی کرده‌است.

■ **شما در تهران دوستی ندارای؟**

من اهل یکی از شهرهای غربی کشور هستم و در تهران فقط یک دوست دارم که مسافر کشی می‌کند. آن روز هم او مرا بسا خودرویش تا ایستگاه اتوبوس رسانده‌بود.

■ **برای چه به تهران آمده بودی؟**

شب عید بود و می‌خواستم برای زن و فرزندم آجیل بخرم و به شهرمان ببرم. یکی از دوستانم گفت آجیل در تهران ارزان‌تر از شهر ماست و من به تهران آمدم.

کرد. شوهر وی دکتر فرید شوهر پور هم که

فوق تخصص چشمم بود، هر دو کلیه‌اش از کار افتاده و هم‌اکنون در کما است. براساس این گزارش تعداد زیادی از میهمانان نیز که شامل چندین متخصص قلب، زنان و

چشم بودند نیز دچار نارسایی شدید کلیه و

دیالیزی شدند.

شیده‌ها حاکی از آن است که عامل فروش این مشروبات الکلی دست‌ساز نیز دستگیر شده‌است.

ادبیات

درباره پابند الکترونیک



حسن فصیحی

دبیر گروه حوادث

نصب پابند الکترونیک نمی‌تواند

مانعی برای بروز عمل مجرمانه باشد به این معنا که هر مجرمی که پابند الکترونیک به پا دارد، بعد از زهای از زندان هم می‌تواند به چرخه سرتقت بازگردد و تا زمانی که بازداشت نشده در این چرخه باقی بماند. برداشتن محدودیت تردد برای این دسته از مجرمان فرصت از تکاب دوباره عمل مجرمانه را بالاتر هم می‌برد. مثلاً بسیاری از سارقانی که در تهران مشغول کارند اهل شهرستان هستند. اگر محدودیت تردد برای سارقان وجود داشته باشد، اعضای از این باندها که پابند به پا دارند، نمی‌توانند در این سرتقاها حاضر شوند این یعنی فرصت از تکاب جرم از آنها گرفته می‌شود. این موضوع در مورد پایتخت که دارای مناطق بسیاری است هم صدق می‌کند. مثلاً مجرمی که اجازه تردد در منطقه ۷ تهران را داشته باشد، امکان از تکاب جرم او کاهش پیدا می‌کند و تسلط پلیس هم بر او بیشتر می‌شود. او نگاه قانون را روی رفتار خودش بیشتر از زمانی احساس خواهد کرد که بخواهد بدون محدودیت تردد کند.

موضوع دیگر کنترل دشوار مجرمان با برداشتن محدودیت تردد است. روشن است کنترل کردن مجرمان در یک محدوده جغرافیایی آسان‌تر از کنترل آنها بدون محدودیت تردد است. در واقع با تردد یک مجرم از شهر یا استانی به شهر یا استان دیگر بار اضافی از یک شهر یا استان به شهر یا استان دیگر منتقل می‌شود، خصوصاً شهرهایی که امکان بروز اعمال مجرمانه در آنها وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد این طرح یک معضل دیگری را با خود حمل می‌کند؛ مشمولان این طرح مجرمانی هستند که دارای سوابق متعددی باشند. روشن است سارقان سابقه‌دار نسبتب به سارقانی که برای اولین بار پایشان به زندان باز شده، خطر بیشتری دارند. در چنین وضعیتی بهتر بود ساختار قانونی این امتیاز را در اختیار سارقانی قرار می‌داد که برای اولین بار مرتکب سرتقت شده‌اند. بسیاری از افرادی که برای اولین بار مرتکب سرتقت می‌شوند در زندان به عضویت باندهای سرتقت درمی‌آیند و در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی که در زندان‌ها برگزار است، شرکت می‌کنند. اولین تجربه زندان بیش از اینکه مایه تیراج مجرم شود فرصت‌های از تکاب جرم بیشتری را برایش فراهم می‌کند. از همین رو آزاد کردن آنها با پابند الکترونیک هم خطر کمتری را برای جامعه به همسراره دارد و هم فرصت‌های اعمال مجرمانه بیشتری را از آنها سلب می‌کند.

موضوع دیگر اینکه در اجرای این طرح بیش از هر چیز تلاش برای کاهش جمعیت کیفری مورد توجه قرار گرفته‌است. فردی که مرتکب جرم می‌شود باید دو از جامعه و در زندان نگه داشته شود. تردیدی وجود ندارد جامعه از زندانی بودن مجرم خطرناک بیشتر از آزاد بودنش با پابند الکترونیک احساس امنیت می‌کند. آن هم مجرمی که وقتی پایش را از زندان بیرون می‌گذارد، می‌تواند بدون داشتن محدودیت تردد کند.

بازداشت دزدان طلاهای ۳۰ میلیاردی

فرمانده انتظامی استان البرز از دستگیری سه سارق طلا به ارزش ۳۰ میلیارد تومان خبر داد.

سردار حمید دلدان گفت: همزمان با اعلام خبر سرتقت کیف حاوی طلاهای ارزشی از فردی در محدوده کلاک، مأموران کلانتری ۴۰ با حضور در صحنه، تحقیقات میدانی این پرونده را انجام و دستگیری سارقان را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند.

وی افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد شاک‌ی این پرونده برای خرید جام طلای عتیقه به محلی در محدوده کلاک در حال حرکت بوده که سه نفر با سلاح سرد او را تهدید و کیف حاوی پرونده را سرتقت می‌کنند.

فرمانده انتظامی استان البرز اظهار داشت: کیف به سرتقت برده شده حاوی تعداد زیادی سکه، ارز و شمش طلا در مجموع به ارزش ۳۰ میلیارد تومان بود.

این مقام انتظامی بیان داشت: مأموران کلانتری با بررسی صحنه وقوع جرم و به کارگیری اقدامات فنی و پلیسی، سارقان را شناسایی می‌کنند و بسا هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی آنها را دستگیر و از مخفیگاهشان تمامی اموال مسروقه را کشف کردند.

دستگیری مرد میانسال به اتهام قتل همسرش

تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران درباره مرگ مشکوک زنی که جسدش در حمام خانه‌شان کشف شده‌بود، با دستگیری شوهرش وارد مر حله‌ای تازه شد.

اوایل فرودین ماه، مردی میانسال با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش مرگ مشکوک همسرش را اعلام کرد. بعد از آن بود که تیمی از مأموران پلیس راهی خانه او در محله لویسان شدند. مأموران پلیس در حمام خانه با جسد زنی میانسال مواجه شدند که آثار خراشیدگی روی مح دست و پاهایش معلوم بود.

تحقیقات نشان می‌داد که احتمالاً زن میانسال به دلیل فشار روی عناصر حیاتی گردن به کام مرگ رفته‌است. همزمان با حضور بازپرس جنایی و کارآگاهان پلیس آگاهی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات ادامه پیدا کرد. شوهر او در اولین تحقیقات گفت: همسرم به حمام رفته‌بود که صدای افتادنش را شنیدم. وقتی خودم را رساندم، دیدم به زمین سقوط کرده و دچار حادثه شده‌است که به پلیس و اورژانس خبر دادم. از آنجا که مرد میانسال ادعاهای متناقضی را مطرح کرده‌بود، به دستور بازپرس بازداشت شد. تحقیقات در این‌باره جریان دارد.

رئیس‌جمهور اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، در جریان دیدار با نخست‌وزیر اسرائیل، یائیر لاپید، در دفتر کار خود در تل‌آویو، ۲۰ آوریل ۲۰۲۳.

ظاهر اسرائیل دارد بی‌سابقه‌ها را یکی بعد از دیگری تجربه می‌کند. ۱۷ اکتبر عملیاتی بی‌سابقه بود. اعتراضات جهانی علیه جنگ غزه سابقه نداشت. حمله موشکی – پهبادی ایران به اسرائیل بی‌سابقه بود. اعتراضات ضد اسرائیلی دانشگاه‌های امریکا بی‌سابقه است. حالا هم دادگاه بین‌المللی کیفری (ICC) زیر فشار بی‌سابقه قرار گرفته تا صدور حکم علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و سایر مقام‌های رژیم صهیونیستی را متوقف کند. دادگاه بین‌المللی کیفری در این باره هم در آستانه یک تصمیم تاریخی برای صدور حکم درباره نسل‌کشی (Genocide) رژیم صهیونیستی است که دست کم در تئوری می‌تواند سفر خارجی مقام‌های اسرائیلی را با چالش روبه‌رو کند. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی البته حکم نسل‌کشی احتمالی را «ریساکاری» خوانده و گفته که «اگر لازم باشد به خارج نمی‌رویم.»

■ ■ ■

به گزارش «جوان»، کریم خان، دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری در معرض یک تصمیم تاریخی قرار دارد. او که بیش از این در ماه نوامبر سال ۲۰۲۳ گفته بود دیوان کیفری در لاهه در حال انجام تحقیقاتی درباره جنایات جنگی احتمالی در کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس شرقی مربوط به رویدادهای بعد از ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ است، اخیراً گفته که این تحقیقات به شرایط بعد از ۱۷ اکتبر و حمله اسرائیل به غزه نیز گسترش یافته است. در ماه ژانویه هم، این دادگاه اعلام کرد که اسرائیل «به‌طور قابل‌ تصدیقی» در حال نسل‌کشی در غزه است. اسرائیلی‌ها انتظار دارند اوایل هفته آینده، دیوان حکمی درباره نسل‌کشی مقام‌های این رژیم صادر کند؛ چیزی که با واکنش تند آنها روبه‌رو شده است. نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز جمعه در توتنی نوشت: «تحت رهبری من، اسرائیل هرگز هیچ تلاشی را از سوی دادگاه کیفری لاهه برای تضعیف حق اساسی دفاع از خود نمی‌پذیرد. تهدید علیه سربازان ارتش اسرائیل و شخصیت‌ها در اسرائیل، تنها دموکراسی در خاورمیانه و تنها دولت یهود در دنیا، رسوایی دارد و ما تسلیم آن نخواهیم شد.» بسیاری، پیام نتانیاهو را تهدید دادگاه کیفری خوانده‌اند که ظاهراً قرار است علاوه بر نتانیاهو، شامل یووا و گالاتت وزیر جنگ و هر تزی هالوی

فشار بی‌سابقه برای منع نسل‌کشی علیه اسرائیل

پروالملل

سرویس بین‌الملل ۰۶۰۸۵۳۳۰



رئیس ستاد ارتش شود. وقتی دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت برای فرد یا افرادی صادر می‌کند، به این معنی است که دادستان به دادگاه ثابت کرده که دلایل معقولی وجود دارد که معتقد است نسل‌کشی محقق شده و افرادی که در این حکم نام برده شده‌اند مسئول آن هستند و متهم به نسل‌کشی و اگر به کشوری که عضو دیوان کیفری بین‌المللی است سفر کنند، دستگیر می‌شوند. اغلب اوقات این طور تصور می‌شود که احکام دستگیری صرفاً از نظر نمادین بسیار مهم است ولی این احکام، تأثیرات عملی نیز دارند. صدور حکم دادگاه همچنین به این معناست که کشورهایی که با محکوم نسل‌کشی همکاری می‌کنند نیز در حال همکاری

با یک مرتکب به نسل‌کشی هستند و از این نظر، بر کشورهای هم تأثیر می‌گذارد که با رژیم صهیونیستی همکاری می‌کنند. ■ **استرس غیرعادی**
اموس هارل، تحلیلگر «هاآرتص» نوشته که اسرائیل با این فرض کار می‌کند که کریم خان، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری به احتمال زیاد ممکن است این هفته حکم بازداشت نتانیاهو، یووا و گالاتت وزیر دفاع و هر تزی هالوی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل را صادر کند. همچنین منابع نزدیک به کابینه رژیم صهیونیستی به تأیید اسرائیل گفته‌اند که تل‌آویو چند روز است که تلاش گسترده‌ای شروع کرده تا صدور حکم بازداشت

۱۵ جوان | شماره ۲۰۱۵

فشار بی‌سابقه برای منع نسل‌کشی علیه اسرائیل

نوشته که نتانیاهو به دلیل نگرانی از احتمال صدور حکم بازداشت علیه او و دیگر مقام‌های اسرائیلی، «تحت استرس غیرعادی» قرار دارد و یک «فشار بی‌وقفه از طریق ارتباط تلفنی» برای جلوگیری از صدور حکم بازداشت به ویژه بر دولت جویا بدین، رئیس‌جمهور امریکا وارد می‌کند. معاریو هم نوشت که نتانیاهو تماس‌های زیادی با طرف‌های مختلف به ویژه امریکا برای مناعت از صدور حکم بازداشت خود برقرار کرده است.

■ **لازم باشد بیرون نمی‌رویم**

علاوه بر اسرائیل، به نظر می‌رسد دست‌کم امریکا و انگلیس نیز کمین گسترده‌ای برای جلوگیری از صدور حکم ICC به راه ب‌انداخته‌اند. روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال در سرمقاله‌ای در روز جمعه از ایالات متحده و بریتانیا خواست مداخله کنند و نوشت: «مزدی آقای خان (در دادگاه) با حمایت زادگاهش بریتانیا و حمایت ایالات متحده انجام شد، بنابراین اگر هر دو به جناب خان همدار دهند که اگر به سمت جلو حرکت کند، ممکن است چه اتفاقی بیفتد، تأثیرگذار است.» وال استریت ژورنال نوشت: «اگر این کار را نکنند، پرزیدنت بایدن و نخست‌وزیر ریشی سوناک با این خطر مواجهند که امریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها را در جایگاه بعدی قرار دهند.» صفحه عبری بانو ماگال از حامیان نتانیاهو نیز نوشت: «اگر بایدن به خود نیاید و دادگاه کیفری در لاهه را متوقف نکند، از جمله در صورت لزوم (همان‌طور که ترامپ انجام داد) با تهدید به تحریم‌های شخصی علیه رؤسای دادگاه، ممکن است حکم‌های بازداشت بین‌المللی برای نتانیاهو، گالاتت و هالویو در این هفته صادر شود.» با وجود همه استرس‌هایی که رهبران اسرائیلی با آن مواجهند، آنها می‌گویند که گفته می‌شود محور اصلی حکم ICC این است که اسرائیل «همدا به فلسطینیان در غزه گرسنگی می‌دهد»، ناداوشوانی، یک سخنگوی ارتش اسرائیل، روز شبات (شنبه تعطیل) یک جلسه هم سابقه برگزار کرد تا برای خبرنگاران خارجی توضیح دهد که اسرائیل از اسکله موقت بشردوستانه در نزدیکی رفح حمایت می‌کند، تا زمینه‌ای شود برای تلاش‌های سازمان یافته تغییر در تصمیم دیوان برای صدور حکم ارتکاب نسل‌کشی علیه فلسطینیان. بن کاسپیت، در سایت والا

رویکرد

بسته جدید پارسی

برای نجات تل آویو از چنگال حزب‌الله

اسرائیل درخواست کرده که آرامش در مرزهای شمالی برقرار شود تا شهر کنشینان بتوانند بدون رعب و وحشت از حملات موشکی به خطوط مرزی بازگردند. پیش‌تر شبکه «المیادین» به نقل از منابع آگاه خبر داده بود که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از «مانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه خواسته که از تشدید عملیات‌های حزب‌الله در خطوط مرزی فلسطین اشغالی جلوگیری کند. مقاومت اسلامی لبنان اخیراً عملیات‌های خود را علیه مواضع ارتش اسرائیل تشدید کرده است. حزب‌الله دیشب در حمایت از مردم فلسطین با دست کم ۳۰ موشک و راکت پایگاه اسرائیلی «مرون» را در شمال فلسطین اشغالی مورد تهاجم قرار داد. حزب‌الله پیش‌تر تأکید کرده است که تا زمان توقف جنگ در نوار غزه و برقراری آتش‌بس در این منطقه وارد هیچ گونه گفت‌وگویی نخواهد شد. حملات دامنه‌دار حزب‌الله به اراضی اشغالی در ماه‌های اخیر، سبب شده ۷۰ هزار شهروند فلسطینی از مرزهای لبنان فرار کنند و همین مسئله جالش جدی را برای تندرهای تل آویو به وجود آورده است. تحرکات پاریس در حالی است که در هفته‌های اخیر سلاح‌های حزب‌الله تواتسته از سامانه گنبد آهنین عبور کرده و ضرباتی راه مواضع نظامی و حساس اسرائیل وارد کنند که رسانه‌های عبری آن را نشانه‌ای از دست دادن بازدارندگی در برابر مقاومت لبنان می‌دانند.

■ ■ ■

در حالی که رهبران حزب‌الله بارها گفته‌اند تا زمانی که ماشین کشتار اسرائیل در غزه ادامه دارد، آنها نیز حملات خود علیه سرزمین‌های اشغالی را متوقف نخواهند کرد، حامیان غربی تل آویو دوباره دست به کار شده‌اند تا شاید بتوانند صهیونیست‌ها را از معرکه نجات دهند. شبکه «فرانس ۲۴» گزارش داد که «استفان سژورنی» وزیر خارجه فرانسه روز یک‌شنبه وارد بیروت شد. وزیر خارجه فرانسه پیش‌تر طرحی را برای جلوگیری از تشدید تنش در خطوط مرزی لبنان مطرح کرده بود که در آن از حزب‌الله خواسته شده بود مذاکرات خود را به فاصله ۱۰ کیلومتر از خطوط مرزی دور و در مقابل اسرائیل نیز حملات خود را به خاک لبنان متوقف کند. فرانس ۲۴ اشاره کرد که این طرح هیچ پیشرفتی تاکنون نداشته اما پاریس در تلاش است روند گفت‌ووها احقاق کند و در گفت‌وگو با «مقامات لبنانی تأکید کند که تهدیدات اسرائیل در مورد انجام عملیات نظامی در جنوب لبنان باید جدی گرفته شود.» بر اساس گزارش فرانس ۲۴،

پرونده

آن‌روا: شمار کودکان شهید غزه

بیشتر از جنگ‌های ۴ سال دنیا است



آژانس امداد رسانی و کارهای سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی(آن‌روا) آمار هولناکی را از تعداد کودکان شهید در نوار غزه منتشر کرد که نشان می‌دهد تعداد شهدای کودک در غزه از تعداد کودکان کشته شده در جنگ‌های چهار سال اخیر بیشتر است. ■ ■ ■

همزمان با تداوم جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، آمارهایی که از وضعیت انسانی در این باریکه منتشر می‌شود فاجعه‌بار است. فیلیپ لازارینی، رئیس آژانس امدادرسانی و کارایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی روز یک‌شنبه در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری تساس، تأکید کرد: در شرایط جنگی، رسیدن به عدد دقیق بسیار دشوار است اما معتمد ارقام درباره میزان کشته‌شدگان در غزه، تصور نسبتاً منطقی در اختیار ما قرار می‌دهد و این آمار دهشتناک است. وی افزود: کشتن بیش از ۳۰ هزار نفر ظرف شش ماه، بی‌سابقه است. ما می‌دانیم که در بین آنها ۱۳ هزار کودک وجود دارد. این راه می‌دانیم که شمار کودکان کشته شده در غزه در شش ماه، بیشتر از تمام قربانیان سراسر جهان در چهار سال اخیر است! لازارینی تأکید کرد: بنابراین موضوع هم از لحاظ آماری و هم از حیث سطح ویرانی، بی‌سابقه است. امروز اگر به تعداد کارمندان آن‌روا که در نوار غزه کشته شده‌اند (۱۸۰۰ نفر) دقت و آن را با شمار کارمندان ما در غزه یعنی ۱۳ هزار نفر مقایسه کنیم و سپس به شمار کشته‌شدگان در سراسر نوار غزه نگاهی بیندازیم و آن را با کل جمعیت در

جانشین

«ارباب دانشجویان»

برای مقابله با گسترش اعتراضات

صد صهیونیستی در امریکا

مقامات امریکا که خیزش دانشجویان حامی فلسطین در سراسر این کشور را تهدید جدی برای رژیم صهیونیستی قلمداد می‌کنند برای جلوگیری از این موج عظیم، معترضان را به تشکیل پرونده انضباطی تهدید کرده‌اند و گفته می‌شود فضای امنیتی سنگینی در دانشگاه‌ها حکم است و مخالفان خود را برای بدترین سناریو آماده کرده‌اند.

با افزایش مخالفت‌های ضدصهیونیستی در دانشگاه‌های امریکا، مقامات این کشور به هر حربه‌ای متوسل می‌شوند تا این اعتراضات را در نطفه خفه کنند. پس از سرکوب گسترده دانشجویان و اساتید دانشگاه توسط پلیس امریکا، اکنون گزینه‌های دیگری هم برای ارباب معترضان در دستور کار قرار گرفته است. به نوشته العالم، رئیس دانشگاه هاروارد دانشجویان را تهدید کرده که در صورت تداوم اعتراضات، آنها را به کمیته انضباطی ار جاع خواهد داد اما همین اقدامات تنبیهی هم تأثیری در کاهش اعتراضات نداشته است. دانشجویان دانشگاه هاروارد بدون توجه به این تهدید، در اعتراض به نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در نوار غزه و توقف کمک‌های واشینگتن به تل آویو و همچنین به نشانه همبستگی با مردم غزه، روز شنبه پرچم فلسطین را یک ساعت در این دانشگاه به اهتزاز درآوردند. روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال در روز جمعه از ایالات متحده و بریتانیا خواست مداخله کنند و نوشت: «مزدی آقای خان (در دادگاه) با حمایت زادگاهش بریتانیا و حمایت ایالات متحده انجام شد، بنابراین اگر هر دو به جناب خان همدار دهند که اگر به سمت جلو حرکت کند، ممکن است چه اتفاقی بیفتد، تأثیرگذار است.» وال استریت ژورنال نوشت: «اگر این کار را نکنند، پرزیدنت بایدن و نخست‌وزیر ریشی سوناک با این خطر مواجهند که امریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها را در جایگاه بعدی قرار دهند.» صفحه عبری بانو ماگال از حامیان نتانیاهو نیز نوشت: «اگر بایدن به خود نیاید و دادگاه کیفری در لاهه را متوقف نکند، از جمله در صورت لزوم (همان‌طور که ترامپ انجام داد) با تهدید به تحریم‌های شخصی علیه رؤسای دادگاه، ممکن است حکم‌های بازداشت بین‌المللی برای نتانیاهو، گالاتت و هالویو در این هفته صادر شود.» با وجود همه استرس‌هایی که رهبران اسرائیلی با آن مواجهند، آنها می‌گویند که گفته می‌شود محور اصلی حکم ICC این است که اسرائیل «همدا به فلسطینیان در غزه گرسنگی می‌دهد»، ناداوشوانی، یک سخنگوی ارتش اسرائیل، روز شبات (شنبه تعطیل) یک جلسه هم سابقه برگزار کرد تا برای خبرنگاران خارجی توضیح دهد که اسرائیل از اسکله موقت بشردوستانه در نزدیکی رفح حمایت می‌کند، تا زمینه‌ای شود برای تلاش‌های سازمان یافته تغییر در تصمیم دیوان برای صدور حکم ارتکاب نسل‌کشی علیه فلسطینیان. بن کاسپیت، در سایت والا

اخبار کوتاه

■ **امریکا نگران جرم‌انگاری همجنس‌گرایب در عراق است**

پارلمان عراق با اعمال اصلاحیه‌ای در قانون قبلی که روابط همجنس‌گرایانه و تغییر جنسیت را جرم تلقی می‌کرد، مجازات تعیین شده برای این جرائم را از اعدام به ۱۵ سال حبس تغییر داد و آن را به تصویب رساند. به گزارش ایسنا، در مقابل امریکا نسبت به تصویب این قانون ابراز نارضایتی و نگرانی شدید کرد. «متیو میلر» سخنگوی وزارت خارجه امریکا با انتشار مطلبی در پلتفرم «ایکس» نوشت: «به شدت نگران اصلاحیه قانون مبارزه با فساد و همجنس‌گرایب در عراق هستیم، این اصلاحیه گروه‌های در معرض خطر بیشتر در جامعه عراق را تهدید کرده و توان عراق در توسعه اقتصاد و جذب سرمایه‌های خارجی را کاهش می‌دهد.» «مر مقابل «محسن المدلاوی» رئیس پارلمان عراق شنبه در بیانیه‌ای تأکید کرد: تصویب قانون مبارزه با فساد، گامی ضروری برای حفظ زیرساخت‌های ارزش‌های جامعه و مصلحت عالی کشور برای حفاظت از مردمش در برابر فراهخوان‌ها به انحطاط اخلاقی و فساد جنسی است که کشورهای جهان را در بر گرفته است. رئیس پارلمان عراق گفت: همجنس‌گرایب در عراق که سرزمین انبیا، ائمه و اولیای صالح است، جایی ندارد.

■ **چین خواهان سرمایه‌گذاری در معادن افغانستان**

سفر حکومت سرپرست افغانستان در یکن گفته که سرمایه‌گذاران چینی خواستار سرمایه‌گذاری روی معادن افغانستان هستند. به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، دفتر مطبوعاتی وزارت معادن و نفت طالبان اعلام کرد: شهاب‌الدین داوور، سرپرست این وزارت با بلال کریمی، سفیر طالبان در چین، درباره قراردادهای معادن مس، منگ، حوزه نفتی آمودریا، طلا، سستی و مس عینک ۲ دیندار و گفت‌وگو کرده است. سرپرست وزارت معادن و نفت طالبان در این دیدار گفت: شرایط سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و معادن، که مهم‌ترین آن کامل شدن روند استخراج از معادن داخل افغانستان است، به روشنی مطرح شده و تمام سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی می‌توانند در بخش منابع معدنی افغانستان سرمایه‌گذاری کنند.

■ **هشدار روسیه به غرب درباره مصادره دارایی‌های مسکو**

چند تن از مقام‌های روس روز یک‌شنبه غرب را تهدید کردند که در صورت مصادره دارایی‌های مسدود شده این کشور، ضمن پاسخ «شدید»، چالش‌های حقوقی «بی‌پایان» و اقدام‌های تلافی‌جویانه را اتخاذ خواهند کرد. به گزارش رویترز، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، هشدار داده که مسکو هرگز بخش‌های تصرف شده اوکراین را در ازای عودت دارایی‌های مسدود شده واگذار نخواهد کرد. ما را بازخوردها در پی‌آرهای تل‌گرام نوشت: «مهمین ما فروشی نیست.» دارایی‌های روسیه باید دست نخورده باقی بماند، زیرا در غیر این صورت واکنش شدیدی به سرت‌غرب داده خواهد شد. بسیاری از غربی‌ها این را در کرده‌اند؛ افسوس که نه همه آنها. در واکنش به تهاجم روسیه به اوکراین، امریکا و متحدانش مرابودات با بانک مرکزی و وزارت دارایی روسیه را ممنوع کرده و حدود ۳۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های مسکو را در غرب مسدود کردند. بیشتر این دارایی‌ها در مؤسسات مالی اروپایی و نه امریکایی نگهداری می‌شود.

■ **ترامپ پیش‌داز در ایالت‌های سرنواشت‌ساز**

نتایج نظرسنجی جدید نشان داد، جو بایدن رئیس‌جمهور کنونی امریکا، پایین‌ترین محبوبیت را در بین هم‌تایان خود در ۷۰ سال گذشته در این مقطع از ریاست جمهوری‌شان داشته است. روزنامه نیویورک پست نوشت: بایدن نامحبوب‌ترین فرمانده کل قوا در این مقطع از ریاست جمهوری‌اش در بین رؤسای جمهوری ۷۰ سال گذشته در امریکا است و حتی میزان محبوبیت او پایین‌تر از پیچارد نیکسون و جیمی کارتر رؤسای جمهوری اسبق امریکا است. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سلف بایدن که برای دومین دوره تصدی کاخ سفید با رئیس‌جمهور کنونی امریکا رقابت می‌کند در این مقطع از دوران تصدی‌اش در کاخ سفید ۶۶/۸ درصد محبوبیت داشت. هفته‌نامه نیویوریک پست نوشت: میانگین نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد، اگر انتخابات ۲۰۲۴ همین امروز برگزار شود، ترامپ در آرای عمومی و کالج انتخاباتی می‌تواند بایدن را شکست دهد.

خاطرات آهنگران کتاب شد



«حماسه خوان خمینی» عنوان کتاب خاطراتی است از حاج صادق آهنگران، مداح نام آشنا که به قلم محمدمهدی بهداروند تدوین شده است.

«حماسه‌خوان خمینی» تازه‌ترین کتاب محمدمهدی بهداروند است که در آن خاطرات صادق آهنگران، مداح نام‌آشنای سال‌های جنگ روایت شده است. این اثر که از سوی نشر چمرکان به چاپ رسیده و قرار است برای اولین‌بار در سی و پنجمین دوره نمایشگاه کتاب تهران عرضه شود به بیان خاطرات مردی می‌پردازد که جنگ تحمیلی را بزم هشت‌ساله و گنج مکتوبی می‌داند که آفاخش هنوز به وصف نیامده است.

«حماسه‌خوان خمینی» از چند فصل تشکیل شده است؛ فصل نخست نگاهی دارد به خاطرات آهنگران در برهه‌های مختلف تاریخی، از حوادث سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت امام(ره) به ایران و سخنرانی تاریخی ایشان در هیشت زهرا گرفته تا آشنایی با زنده‌یاد معلمی، شاعر نوحه‌های حاج صادق، تولد فرزندان، عملیات‌های مختلف جنگ تحمیلی، پذیرش قطعنامه و رحلت امام(ره).

فصل دوم به یادداشت‌های آهنگران اختصاص دارد. در این فصل افراد و حوادث مختلف از نگاه و قلم آهنگران روایت شده‌است. در نهایت فصل سوم کتاب به ارائه یادداشت‌ها از افراد مختلف درباره آهنگران اختصاص دارد. در این فصل مخاطب آهنگران و ارزش کار او را از نگاه محمدرضا ستگری، رضا امیرخانی، گلعلی بابایی، سرلشکر سیدرحیم صفوی، غلامعلی حدادعادل، منوچهر اکبری و دیگران می‌شناسد. «حماسه‌خوان خمینی» با تقریظی از آیت‌الله‌العلما حسین مطهرآی، استاد اخلاق منتشر شده‌است.

نخستین محموله کتاب‌های خارجی وارد کشور شد

مدیر کمیته ناشران خارجی نمايشگاه از ورود نخستين محموله کتاب‌های خارجی به وزن ۲۴ تن از مقصد کشور لبنان به تهران خبر داد.

انسماعیل جاعلعلی پور مدیر کمیته ناشران خارجی نمایشگاه کتاب تهران عنوان کرد: یکی از بخش‌های اصلی کمیته ناشران خارجی سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مسئله تمشیت امور مربوط به واردات کتاب و تسهیل امر ورود کتاب به کشور، تبیین آیین‌نامه‌های مرتبط با این موضوع و نظارت بر محتوای کتاب‌های وارداتی به نمایشگاه است. کمیته نظارت و ارزیابی محتوایی در مجموعه ناشران خارجی این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد. مدیر کمیته ناشران خارجی سیی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با بیان اینکه بخش گمرک نمایشگاه به متر از ۹۰۰ مترمربع آماده دریافت کتاب‌های ناشران خارجی و توزیع کتاب از کشورهای دیگر است، افزود: این کتاب‌ها پس از بررسی و تطبیق با آیین‌نامه داخلی نمایشگاه، آماده عرضه در بخش اصلی نمایشگاه خواهند بود.

وی ادامه داد: نخستین محموله کتاب‌های خارجی از ۱۱ ناشر عربی به وزن ۲۴ تن از مقصد کشور لبنان شنبه (هشتم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳) وارد تهران شد و امور ترخیص و گمرک این کتاب‌ها انجام شده و پس از طی مراحلی برای عرضه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آماده می‌شوند.

جاعلعلی پور در پایان گفت: برخی از موزعین که در طول سال کتاب‌های بین‌المللی کتاب تهران با شعار «بخوانیم و بسازیم» از کرده بودند نیز در روزهای گذشته مراحل گمرکی خود را طی کردند و طی این هفته وارد فضای سالن ارزیابی محتوایی خواهند شد تا برای عرضه در نمایشگاه آماده شوند. سی و پنجمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «بخوانیم و بسازیم» از ۱۹ تا ۲۹ اردیبهشت (۱۴۰۳) در محل مصلای امام خمینی(ره) به شکل حضوری و در سامانه ketabar.ir به صورت مجازی برگزار می‌شود.

زمان یخشی سرپال «رخنه» مشخص شد

سرپال «رخنه» به کارگردانی علی غفاری یک درام معاصر یا محوریت هوافضاست که به جای «نون خ» یخش خود را در شبکه یک آغاز خواهد کرد. علی غفاری این روزها کارگردانی سرپال «رخنه» را برعهده دارد. «رخنه» یک درام معاصر با محوریت هوافضاست که سال گذشته کلید خورد. داستان این سرپال به اقتدار موشکی ایران برمی‌گردد که بازیگران مختلفی در آن به ایفای نقش می‌پردازند و مهدی شفیعی، تهیه‌کنندگ آن را برعهده دارد.

امیرحسین صدیق، خسرو شهرزاد، نادر فلاح، سبینه خادوری، مریم کولابی، رامشین خدایناهی و علیرام نورویی از جمله بازیگرانی هستند که در این سرپال به ایفای نقش پرداخته‌اند. علی غفاری پیش از این فیلم و سرپال‌های مختلفی را به تولید رسانده که «پچه‌پندس» از جمله آنهاست. این سرپال از روز شنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه به آنتن شبکه یک می‌آید و بخش خود را آغاز می‌کند.

آر رویداد

رئیس سازمان دارالقرآن الکریم خیر داد

شرکت یک میلیون نفر در مسابقات «زندگی با آیه‌ها»



رئیس سازمان دارالقرآن الکریم با اشاره به استقبال مردم از پویش «زندگی با آیه‌ها» در ماه مبارک رمضان عنوان کرد حدود یک میلیون نفر در مسابقات این پویش شرکت کردند و ۸۰۰ هزار نفر موفق به دریافت گواهینامه قبولی شدند. حجت‌الاسلام علی تقی‌زاده، رئیس سازمان دارالقرآن الکریم، روز گذشته در نشست خبری دبیرخانه ملی اعطای مدرک به حافظان قرآن کریم گفت: طرح مسطورا با عنوان زندگی با آیه‌ها با همکاری نهادها و مؤسسات فرهنگی به ویژه آموزش و پرورش و صداوسیما در ماه مبارک رمضان برگزار شد که با استقبال میلیونی مردم، به‌ویژه دانش آموزان رویه‌رود و ۸۰۰ هزار نفر با شرکت در مسابقات این پویش موفق به دریافت گواهینامه شدند.

وی با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن گفت: موفق‌ترین واقع وقوع دروازه حفظ کل قرآن است و سازمان دارالقرآن الکریم پویش و جریان زندگی با آیات را در تابستان خیال خواهد کرد. البته باید با ترویج حفظ عمومی

روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران <p>صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز مدیر عامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان سرمدبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان بیهقی کوچه شهیداکبر زرجانی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸ روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰ - فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶ توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۹۴۲ ۸۸۷۲۰۰ چاپ: همشپری Public@JavanOnline.ir</p>	جوهر
<p> روزنامه جوان شماره ۷۰۱۵ دوشنبه ۱۰ ربه‌شبهشت ۱۴۰۳ ۲۰ شوال ۱۴۴۵ اذان ظهر: ۱۲:۰۲ غروب آفتاب: ۱۸:۵۰ اذان مغرب: ۱۹:۰۱ همه‌شبه شری: ۲۳:۱۶ اذان صبح فردا: ۰۳:۴۰ طلوع آفتاب: فردا ۰۵:۱۰</p>	

مصر و موساد پای منقل «حشاشین»

یک عضو شورای ساترا؛ سرپال حشاشین محصول کشور مصر است و روایت آن متضمن تحریف‌های فراوانی است که به نظر می‌رسد با رویکرد سیاسی و مغرضانه تولید شده‌است



نوید پارسا

به غیر از آثار ضد ایرانی‌سی که رژیم صهیونیستی ساخته و به طور عادی اجازه یخش از پلتفرم‌های داخلی را نداد،ند، شاید این اولین‌باری است که به طور رسمی عنوان می‌شود انتشار یک سرپال خارجی در سکوهای ایرانی ممنوع است. تقویت فرقه‌ها رویکردی است که موساد و صهیونیست‌ها از دیرباز به ویژه در ایران در پی تقویت آن بوده‌اند. فرقه‌ها به دلیل شفاف نبودن فعالیت‌هایشان و اینکه همواره در طول تاریخ مرموز و مشکوک بوده‌اند و در حاله‌ای از ابهام فعالیت کرده‌اند می‌توانند بهترین بستر برای سرویس‌های جاسوسی خارجی باشند. تولید سرپال حشاشین با موضوع فرقه حسن صباح در ایران را نیز می‌توان در همین راستا مورد تحلیل قرار داد. اینکه مصر به عنوان یک کشور عربی این سوز را جذاب تشخیص داده و به سمت تولید اثری برای نمایش خانگی حول چنین مضمونی رفته نیز در نوع خود قابل تأمل است. اخیراً پخش سرپال حشاشین به دلیل تحریف تاریخ و نمایش چهره‌ای نادرست از ایرانی‌ها به بهانه روایت تاریخ اسماعیلیه از شبکه نمایش خانگی ممنوع اعلام شده‌است.

عضو شورای اسواد فضای مجازی ساترا در این باره به این نکته اشاره می‌کند که سرپال حشاشین محصول کشور مصر است و روایت آن متضمن تحریف‌های فراوانی است که به نظر می‌رسد با رویکرد سیاسی مغرضانه تولید شده‌است. بر همین اساس طبق نظر شورای صدور مجوز ساترا انتشار سرپال حشاشین (The Assassins)، در رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ایران مورد تأیید ساترا در برجسته کردن فرقه‌ها از پروژه‌های مهم صهیونیسیسم جهانی به شمار می‌رود و تصور می‌شود که تولید و پخش چنین سرپال بر هزینه‌ای نیز با همین سیاست‌ها همسو باشد. این سرپال با پخش در ایام ماه مبارک رمضان که ماه همدلی مسلمانان است، سعی

کرد اختلافات مذهبی مسلمانان را به تبلیز بکشد. یکی از اهداف سرپال حشاشین این بود که ترور و سرآغاز ترور را به ایرانی‌ها ربط دهد. شاهد این نظر به آن است که در این سرپال شهرهای ری، قم و اصفهان را منشأ تروریست معرفی می‌کند.

امید علی مسعودی درباره سرپال «حشاشین» و لزوم حذف آن از پلتفرم‌ها عنوان کرده که سرپال‌های خارجی در مقایسه با سرپال‌های ایرانی به دلیل اقبال بسیار کمتر مخاطب، مشمول ممیزی پسینی هستند؛ یعنی اول نمایش داده‌می‌شوند و بعداً کار ساترا ملاحظه‌های

دانشه‌باشد به سکوهای نمایش خانگی اعلام می‌کند که فلان سرپال را اصلاح یا در مواردی خاص شبیه سرپال حشاشین حذف کنند.

وی درباره این سرپال و لزوم حذفش از پلتفرم‌ها گفت: پخش سرپال حشاشین محصول شبکه تلویزیونی مصر از ماه مبارک رمضان از این شبکه و پلتفرم‌های نمایش خانگی در ایران و کشورهای عرب زبان آغاز شد و همچنان این سرپال در حال کسب مخاطب بیشتر از طریق سکوهای نمایش خانگی است. سرپال حشاشین با بودجه‌ای ۱۲ میلیون دلاری ساخته‌شده و یکی از پرخرج‌ترین سرپال‌های تاریخ کشورهای عرب زبان به شمار می‌رود.

نظارت پسینی بر سرپال‌های خارجی

مسعودی در ادامه تصریح می‌کند: تولید و

حکمت

امیر المؤمنین امام علی علیه‌السلام:
از زشتکاری نهی کنید و خود از آن باز ایستید، زیرا شما فرمان دارید ابتدا خود از کار زشت باز ایستید و سپس دیگران را نهی کنید.
خطبه ۱۰۵ نهج‌البلاغه

نما احسن کشتار



دیدگاه

هنرمندی «نون خ» برای نشاندن کرد و بلوچ در یک قاب زیبا

اینکه «نون خ» از جغرافیای کردستان به سمت بلوچستان می‌رود و برای اولین‌بار تصویری جذاب و فرهنگی از این قوم نشان می‌دهد، اتفاق مهم و قابل تأملی محسوب می‌شود



افشین علیار

سرپال توانسته اثر بومی و ملی باشد، سعید آقاخانی همواره سعی کرده در ساخت سرپال «نون خ» به دور از کلیشه‌های مرسوم سرپال‌سازی در تلویزیون، از تهران و لوکیشن‌های محدود آپارتمانی دوری کند، به همین دلیل اساساً او تبحر خاصی در نمایش اقلیم دارد.

آقاخانی در فصل پنجم جسارت خاصی در تمهیدات ساختاری و متن اعمال کرده‌است. مؤلفه‌های ساختاری او در سرپال‌سازی نشانی از فرهنگ کشورمان دارد که در این راه بسیار موفق بوده، آقاخانی همواره اشاره‌ها به ایجاد فرهنگ شناسی دارد و حالا در فصل پنجم به سیستان و بلوچستان رفته‌است تا تصویری از مردمان بلوچ ارائه دهد که شکستن کلیشه‌های رایج در آن مهم‌ترین نکته محسوب می‌شود. او توانست به مخاطب نشان بدهد تمامی تمهیدات بلدان‌های تصویری صورت گرفته تا خدش‌های به مضمون اصلی وارد نشود و این یکی هزاران نکات مثبت سرپال است. کرد و بلوچ در کنار هم با دو فرهنگ متفاوت در غم و شادی همیار هم هستند، این مؤلفه‌ها قطعاً برای مخاطب جذابیت دارد. این را اضافه کنید تم اصلی «نون خ» کمندی است البته نه کمندی مرسوم که به ابتذال برسد، کمندی در «نون خ» در موقعیت و دیالوگ به درستی درآمده‌است، حتی در جدی‌ترین پلان هم کمندی کارکرد خودش را دارد. بلدان‌های تصویری در چشم‌انداز و این نکته مثبت سرپال است. آقاخانی در بازی گرفتن هم تبحر خاص خودش را دارد. او کارگردانی همه فن حریف است که حتی زمانی که از ناحیه کمر آسیب می‌بیند، تصویربرداری را تعطیل نمی‌کند. سرپال‌های قبلی مانند «نون خ» باعث آشفتگی بیشتر مردم با فرهنگ و آیین غنی کشورمان می‌شود، از این جهت به مراتب باید این گونه‌ا سرپال‌ها بیشتر ساخته‌شوند.

تجسمی

مدیرکل هنرهای تجسمی مطرح کرد

ماجرای داغ حمایت هنرمندانه از غزه در ونیز



مضمون «کودک غزه» چه می‌گوید، توضیح داداین یک جریان

کویت‌ریال است که مبنای اصلی آن، پنج اثر از هنرمندان نقاش تیزول اول ایرانی است که همگی درباره کودکان غزه کار شده‌است و در کنار هر اثر قطعه شعری از محمود درویش شاعر بین‌المللی فلسطینی انتخاب شده که متناسب با مضمون اثر است و به چند زبان ترجمه شده‌است. در کنار این آثار یک ارزش افزوده‌ای هم وجود دارد، به ویژه زمانی هفت ماهه این آثار توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، نماینده مجمع رضا و اعضای قبیقی شورااخذ می‌شود و این نوع تصمیمات معمولاً با اجماع اعضای شورا شکل می‌گیرد و پس از آنکه سریالی ممنوع اعلام می‌شود دادستانی از انتشار آن در سکوهای داخلی جلوگیری می‌کند.

رژیم صهیونیستی رقم می‌خورد و به ویژه در دانشگاه‌های امریکا شاهد هستیم، این جریان در حال همه‌گیر شدن است، به همین دلیل ما در ونیز کلی خواهان داریم، در شهر ونیز به دلیل اینکه ساکنان چندانی حضور ندارند و غالب افراد حاضر از گردشگران، هنرمندان و کیوریتورهاستند و همین افراد اعتراضات خودشان را به رژیم صهیونیستی به نمایش گذاشته‌اند، بنابراین مضمون غرقه‌ما، بسیار برای آنها جذاب و جالب است. رئیس یوایون ایران در شصتمین بینال هنر ونیز در پاسخ به این پرسش که در دفاع از
